



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

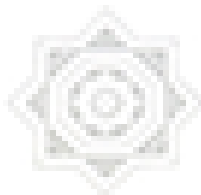
www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

# سایه‌های فقرز و ابی در کلام مصومین عظیم السلام

نویسنده: اکبر اسدعلیزاده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیاست های فقرزدایی در کلام معصومین علیهم السلام

نویسنده:

اکبر اسدعلیزاده

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	سیاست های فقرزدایی در کلام معصومین علیهم السلام
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	دیبچه
۱۷	پیش گفتار
۱۹	بخش اول: فقر در آینه کلام معصومین علیهم السلام
۱۹	اشاره
۲۰	فصل اول: کلیات
۲۰	اشاره
۲۰	فقر در لغت و اصطلاح
۲۱	فقر در روایات
۲۱	اشاره
۲۳	۱. خوراک و پوشاک
۲۴	۲. مسکن مناسب و فراخ
۲۴	۳. مرکب
۲۶	۴. دیگر نیازهای زندگی
۲۶	اشاره
۲۶	الف _ هزینه های ازدواج
۲۷	ب _ هزینه استخدام خدمتکار و تعمیر و نگهداری لوازم زندگی
۲۸	ج _ هزینه زندگی فرزندان، پدر و مادر، همسر و مملوک (غلام و حیوان)
۲۸	د _ هزینه جشن عید و دید و بازدید
۲۸	ه _ هزینه مواد خوش بو کننده
۲۸	اشاره

۳۰	تعیین حدود فقر
۳۳	گونه های فقر
۳۳	اشاره
۳۳	۱. فقر مطلق
۳۴	۲. فقر نسبی
۳۴	۳. فقر طبیعی
۳۴	۴. فقر فرهنگی
۳۶	۵. فقر روحی و معنوی
۳۷	۶. فقر واقعی
۴۰	فصل دوم: نکوهش و ستایش فقر
۴۰	اشاره
۴۰	۱. نکوهش فقر
۴۴	۲. ستایش فقر
۵۳	فصل سوم: پی آمدهای فردی و اجتماعی فقر
۵۳	پی آمدهای فردی فقر
۵۳	اشاره
۵۳	الف _ سستی ایمان و پریشانی فکر
۵۶	ب _ خواری و خود کم بینی
۵۹	ج _ دست زدن به خطا و گناه
۵۹	پی آمدهای اجتماعی فقر
۵۹	اشاره
۵۹	الف _ محروم ماندن از حقوق اجتماعی
۶۱	ب _ غربت و تنهایی
۶۲	ج _ پیدایش فساد اداری
۶۳	د _ پیدایش فساد اجتماعی
۶۵	فصل چهارم: فقر؛ آزمون الهی

۶۵	.....	اشاره
۶۶	.....	یاری رسانی به فقیران
۶۹	.....	راه کارهای یاری رسانی به فقیران
۷۰	.....	نکوهش فقرنمایی و گدایی
۷۵	.....	فضیلت اظهار بی نیازی
۷۷	.....	پی آمدهای تحقیر فقیران
۷۹	.....	پی آمدهای تکریم فقیران
۸۱	.....	جایگاه فقیران در آخرت
۸۴	.....	بخش دوم: عوامل فقر
۸۴	.....	اشاره
۸۵	.....	فصل اول: عوامل معنوی
۸۵	.....	اشاره
۸۵	.....	الف _ عوامل معنوی
۸۵	.....	اشاره
۸۵	.....	۱. آزمندی
۸۹	.....	۲. زیاده خواهی
۹۰	.....	۳. بخل ورزی
۹۳	.....	۴. ستم کاری، خیانت ورزی و دروغ گویی
۹۴	.....	۵. فقرنمایی
۹۶	.....	۶. اسراف و تبذیر
۹۸	.....	۷. ترک صله رحم
۹۸	.....	۸. ترک نظافت
۱۰۱	.....	فصل دوم: عوامل مادی
۱۰۱	.....	اشاره
۱۰۱	.....	۱. انحصار ثروت در دست توانگران
۱۰۲	.....	۲. انحصار منابع درآمد در دست یک طبقه اجتماعی

۱۰۳	۳. ثروت اندوزی زمام داران
۱۰۶	۴. مدیریت ناکارآمد
۱۱۰	۵. تنبلی و بی حوصلگی در کار
۱۱۵	۶. رهبانیت و گوشه نشینی
۱۲۰	۷. بی تدبیری در اداره زندگی
۱۲۲	بخش سوّم: راه های مبارزه با فقر
۱۲۲	اشاره
۱۲۳	فصل اول: سیره عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر
۱۲۳	اشاره
۱۲۴	۱. انفاق و یاری رسانی به فقیران
۱۲۶	۲. پرداخت قرض الحسنه
۱۲۸	۳. کار و تلاش
۱۳۱	فصل دوم: سیره علمی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر
۱۳۱	اشاره
۱۳۱	وظایف فردی در مبارزه با فقر
۱۳۱	اشاره
۱۳۱	الف _ راه های معنوی
۱۳۱	۱. دانش اندوزی
۱۳۳	۲. بردباری
۱۳۵	۳. قناعت و صرفه جویی
۱۳۷	۴. هم نشینی با نیازمندان و برآوردن نیاز آنان
۱۴۱	۵. درست کاری و امانت داری
۱۴۴	۶. پرهیز از گناه
۱۴۶	ب _ راه های مادی
۱۴۶	اشاره
۱۴۶	۱. کار



- ۱۴۶ ..... اشاره
- ۱۴۷ ..... ارزش و اهمیت کار در اسلام
- ۱۵۰ ..... پی آمدهای مادی کار
- ۱۵۳ ..... پی آمدهای معنوی کار
- ۱۵۴ ..... پی آمدهای مادی و معنوی کار
- ۱۵۴ ..... اشاره
- ۱۵۴ ..... ۱. بدنی
- ۱۵۵ ..... ۲. روحی
- ۱۵۵ ..... ۳. حیاتی
- ۱۵۵ ..... ۴. تربیتی
- ۱۵۵ ..... ۵. علمی
- ۱۵۶ ..... ۶. اخلاقی
- ۱۵۶ ..... ۷. اجتماعی
- ۱۵۷ ..... ۸. محیطی و خانوادگی
- ۱۵۸ ..... ۹. اقتصادی
- ۱۵۹ ..... ۱۰. تشریحی
- ۱۵۹ ..... ۱۱. فرهنگی
- ۱۶۰ ..... ۱۲. سیاسی
- ۱۶۰ ..... ۱۳. دفاعی
- ۱۶۱ ..... ۱۴. هنری
- ۱۶۱ ..... ۱۵. پیشرفتی
- ۱۶۱ ..... ۱۶. صنعتی
- ۱۶۲ ..... ۱۷. رفاهی
- ۱۶۲ ..... ۲. حسن تدبیر در زندگی
- ۱۶۴ ..... ۳. میانه روی در هزینه ها
- ۱۶۷ ..... ۴. اهمیت کار کشاورزی

- ۱۷۰ ..... ۵. غنیمت شمردن فرصت ها
- ۱۷۲ ..... ۶. پرداخت وجوهات (زکات و خمس)
- ۱۷۶ ..... وظایف اجتماعی در مبارزه با فقر
- ۱۷۶ ..... اشاره
- ۱۷۶ ..... ۱. تعاون و همیاری اجتماعی
- ۱۷۶ ..... اشاره
- ۱۷۷ ..... الف \_ آیات
- ۱۷۸ ..... ب \_ روایات
- ۱۷۸ ..... اشاره
- ۱۸۱ ..... پی آمدهای مادی و معنوی تعاون و همیاری
- ۱۸۲ ..... پی آمدهای یاری نرساندن به دیگران
- ۱۸۵ ..... ۲. پرداخت قرض الحسنه
- ۱۸۵ ..... اشاره
- ۱۸۵ ..... الف \_ آیات
- ۱۸۶ ..... ب \_ روایات
- ۱۸۸ ..... ۳. نظارت بر کار دولت
- ۱۹۲ ..... وظایف دولت در مبارزه با فقر
- ۱۹۲ ..... اشاره
- ۱۹۳ ..... ۱. تأمین اجتماعی
- ۱۹۶ ..... ۲. نظارت بر بازار و فعالیت های اقتصادی
- ۲۰۴ ..... ۳. تلاش برای گسترش تجارت و صنعت
- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۶ ..... تشویق به تجارت و صنعت
- ۲۰۷ ..... ۴. پشتیبانی از کشاورزی و دام داری
- ۲۱۰ ..... ۵. کارآفرینی
- ۲۱۲ ..... ۶. تشکیل صندوق های تعاونی

- ۲۱۳ ..... ۷. ایجاد امنیت اقتصادی
- ۲۱۷ ..... ۸. مبارزه با مفاسد اقتصادی (محتکران، گران فروشان و...)
- ۲۲۱ ..... ۹. مبارزه با فساد مالی کارگزاران (اختلاس، رشوه و...)
- ۲۲۱ ..... اشاره
- ۲۲۲ ..... الف \_ بازخواست از خیانت کاران
- ۲۲۴ ..... ب \_ برخورد با سودجویان
- ۲۲۵ ..... ج \_ برخورد شدید با فرماندار خیانت کار
- ۲۲۵ ..... د \_ اعتراض شدید امام علیه السلام به شریح قاضی
- ۲۲۸ ..... ه \_ برخورد شدید با رشوه خوری
- ۲۳۲ ..... ۱۰. سپردن کار به دست افراد اصلح (متعهد و کاردان)
- ۲۳۲ ..... اشاره
- ۲۳۶ ..... الف) معیارهای گزینش کارگزاران در آیات
- ۲۳۸ ..... ب) معیارهای گزینش کارگزاران در روایات
- ۲۴۶ ..... بخش چهارم: همراه با برنامه سازان
- ۲۴۶ ..... اشاره
- ۲۴۷ ..... نقش رسانه در مبارزه با فقر
- ۲۴۸ ..... پرسش های مردمی
- ۲۴۹ ..... پرسش های کارشناسی
- ۲۵۲ ..... معرفی کتاب
- ۲۵۲ ..... الف \_ منابع فارسی
- ۲۵۳ ..... ب \_ منابع عربی
- ۲۵۴ ..... کتاب نامه
- ۲۶۱ ..... درباره مرکز

# سیاست های فقرزدایی در کلام معصومین علیهم السلام

## مشخصات کتاب

سیاست های فقرزدایی در کلام معصومین علیهم السلام

کد: ۵۹۱

نویسنده: اکبر اسدعلیزاده

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۱

شمارگان: ۱۲۰۰

بهاء: ۱۲۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRCgIRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۹۶۴-۷۸۰۸-۰۳-۸\_۷۸۰۸\_۰۳\_۸ / ISBN: ۹۶۴-۷۸۰۸-۰۳-۸

ص: ۱

اشاره



## دبیاچه

## دبیاچه

فراهم آوردن وسایل آسایش و آرامش فردی در راستای تحقق نیک بختی انسان و نزدیکی او به خداوند متعال است. اسلام مانند دیگر ادیان الهی بر ریشه کن کردن فقر و تأمین رفاه عمومی تأکید فراوان دارد. در اندیشه اسلام، خداوند هر آن چه را در آسمان ها و زمین هست، برای آسایش انسان آفریده است و همه بندگان در بهره وری از این نعمت های خدادادی، حقوق یکسان دارند.

مکتب اسلام، فقر را هم چون غده سرطانی، ذوب کننده ایمان و فلج کننده پیکره کارآمد جامعه می داند. ریشه کنی فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسانی در سیره علمی و عملی معصومین علیهم السلام و رشد واقعی انسان ها با حفظ آزادگی در رشد اقتصادی از اهداف اساسی اسلام به شمار می رود.

اسلام، کسانی را که با برخورداری از مواهب بسیار، همواره خود را نیازمند می پندارند و در اندیشه افزودن بر دارایی خویش، با دیدن مردم دارا، شعله های آرزو و حرص در دل و جان آنان شعله ور می گردد، نکوهش می کند و در مقابل، افرادی را که استغنا دارند، می ستاید؛ زیرا اینان با این که تنگدستند، در درون خود احساس آرامش و بی نیازی و عزت مندی می کنند. امام باقر علیه السلام در وصف این دو دسته می فرماید:

هیچ فقری چون فقر روحی و هیچ توانگری چون استغنائی روحی نیست. (۱)

اسلام هیچ گاه مسلمان عزت مند را در پوشش فقر و نداری نمی پسندد و هرگز حاضر نیست شخصیت وی مورد تحقیر دیگران قرار گیرد. بر این اساس، دستوره‌های حیات بخش خود را در قالب خمس، زکات، انفاق، وقف و هبه با رعایت همه جنبه های شخصیتی مسلمانان ارایه داده است. مکتب دینی ما بر حفظ شخصیت افراد، تأکید می کند و مؤمنان را از هر کاری که حیثیت انسان را خدشه دار می سازد، باز می دارد. به همین دلیل است که تکدی گری را بر نمی تابد.

از سوی دیگر، اسلام در سیاست گذاری کلان اجازه نمی دهد با توزیع ناعادلانه ثروت، شکاف طبقاتی ایجاد شود و هرم اکثریت محروم \_ اقلیت برخوردار در جامعه اسلامی شکل گیرد. هم چنین اجازه نمی دهد با ناکارآمدی مدیریتی، افزایش بی رویه قیمت ها، از بین رفتن امکانات و فرصت های شغلی و انحصاری بودن دانش و فن آوری، چرخه تولید و توزیع آسیب ببیند.

توسعه اسلامی، رفاه مطلوب را می پسندد، نه اتراف و اسراف را. در این مکتب استفاده از نعمت ها باید به فزونی شکر و تربیت و تهذیب بیانجامد، نه غفلت و سرکشی و استفاده لجام گسیخته از مواهب طبیعی و نیروی کار در الگوی توسعه اسلامی، شاخص هایی هم چون: آخرت طلبی، حاکمیت دین، عدالت اجتماعی و برادری، نقش محوری دارند و سخت کوشی همراه با استمداد الهی، رعایت حقوق و حدود دیگران و پرداخت حقوق مالی آنان، نقش راهبردی دارند. در این میان، حکومت اسلامی نیز می کوشد با برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت خود، ریشه فقر را بخشکاند و

با استحکام بخشیدن شالوده های اقتصادی و گزینش راهبردهای مناسب در توسعه، متناسب با اهداف و مبانی نظام اقتصادی، همسویی ایجاد کند.

در تبیین سیاست های خرد و کلان فقرزدایی، پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین اکبر اسد علیزاده کوشیده است با الهام از آیات و روایات و سیره عملی معصومین علیه السلام، عوامل فقرآفرینی، پیآمدهای فردی و اجتماعی و راه کارهای تحقق عدالت اجتماعی و سیاست های فقرزدایی را بررسی کند. با ارج نهادن به تلاش محققانه ایشان، امیدواریم روزنی از شمیم خوش حکومت معصومین علیهم السلام بر جامعه، سایه افکند و عدالت علوی از ژرفای جامعه، مشام جان ها را نوازش دهد و گامی به سوی حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جامعه بی طبقه توحیدی برداریم.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

سفید است.



## پیش‌گفتار

### پیش‌گفتار

فقر، درد‌آورترین و غمناک‌ترین معضل اجتماعی بشر است که در طول تاریخ همواره دامن‌گیر جامعه انسانی بوده و هست. تلاش‌های بی‌وقفه بشر نیز نتوانسته است این مشکل بزرگ اجتماعی را حل کند و از میان بردارد.

اسلام که آخرین و کامل‌ترین پیام آسمانی به بشریت است، برای مبارزه با این معضل اجتماعی، شیوه‌های استواری را به همراه آورده است که عمل به این شیوه‌ها و دستورها، به استحکام ساختار نظام اقتصادی و از میان برداشتن همیشگی فقر و تهی‌دستی می‌انجامد. اسلام برای جلوگیری از نفوذ و گسترش فقر اقتصادی و راه سپردن به سوی پیشرفت اقتصادی، راه‌هایی را پیش‌بینی کرده است.

رهبران الهی و معصومین علیهم‌السلام نیز برای مبارزه اساسی و زیربنایی با فقر اقتصادی پیوسته زمام‌داران را برای تحکیم پایه‌های اقتصادی جامعه و فقرزدایی و کمک به قشر آسیب‌پذیر و کم‌درآمد جامعه سفارش می‌کردند و خود برای عملی ساختن این امر و از میان بردن فقر و ناداری پیش‌قدم می‌شدند.

برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در دوران حکومت بحق خویش، تلاش خود را به رفع هرگونه فقر معطوف کرده بود. امام علی علیه‌السلام در حالی حکومت

را به دست گرفت که در نتیجه گردآمدن ثروت نزد طبقه خاصی از بنی امیه در دوران خلافت عثمان، فقر اجتماعی به اوج خود رسیده بود. همین امر سبب گردید شکاف عمیقی میان دو طبقه ثروت مندان و تهی دستان به وجود آید. آن حضرت برای کم کردن فاصله طبقاتی و از میان برداشتن فقر اجتماعی و دینی، عدالت اجتماعی و رعایت قانون الهی را سرلوحه کار خویش قرار داده بود. به همین دلیل، همه توان خود را در گفتار و کردار برای مبارزه با پیش زمینه های فقر بسیج کرد و شیوه جاودانه ای را برای برپایی جامعه ای عدالت خواه بنیان نهاد که در آن فقیر با غنی برابر باشد.

به هر حال، براساس سخنان مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای (دامت برکاته) در زمینه ضرورت مبارزه با فقر و اولویت دادن به مسایل اقتصادی در راه مبارزه با فقر، این پژوهش می کوشد شیوه ها، رفتارها و سخنان معصومین علیهم السلام را در راه مبارزه با فقر یادآور شود و با ارایه روش های علمی و عملی معصومین علیهم السلام و الگو قرار دادن آن ها در سیاست ها و برنامه های مبارزه با این پدیده شوم، راه کارها و سیاست های کارآمد را بررسی کند.

این اثر در چهار موضوع کلی زیر به بحث و بررسی می پردازد.

۱. فقر در آیینه کلام معصومین علیهم السلام .

۲. عوامل فقر.

۳. راه های مبارزه با فقر.

۴. نقش رسانه در مبارزه با فقر.

## بخش اول: فقر در آینه کلام معصومین علیهم السلام

### اشاره

بخش اول: فقر در آینه کلام معصومین علیهم السلام

زیر فصل ها

فصل اول: کلیات

فصل دوم: نکوهش و ستایش فقر

فصل سوم: پی آمدهای فردی و اجتماعی فقر

فصل چهارم: فقر؛ آزمون الهی

## فصل اول: کلیات

### اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

فقر در لغت و اصطلاح

فقر در روایات

گونه های فقر

### فقر در لغت و اصطلاح

فقر در لغت و اصطلاح

فقر از فقار (مهره های پشت) گرفته شده است و فقیر به کسی گفته می شود که مهره های پشتش زیر بار گرفتاری های ناشی از فقر و تنگ دستی خم شده باشد. (۱)

در اصطلاح عرف مردم، به کسی فقیر می گویند که سطح زندگی اش بسیار پایین بوده و از ضروریات زندگی بی بهره باشد. در اصطلاح فقه نیز منظور از فقیر، کسی است که نمی تواند هزینه های اداره زندگی یک سال خانواده اش را آن گونه که در خور آن ها است، برآورده سازد و در آینده نیز توانایی تهیه آن را ندارد. (۲)

---

۱- الصحاح، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ه. ق، چ ۴، ج ۲، ص ۷۸۲، ماده فقر.  
۲- «هم الذین لا یملکون مؤونه سنتهم اللاتقه بحالهم و کمن یقومون به لا فعلاً و لا قوه». تحریر الوسیله، امام خمینی قدس سره، ج ۱، کتاب الزکاه، العقول فی اصناف المستحقین الزکاه و مصارفها الاول؛ شرایع الاسلام فی مسایل الحلال و الحرام، جعفر بن حسن حلی، بیروت، دارالانصار، ۱۴۰۳ ه. ق، چ ۲، ج ۱، ص ۱۵۹، کتاب الزکاه.

روایات نیز بر معنای یاد شده تاکید دارند، چنان که یونس بن عمار می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

تَحْرُمُ الزَّكَاةُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ قُوَّةُ السَّنَةِ وَ تَجِبُ الْفِطْرَةُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ قُوَّةُ السَّنَةِ. (۱)

زکات برای کسی که خرجی یک سال خود را دارد، حرام است و بر کسی که مخارج سالش را دارد، زکات فطره واجب است.

آن حضرت در روایت دیگری، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

فَإِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يُعْطَوْنَ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ، فَلِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ مَا يَكْفِيهِ وَيَكْفِي عِيَالَهُ، مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ. (۲)

سال به سال آن چه لازم است، به مردم عطا می شود. پس شخص می تواند آن چه را برای سراسر سال او و خانواده اش (از مخارج زندگی) لازم است (از زکات) بگیرد.

ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی است که ۸۰۰ درهم دارد، ولی کم درآمد و عیالمنند است؛ آیا می تواند زکات بگیرد؟ حضرت فرمود: ای ابا محمد! آیا از درهم هایش آن قدر سود می برد که با آن، مخارج عیالش را برآورده سازد و اندکی هم اضافه بماند؟ گفتم: بلی. حضرت فرمود: چقدر اضافه می ماند؟ گفتم: نمی دانم. فرمود: اگر بیش از نصف مخارجش، اضافه بماند، نمی تواند زکات بگیرد، ولی اگر کم تر از نصف مخارجش باشد، می تواند زکات بگیرد.

۱- وسائل الشیعه، شیخ محمد بن حسن حر عاملی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۶، ج ۶، ص ۱۶۰، باب ۸، ح ۱۰.

۲- معانی الاخبار، شیخ ابی جعفر صدوق، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۳.

ابوبصیر می گوید: پرسیدم آیا باید زکات مال خودش را پردازد؟ حضرت فرمود: بلی. گفتم: چگونه باید از این اموال استفاده کند؟

آن حضرت فرمود: باید با آن، بر خوراک و پوشاک اهل و عیالش بیافزاید و اگر چیزی باقی ماند، به دیگران نیز برساند. باید با آن چه از زکات دریافت می کند، به وضع خانواده اش رسیدگی کند تا آنان را به سطح زندگی دیگران برساند. (۱)

هم چنین امام صادق علیه السلام درباره میزان زکات پرداختی به مستمندان می فرماید:

تُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ حَتَّى تُغْنِيَهُ. (۲)

آن مقدار از زکات به فقیران داده شود که آنان را از مخارج زندگی بی نیاز گرداند.

از نظر اسلام، هزینه های شخصی زندگی، آن چیزهایی است که یک فرد برای زندگی سالم و مطلوب به آن ها نیاز دارد. خوراک، پوشاک، مسکن متناسب با شأن و مرکب (وسیله نقلیه)، نخستین نیازهای یک انسان به شمار می رود.

هزینه های ازدواج، بهداشت، پوشاک خوب و مطلوب، داشتن خدمتکار، تهیه وسایل مورد نیاز زندگی، هزینه های افراد خانواده، بهره مندی از غذاها و میوه های گوناگون و مطلوب، هزینه خرید لباس های مناسب هر فصل، هزینه

۱- عن أبي بصير قال: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ ثَمَانِمِائَةِ دِرْهَمٍ، وَهُوَ رَجُلٌ خَفَافٌ، وَ لَهُ عِيَالٌ كَثِيرٌ، أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! أَيْرَبِحُ فِي دَرَاهِمِهِ مَا يَقْتَرِبُ بِهِ عِيَالَهُ وَ يُفْضَلُ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: كَمْ يُفْضَلُ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي. قَالَ: إِنْ كَانَ يُفْضَلُ عَنْ الْقُوتِ مِقْدَارُ نِصْفِ الْقُوتِ فَلَا يَأْخُذُ الزَّكَاةَ؛ وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ نِصْفِ الْقُوتِ أَخَذَ الزَّكَاةَ. قَالَ: قُلْتُ: فَعَلَيْهِ فِي مِائَةِ زَكَاةٍ تَلْزَمُهُ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يَصْرِعُ؟ قَالَ: يُوسِّعُ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَ كِسْوَتِهِمْ، وَ يُبْقِي مِنْهَا شَيْئاً يُنَاوِلُهُ غَيْرَهُمْ؛ وَ مَا أَخَذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَضَّضَهُ عَلَى عِيَالِهِ يُلْحِقُهُمْ بِالنَّاسِ». وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۵۹، ابواب زكاه الغلات، باب ۸، ح ۴.

۲- وسائل الشيعه، ابواب المستحقين للزكاه، باب ۲۴، ح ۱ و ۵.

مسافرت ها و دید و بازدیدها و... نیز در شمار نیازهای بعدی آدمی قرار دارد. درباره همه موارد یاد شده، روایت هایی از پیشوایان معصوم علیهم السلام به چشم می خورد که اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

### ۱. خوراک و پوشاک

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... فَأَمَّا الْوُجُوهُ الَّتِي تُلْزِمُهُ فِيهَا النَّفَقَةُ عَلَى خَاصَّةِ نَفْسِهِ، فَهِيَ مَطْعَمُهُ وَمَشْرَبُهُ وَ مَلْبَسُهُ... (۱).

(برخی) هزینه های شخصی عبارتند از: هزینه خوردنی ها، آشامیدنی ها و پوشاک.

ایشان درباره تهیه میوه برای خانواده می فرماید:

لَا تُكُونُ فَاكِهَةً، إِلَّا أَطْعَمَ عِيَالَهُ مِنْهَا... (۲).

از همه میوه ها به خانواده خود بدهد....

هم چنین درباره تهیه لباس های فصلی فرموده است:

... وَ يَكْسُوها (المراه) فِي كُلِّ سَنَةٍ أَرْبَعَةَ أَثْوَابٍ، ثَوْبَيْنِ لِلشَّتَاءِ وَ ثَوْبَيْنِ لِلصَّيْفِ. (۳)

مرد وظیفه دارد در طول سال، چهار دست لباس برای زن تهیه کند؛ دو دست برای زمستان و دو دست برای تابستان.

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، برگردان: احمد جنتی، ص ۳۹۱.

۲- الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ه. ق، ج ۵، ص ۵۱۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۷، کتاب النکاح، أبواب النفقات، باب ۲، ح ۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز درباره تهیه کفش می فرماید:

مَنْ اتَّخَذَ نَعْلًا فَلْيَسْتَجِدْهَا. (۱)

هر کسی کفشی می خرد، باید کفش خوب بخرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره فرموده است:

اسْتِجَادَةُ الْحِذَاءِ وَقَايَةُ اللَّبَدَنِ وَعَوْنٌ عَلَى الصَّلَاةِ وَالطَّهْوَرِ. (۲)

برگزیدن کفش خوب مایه نگاهداری بدن، کمکی برای نماز گزاران و خود را پاک نگاه داشتن است.

و هم چنین درباره هزینه های پذیرایی از مهمان ها و تهیه غذا در روزهای عید می فرماید:

... أَمَا الْوُجُوهُ الَّتِي فِيهَا إِخْرَاجُ الْأَمْوَالِ... وَ إِقْرَاءُ الضَّيْفِ... (۳)

از جمله هزینه های انسان، هزینه پذیرایی از مهمان است.

## ۲. مسکن مناسب و فراخ

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ، الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ. (۴)

خانه مسکونی فراخ از سعادت مرد مسلمان است.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

مِنْ شِقَاءِ الْعَيْشِ، ضَيْقُ الْمَنْزِلِ. (۵)

یکی از اموری که زندگی را دشوار می کند، کوچکی خانه مسکونی است.

## ۳. مرکب

۱- الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۶۲، کتاب الزی و التّجمل، باب الاحتذاء، ح ۳.

۲- الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۱.



٣- تحف العقول عن آل الرسول، صص ٣٩١ و ٣٩٢.

٤- وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٥٥٨، كتاب الصلاة، أبواب أحكام المساكن، باب ١، ح ٥.

٥- وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٥٥٩، باب ٢، ح ٢.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ، داشتن مرکب را سعادت شخص شمرده و فرموده است:

مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ، ... الْمَرْكَبُ الْهَنِيُّ ۱.

داشتن مرکب راهوار و خوب، سعادت مسلمان است.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ، دَابَّةٌ يَرْكَبُهَا فِي حَوَائِجِهِ، وَ يَقْضَى عَلَيْهَا حُقُوقَ إِخْوَانِهِ ۲.

یکی از خوشبختی های مرد این است که مرکبی داشته باشد تا برای برآوردن نیازمندی های خود بر آن سوار شود و حقوق برادران خویش را پردازد.

#### ۴. دیگر نیازهای زندگی

#### اشاره

هزینه های ازدواج، حج، صدقه، استخدام خدمتکار، تعمیر و نگهداری ابزار مورد نیاز زندگی، پرداخت هزینه های فرزند، پدر و مادر و همسر، تهیه مواد خوش بو کننده، هزینه دید و بازدیدها و... از دیگر نیازهای زندگی است.

#### الف \_ هزینه های ازدواج

ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که پیرمردی از دوستان ما به نام عمر نیازمند و فقیر بود. او از عیسی بن اَعْنِین خواست که چیزی به او بدهد. عیسی به او گفت: نزد من پول زکات وجود دارد، ولی چیزی از آن را به تو نخواهم داد! عمر پرسید: چرا؟ عیسی گفت: چون تو را دیدم که گوشت و خرما می خریدی. عمر در پاسخش گفت: درهمی سود کردم؛ به دو دانگ آن، گوشت و به دو دانگ دیگر، خرما خریدم. دو دانگ باقی مانده را نیز برای حاجتی نزد خود نگاه داشتم.

ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام ، مدتی دست برپیشانی خود نهاد. سپس

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۸، ح ۸.

۲- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱، ه. ش. ج ۲، ص ۶۲۶، باب ارتباط الدابه...، ح

سربرداشت و فرمود:

خدا در اموال ثروت مندان نظر کرد، سپس به فقیران نظر افکند. آن گاه از اموال توانگران، مالی را به فقیران قرار داد که برای زندگی آنان کافی باشد و اگر کفایت نمی کرد، بر مقدار آن می افزود. آری، باید چندان به او بدهد که بتواند بخورد، بیاشامد، جامه بپوشد، ازدواج کند، در راه خدا صدقه دهد و به سفر حج برود. (۱)

### ب \_ هزینه استخدام خدمتکار و تعمیر و نگهداری لوازم زندگی

امام صادق علیه السلام می فرماید:

فَأَمَّا الْوُجُوهُ الَّتِي تُلْزِمُهُ فِيهَا: النَّفَقَةُ عَلَى خَاصِّهِ نَفْسِهِ، فَهِيَ... مُخْدِمِهِ، وَ عَطَاؤُهُ فِيمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَجْرَاءِ عَلَى مَرَمِهِ مَتَاعِهِ وَ حَمْلِهِ أَوْ حِفْظِهِ، وَ شَيْءٌ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ نَحْوِ مَنْزِلِهِ أَوْ آلِهِ مِنَ الْأَلَاتِ يَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى حَوَائِجِهِ. (۲)

۱- عن أبي بصير قال: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ شَيْخًا مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ عَمْرٌ، سَأَلَ عِيسَى بْنَ أَعْيُنَ - وَ هُوَ مُحْتَاجٌ - فَقَالَ لَهُ عِيسَى: أَمَّا إِنَّ عِنْدِي مِنَ الزَّكَاهِ. وَلَكِنْ لَا أُعْطِيكَ مِنْهَا. فَقَالَ لَهُ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِأَنِّي رَأَيْتُكَ اشْتَرَيْتَ لَحْمًا وَ تَمْرًا. فَقَالَ: إِنَّمَا رَبِحْتُ دَرَهْمًا فَاشْتَرَيْتُ بِدَانِقَيْنِ لَحْمًا وَ بِدَانِقَيْنِ تَمْرًا وَ رَجَعْتُ بِدَانِقَيْنِ لِحَاجِهِ. قَالَ أَبُو بَصِيرٍ. فَوَضَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ سَاعَهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ، ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ - نَظَرَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ، ثُمَّ نَظَرَ فِي الْفُقَرَاءِ، فَجَعَلَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ، وَلَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ، لَزَادَهُمْ. بَلَى، فَلْيُعْطِهِ مَا يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يَكْتَسِي وَ يَتَرَوَّجُ وَ يَتَصَدَّقُ وَ يَحُجُّ.» وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۲۰۱، ابواب المستحقين للزكاة، باب ۴۱، ح ۲.

۲- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۹۱.

از جمله هزینه های شخصی، هزینه هایی است که انسان برای استخدام خدمتکار لازم دارد. افزون بر آن، هزینه هایی است که برای خرید، تعمیر، حمل و نقل و نگهداری وسایل زندگی می پردازد.

### ج \_ هزینه زندگی فرزندان، پدر و مادر، همسر و مملوک (غلام و حیوان)

امام صادق علیه السلام فرموده است:

... وَ أَمَّا الْوُجُوهُ الْخَمْسُ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ النَّفَقَةُ لِمَنْ تَلْزِمُهُ نَفْسُهُ، فَعَلَى وَالدِّهِ، وَ وَالِدَيْهِ، وَ امْرَأَتِهِ... وَمَمْلُوكِهِ لَازِمٌ لَهُ ذَلِكَ فِي حَالِ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ. (۱)

هزینه زندگی فرزند، پدر و مادر و همسر و مملوک (غلام و حیوان) نفقه های پنج گانه ای است که بر انسان لازم و واجب است؛ چه در حال رفاه اقتصادی و چه در حال سختی و تنگدستی.

### د \_ هزینه جشن عید و دید و بازدید

حضرت جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

...لَا يَدْعُ أَنْ يَكُونَ لِلْعِيدِ عِنْدَهُمْ فَضْلٌ فِي الطَّعَامِ، أَنْ يُسْنَى مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَلَا يُسْنَى لَهُمْ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ. (۲)

هنگام عید (و دید و بازدیدها) باید طعام بیشتری برای خانواده فراهم آورد و از چیزهایی بخرد که در روزهای معمولی نمی خریده است. شایسته است که این کار را ترک نکند.

### ه \_ هزینه مواد خوش بو کننده

#### اشاره

دین مقدس اسلام حتی به ریزترین هزینه های زندگی مانند مواد خوش بو کننده توجه دارد، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

...تَنْظِفُوا بِالْمَاءِ مِنَ الرِّيحِ الْمُتَيْنِ الَّذِي يَتَأَذَى بِهِ، وَ تَعَهَّدُوا

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۹۱.

۲- الفروع من الكافي، ج ۵، كتاب النكاح، ص ۵۱۲، باب حق المرأة على الزوج، ح ۵.

أَنْفُسَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ مَنْ عِبَادِهِ الْقَاذِرَةَ بِالَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ. (۱)

شایسته است انسان خود را به پاکیزگی (و بهداشت) وا دارد و با شست و شوی مناسب، بوهای ناخوش آیند و آزار دهنده را از خود دور سازد. خداوند دشمن می دارد انسان های کثیفی را که بدن و لباس شان به دلیل ناپاکیزگی و رعایت نکردن بهداشت، بوی بد و آزار دهنده دارد و هر کس نزد آنان بنشیند، اذیت می شود.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

...لَا يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَمْ يَقْدِرْ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَمْ يَقْدِرْ فَيَوْمٌ وَ لَا يَدْعُ ذَلِكَ. (۲)

روا نیست کسی از به کار بردن روزانه عطر (و مواد خوش بو کننده) خودداری کند. پس اگر نتواند، باید این کار را یک روز در میان انجام دهد و اگر باز هم نمی تواند، معطر ساختن خود را در روز جمعه ترک نکند.

امام صادق علیه السلام با اشاره به اهمیت استفاده از عطر و تشویق مردم برای بهره گیری از مواد خوش بوکننده می فرماید:

صَلَاةٌ مُتَطَيِّبٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ طَيِّبٍ. (۳)

یک رکعت نماز با لباس و بدن عطرزده، برهفتاد رکعت نمازی که بدون عطرزدن بخوانند، برتری دارد.

مخاطب این روایت، ثروت مندان یا گروه ویژه ای از جامعه نیست، بلکه خطاب این روایت، همه مردم اعم از غنی و فقیر را در برمی گیرد. به دیگر

۱- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۷۳، ص ۸۴، باب ۴، ح ۵.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۲۷۹ و ۲۸۰، باب ۲۸، ح ۲۱.

۳- الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، باب الطیب، ح ۷.

سخن، فقیران نیز باید از این نعمت‌ها و موهبت‌ها برخوردار باشند.

### تعیین حدود فقر

هنگام تعیین حد و مرز فقر باید وضعیت عمومی جامعه را در نظر گرفت. کسی که از میانگین امکانات رفاهی جامعه بی بهره باشد، فقیر است. بنابراین، کسانی که از این میانگین یا بیشتر از آن برخوردارند، باید او را یاری کنند تا به سطح میانگین برسد.

گاهی برخی روایات، داشتن مسکن، خادم یا مرکب را مانعی برای پرداخت زکات ندانسته و شخص را در عین دارا بودن این امور، فقیر شمرده است. این مسأله نشان می‌دهد که روایت به شخص خاصی نظر نداشته است. پس از صدور حکم عمومی در این روایات در می‌یابیم که داشتن این امور، میانگین سطح زندگی در آن روزگار، به شمار می‌آمده است. بنابراین، اگر کسی با وجود دارا بودن آن وسایل، از اداره زندگی خود ناتوان بود، در شمار فقیران قرار می‌گرفت. از این رو، می‌توانست از زکات برخوردار شود و مجبور نبود برای به دست آوردن خرج زندگی روزانه خانواده اش، لوازم مورد نیاز خانه را بفروشد.

برهمن اساس، در برخی روایات با این تعبیر روبه رو می‌شویم که «خانه و خادم مال نیستند (۱)»، در حالی که در نگاه عرف و شرع، حتما مصداق «اموال» هستند. از آن جا که این گونه امور یکی از ضروریات زندگی آن روزگار بوده است، در شمار اموالی نبوده که دارا بودن آن، شخص را از ردیف فقیران خارج کند. پس اگر کسی با داشتن این اموال نمی‌توانست مخارج زندگی خویش را برآورده سازد، فقیر بود و می‌توانست از زکات استفاده کند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سفیان ثوری که بر لباس امام ایراد می‌گرفت،

۱- «إِنَّ الدَّارَ وَالْخَادِمَ لَيْسَا بِمَالٍ». وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۲، ابواب المستحقین الزکاه، باب ۹، ح ۲.

يَا ثَوْرِي! كَانَ ذَلِكَ زَمَانَ إِفْتَارٍ وَ إِفْتِقَارٍ، وَ كَانُوا يَعْمَلُونَ عَلَى قَدْرِ إِفْتَارِهِ، وَ إِفْتِقَارِهِ وَ هَذَا زَمَانٌ قَدْ أُشْبِلَ كُلُّ شَيْءٍ عَزَالِيهِ... (۱).

ای سفیان ثوری! آن (گونه لباس پوشیدن و زیستن) در زمان محرومیت و تهی دستی بود. آنان (پیشینان ما) به فرا خور گشاده دستی یا تنگ دستی زمان خود زندگی می کردند، ولی اکنون زمانی است که همه گونه نعمت فراوان شده است.

در روایت دیگر آمده است که مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

أَصْلَحَكَ اللَّهُ! ذَكَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَانَ يَلْبَسُ الْخَشِنَ، يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ، وَ مَا أَشْبَهَهُ ذَلِكَ، وَ نَرَى عَلَيْكَ اللَّبَاسَ الْجَيِّدَ! فَقَالَ لَهُ!

ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودی که علی بن ابی طالب علیه السلام، لباس خشن چهار درهمی و مانند آن می پوشید و ما تو را با لباس های نیکو می بینیم!

امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يُنْكَرُ، وَ لَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ لَشَهَرِيهِ فَخَيْرٌ لِبَاسِ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ... (۲).

علی بن ابی طالب علیه السلام آن لباس ها را در زمانه ای می پوشید که (این گونه پوشش در آن زمان) زشت بود و اگر امروز آن لباس ها را می پوشید، بدنام بود و لباس شهرت شمرده می شد. [بنابراین،] بهترین لباس در هر زمان، لباس رایج اهل آن زمان است.

بنابراین، منظور روایات پیشین از به کار بستن زکات دریافتی برای افزایش

۱- كشف الغمه في معرفة الأئمة، علی بن عیسی الأربلی، بیروت، دارالاضواء، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۹.

۲- الفروع من الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴، باب اللباس، ح ۱۵.

خوراک و پوشاک خانواده (۱) یا رساندن سطح زندگی خانواده به سطح زندگی جامعه (۲) و بی نیاز کردن فقیران، (۳) بهره گیری از پوشاک و غذاهایی است که در هر زمان میان اهل آن روزگار رایج است.

هم چنین بی نیاز سازی و افزایش سطح زندگی تا حد معمول همان زمان مورد نظر است. بر این اساس، حدود فقر را باید براساس هر زمان، ارزیابی کرد؛ زیرا فقر از نظر اسلام، امری نسبی است و حدود معین و ثابتی ندارد. به همین دلیل، تعیین حد و مرز فقر در زمان ها و مکان ها و شرایط گوناگون اقتصادی، متفاوت خواهد بود و پس از بررسی وضعیت عمومی جامعه اگر کسی از میانگین امکانات رفاهی جامعه بی بهره باشد، فقیر به شمار خواهد رفت.

۱- «يُوسَعُ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَ كَسْوَتِهِمْ». وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۵۹، كتاب الزكاه، أبواب المستحقين للزكاه، باب ۸

ح ۴.

۲- «فَضَّهُ عَلَى عِيَالِهِ حَتَّى يُلْحِقَهُم بِالنَّاسِ». وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۵۹، كتاب الزكاه، أبواب المستحقين للزكاه، باب ۸، ح ۴.

۳- «تُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ حَتَّى تُغْنِيَهُ». وسائل الشيعه، ج ۶، ص ۱۷۸، باب ۲۴، ح ۱.



گونه های فقر (۱)

فقر از نظر گاه های گوناگون، تقسیم بندی های ویژه ای دارد که آن ها را بر می شماریم:

### ۱. فقر مطلق

۱. فقر مطلق

فقر مطلق آن است که انسان از امکانات و نیازهای اساسی و ضروری زندگی در زمینه های خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و مانند آن بی بهره باشد. این فقر، سلامتی جسمی، روحی و حتی اعتقادی انسان را تهدید می کند.

انسان در فقر مطلق، شخصیت اجتماعی خود را از دست می دهد و هجوم بلاها و گرفتاری ها به انسان، او را به پرده دری و می دارد. این فقر از عوامل مهم در افزایش خطاها، بزهکاری ها و کردارهای نادرست و فسادانگیز است و چه بسا ممکن است انسان را به کفر و بی دینی بکشاند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ. (۲)

هر کس غذا و خوراک نیابد، خطاهایش زیاد می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

وَكَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا. (۳)

فقر می تواند انسان را کافر و بی دین کند.

۱- پدیده شناسی فقر و توسعه، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان، ج ۱، صص ۶۷ \_ ۷۶.

۲- مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، ج ۱۳، ص ۱۴، باب ۴، ح ۱۴۵۹۶.

۳- الخصال، شیخ ابی جعفر صدوق، ج ۱، باب ۱، ح ۳۵.

**۲. فقر نسبی**

## ۲. فقر نسبی

فقر نسبی، فقر برخاسته از اختلاف سطح زندگی های انسانی در زمان های گوناگون و در میان تک تک افراد جامعه است. چنین فقری از مقایسه یک شهر با شهر دیگر و کشوری با دیگر کشورها پدید می آید.

**۳. فقر طبیعی**

## ۳. فقر طبیعی

فقر طبیعی، فقری است که از کمبود آب و زمین های هموار و حاصل خیز پدید می آید و بر همه فعالیت های اقتصادی تأثیر دارد. حوادث ناخوش آیندی مانند: سیل، توفان، تگرگ، آتش سوزی، آفت های کشاورزی، فرو رفتن زمین های کشاورزی زیر آب و خشک سالی که کمبودها و نابسامانی های اقتصادی را به بار می آورند، از عوامل شکل دهنده فقر طبیعی اند.

**۴. فقر فرهنگی**

## ۴. فقر فرهنگی

فقر فرهنگی همان بی بهره بودن از آگاهی های لازم است که تعصب ها، خودپسندی ها، لجاجت ورزی، انکار علم و پیشرفت های علمی، گریز از دانش پژوهی و پای بندی به سنت ها و روش های نابخردانه از آن برمی خیزد.

می توان گفت فقر فرهنگی، شدیدترین گونه فقر است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ (۱)

شر دنیا و آخرت در نادانی است.

هم چنین در روایت دیگر می فرماید:

لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنْ الْجَهْلِ (۲)

هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.



الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ. (۱)

شر، سلسله جنبان همه بدی ها است.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در این باره چنین فرموده است:

الْجَهْلُ مَعْدِنٌ لِلشَّرِّ. (۲)

همه شرارت ها و بدی ها از نادانی برمی خیزد.

الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ. (۳)

نادانی، ریشه و اساس همه بدی هاست.

إِنَّ أَغْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ، أَكْبَرُ الْفَقْرِ الْحُمُقُ. (۴)

بی نیازترین بی نیازی، خردمندی است و بزرگ ترین فقر و نیازمندی، بی خردی است.

لَا غِنَى كَالْعَقْلِ؛ وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ ... (۵)

هیچ ثروتی هم چون عقل و هیچ فقری، مانند نادانی نیست.

## ۵. فقر روحی و معنوی

۵. فقر روحی و معنوی

انسان، آمیزه ای از جسم و روح است و همان گونه که جسم او به غذا و مواد لازم نیازمند است، روح نیز به تغذیه متناسب نیاز دارد. پس هر کس از آن ها غافل بماند، به فقر معنوی دچار می شود که همان فقر نفس، قلب و روان آدمی است.

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۷، باب ۷، ح ۹.

۲- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، برگردان: محمد علی انصاری، ج ۱، ص ۲۴، فصل ۱، ح ۷۰۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹، فصل ۱، ح ۸۶۹.

۴- میزان الحکمه، محمد محمدی نیک، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، چ ۴، ج ۱، ص ۹۶.

۵- نهج البلاغه، برگردان: محمد دشتی، حکمت ۵۴.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، وَ لَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ. (۱)

توانگری به زیادی مال نیست، بلکه توانگری حقیقی، بی نیازی روح است.

و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

أَكْبَرُ الْبَلَاءِ فَقْرُ النَّفْسِ. (۲)

فقر نفس بزرگ ترین بلاست.

ایشان در روایت دیگری فرموده است:

شَرُّ الْفَقْرِ فَقْرُ النَّفْسِ. (۳)

بدترین فقر و نداری آن است که انسان از نظر روحی و معنوی، فقیر باشد.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

لَا فَقْرَ كَفَقْرِ الْقَلْبِ، وَلَا غِنَى كَغِنَى النَّفْسِ. (۴)

هیچ فقری هم چون فقر قلب و هیچ غنایی هم چون غنای نفس نیست.

## ۶. فقر واقعی

### ۶. فقر واقعی

در آموزه های اسلامی، گونه ای از فقر مطرح شده است که می توان آن را فقر واقعی نامید. بر اساس بینش اسلامی، ثروت و

فقر واقعی، پس از حساب رسی کردار آدمی در جهان آخرت پدیدار می شود. (۵)

بدین ترتیب، هر کس با بهره گیری مناسب از نعمت زندگی و امکانات

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۶۱، ح ۱۶۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۴۶، فصل ۴۱، ح ۵۱.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۴۶، فصل ۴۱، ح ۵۰.

۴- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۲۷.

۵- امام علی علیه السلام فرمود: «الْغِنَى وَ الْفَقْرُ بَعْدَ الْعَزْضِ عَلَى اللَّهِ؛ دارایی و ناداری پس از عرضه شدن اعمال بر خدا آشکار می شود.» نهج البلاغه دشتی، حکمت ۴۵۲.

دنیایی بتواند سرمایه لازم برای جهان آخرت را فراهم کند و وظایف خود را به خوبی انجام دهد، به توانگری واقعی و رستگاری جاوید دست یافته است. در مقابل، هر کس آن چه را دارد در قمارخانه دنیا ببازد، در سرای آخرت، تهی دست محشور می شود و فقیر و نگون بخت خواهد بود.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم پرسید: شما به چه کسی صعلوک می گوئید؟ گفتند: مردی که مال ندارد (تهی دست و بینواست).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بَلِ الصَّعْلُوكِ مَنْ لَمْ يُقَدِّمْ مِنْ مَالِهِ شَيْئًا يَحْتَسِبُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا مِنْ بَعْدِهِ. (۱)

چنین نیست. صعلوک کسی است که از پیش، مالی برای خود نفرستاده است تا نزد خدا آن را حساب کند، اگر چه پس از وی، مال فراوان به جا بماند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است:

... أَلَا وَ إِنَّهُ لَا فَقْرَ بَعْدَ الْجَنَّةِ أَلَا وَ إِنَّهُ لَا غِنَى بَعْدَ النَّارِ. (۲)

آگاه باشید همانا فقری که بهشت را در پی داشته باشد، فقر (واقعی) نیست و ثروتی که به دوزخ بیانجامد، غنای واقعی نخواهد بود.

۱- مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، أبی الفضل علی طبرسی، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ ه ق، ج ۲، فصل ۱۰، ص ۱۴۵.

۲- مجموعه ورام، أبی الحسین ورام بن ابی فزاس المالکی، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۲.

## فصل دوم: نکوهش و ستایش فقر

## اشاره

فصل دوم: نکوهش و ستایش فقر

درباره نکوهش و ستایش فقر، روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است. ابتدا روایات مربوط به هر موضوعی را می آوریم. سپس در پایان، به بررسی آن ها می پردازیم.

## ۱. نکوهش فقر

رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیتی به امام علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ! أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ: إِمَامٌ يَعْتَصِي بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ يُطَاعُ أَمْرُهُ وَ زَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَ هِيَ تُحُونُهُ، وَ فَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبُهُ مُدَاوِيَا، وَ جَارٌ سَوَاءٌ فِي دَارِ مُقَامٍ. (۱)

یا علی! چهار چیز کمر شکن است:

(الف) امام و رهبری که نافرمانی خدا کند و مردمان از او فرمان برند.

(ب) همسری که شوهر نگهدار اوست، ولی او به شوهرش خیانت می کند.

(ج) فقیری که فقیر برای آن درمانی نیابد.

(د) همسایه بد در محل زندگی.

ایشان در ادامه می فرماید:

لَوْ لَا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَى فُقَرَاءِ أُمَّتِي كَادَ الْفَقْرُ يَكُونُ كُفْرًا... (۲)

اگر رحمت و شفقت پروردگار متعال، فقیران امتم را دربر نمی گرفت، نزدیک بود که فقر به کفر تبدیل شود.

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، باب ۹۴، ح ۵۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۷، کتاب الایمان و الکفر، باب ۹۴، ح ۵۸.



هم چنین فرموده است:

أَلْفَقْرٌ أَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ (۱).

فقر و نداری از مرگ سخت تر است.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که ایشان فرمود:

خداوندا! از کفر و تنگدستی به تو پناه می برم. مردی پرسید: آیا این دو همسانند؟ آن حضرت فرمود: بلی. (۲)

هم چنین از ایشان نقل شده است که فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ... (۳)

خدایا! از گرسنگی به تو پناه می برم. به راستی، گرسنگی بد همدمی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره سختی فقر فرمود: خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی کرد: «ای ابراهیم! تو را آفریدم و با آتش نمرود آزمایش کردم. اگر با فقر امتحان می کردم و صبر و مقاومت را از تو بر می داشتم، چه می کردی؟» ابراهیم عرض کرد:

يَا رَبِّ! الْفَقْرُ إِلَيَّ أَشَدُّ مِنْ نَارِ نُمْرُودٍ، قَالَ اللَّهُ: فَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشَدُّ مِنَ الْفَقْرِ... (۴)

پروردگارا! سختی و رنج و تنگدستی برای من از آتش نمرود، جانکاه تر است. خداوند فرمود: به عزت و جلالم سوگند! در آسمان و زمین، سخت تر و رنج آورتر از فقر و تنگدستی نیافریدم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز فرموده است:

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۱۵۶۹۳، واژه فقر.

۲- کنز العمال، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۱۶۶۸۷.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۸۱، باب ۱۱۹، ح ۶.

۴- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۰۵، ح ۱۵۶۹۶، واژه فقر.

الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ. (۱)

تنگدستی، مرگ بزرگی است.

در روایت دیگری از ایشان آمده است:

الْقَبْرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ. (۲)

قبر (مردن) بهتر از فقر و نداری است.

هم چنین می فرماید:

أَهْلَكَ النَّاسَ إِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ وَ طَلْبُ الْفَخْرِ. (۳)

دو چیز مردم را هلاک می کند: ترس فقر و فخرجویی.

در سخن دیگری از ایشان چنین آمده است:

أَلَا! وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَهُ... (۴)

همانا فقر و تهی دستی و نیازمندی در شمار بلاها و شقاوت ها است.

گفته اند: مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و حضرت را به نعمتی که خداوند بر او ارزانی داشته است، سوگند داد تا وی را از دشمنش بستاند؛ دشمنی که بیدادگر و ستم کار است، حرمت کهن سالان را نگه نمی دارد و بر کودکان رحم نمی کند.

امام حسن علیه السلام فرمود: «دشمنت کیست تا دادت را از او بستانم؟»

مرد عرض کرد: «فقر و تهی دستی». حضرت لحظه ای درنگ کرد و اندیشید. آن گاه به خادم خود دستور داد تا درهم های موجود در خانه را حاضر کند؛ پنج هزار درهم فراهم شد. حضرت دستور داد درهم ها را به آن

---

۱- نهج البلاغه دشتی، کلمات قصار ۱۶۳.

۲- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۶۳.

۳- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۳۹، ح ۹۵.

۴- نهج البلاغه دشتی، کلمات قصار، ح ۳۸۸.

مرد بدهند.

سپس به وی فرمود: «ای مرد! تو را به حق سوگندهایی که یاد کردی، هر زمان دشمنت ظالمانه بر تو هجوم آورد، به شکایت از آن نزد من آی» (۱).

امام حسن علیه السلام در این حدیث، فقر و نداری را دشمن ظالم انسان، قلمداد کرده است.

امام باقر علیه السلام درخواست خود را چنین به درگاه خداوند عرضه می دارد:

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي... وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِفَقْرٍ أَشَقَىٰ بِهِ... (۲)

خداوندا! تا زنده هستم رفاه در زندگی را از تو می خواهم. به من چندان روزی مده که سرکش و گستاخ شوم. هم چنین به فقری گرفتارم مساز که بدبخت شوم... .

امام صادق علیه السلام فرموده است:

قَالَ لُقْمَانُ... ذُقْتُ الْمَرَازَاتِ كُلَّهَا فَلَمْ أَذُقْ شَيْئًا أَمَرَ مِنَ الْفَقْرِ. (۳)

لقمان گفت: ... مزه همه تلخی ها را چشیدم، ولی چیزی تلخ تر از فقر به ذایقه ام نرسید.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

الْمَسْكَنَةُ مِفْتَاحُ الْبُئُوسِ. (۴)

فقر و بینوایی، کلید بدبختی و بیچارگی است.

۱- الحیاه، ص ۳۸۷، فصل ۳۰، ح ۱۷، برگرفته از: علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۷.

۲- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۷۹، باب ۷۰.

۳- امالی شیخ صدوق، ص ۶۶۸، مجلس ۹۵، ح ۵.

۴- العدد القویه، رضی الدین علی بن یوسف حلّی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ هـ . ق، ص ۲۹۷، الیوم الثالث و العشرون، نبذه من أحوال الإمام الرضا علیه السلام .

فشرده مفهوم این روایات درباره نکوهش فقر به این شرح است:

۱. فقری که برای آن درمانی نباشد، کمرشکن است.
۲. اگر رحمت و شفقت خداوند نبود، فقر به کفر می انجامید.
۳. فقر و نداری از مرگ سخت تر است.
۴. فقر آن چنان سخت و طاقت فرسا است که اهل بیت علیهم السلام از سختی آن به خداوند پناه می بردند.
۵. رنج فقر از آتش نمرود سخت تر است.
۶. فقر، مرگی بزرگ است.
۷. مرگ بهتر از نداری است.
۸. فقر مایه هلاکت انسان است.
۹. تهی دستی، بلا و گرفتاری است.
۱۰. فقر، دشمن ظالمانه بشری است.
۱۱. فقر مایه بدبختی انسان است.
۱۲. فقر تلخ ترین چیز است.
۱۳. فقر، کلید بدبختی و بیچارگی است.

## ۲. ستایش فقر

روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام در این باره وارد شده است که اینک به نمونه هایی از آن می پردازیم:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ أَفْتَخِرُ. (۱)

فقر و نداری، فخر من است و به آن افتخار می کنم.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فقر پرسیدند. حضرت فرمود: «فقر خزانه ای از

---

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۵، کتاب الایمان و الکفر، باب ۹۴، ح ۵۸.

خزانه های الهی است.» بار دوم پرسش شد، فرمود: «فقر کرامتی از سوی خداوند است.» برای سومین بار پرسیدند، فرمود: «فقر چیزی است که خداوند آن را جز به پیامبران مرسل یا مؤمنان بزرگوار (به کسی دیگر) نمی بخشد» (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از دعاهاى خویش، از خداوند چنین درخواست می کند:

اللَّهُمَّ تَوَفَّنِي الْيَوْمَ فَقِيرًا وَلَا تَوَفَّنِي غَنِيًّا وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... (۲).

خداوند! مرا فقیر بمیران نه غنی و در روز قیامت مرا در شمار مسکینان و تهی دستان محشور فرما.

آن حضرت خطاب به امام علی علیه السلام می فرماید:

يَا عَلِيُّ الْحَاجَةُ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ كَتَمَهَا عَلَى نَفْسِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ مَنْ صَلَّى... (۳).

یا علی! نیازمندی امانت خداست نزد خلقش. هر کس آن را نزد خود پوشیده بدارد، خداوند ثواب نماز گزار را به او می دهد.

امام باقر علیه السلام فرموده است:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُنَادِيًا يُنَادِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَيْنَ الْفُقَرَاءُ؟ فَيَقُومُ عُنُقُ مِنَ النَّاسِ كَثِيرٌ، فَيَقُولُ: عِبَادِي؟ فَيَقُولُونَ: لَيْتِكَ رَبَّنَا، فَيَقُولُ: إِنِّي لَمْ أَفْقِرْكُمْ لِهَوَانٍ بِكُمْ عَلَيَّ وَلَكِنِّي إِنَّمَا

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۵، کتاب الایمان و الکفر، باب ۹۴، ح ۵۸.

۲- کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علی المتقی بن حسام الدین الهندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ هـ. ق، چ ۵، ج ۶، کتاب الزکاه، ح ۱۶۶۷۰.

۳- اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، برگردان: سید جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۳۶۰، باب فضل فقراء المسلمین،

اخْتَرْتُمْ لِمِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ تَصَفَّحُوا وُجُوهَ النَّاسِ فَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا لَمْ يَصْنَعْهُ إِلَّا فِيَّ فَكَافُوهُ عَنِّي بِالْجَنَّةِ. (۱)

چون روز قیامت فرا رسد، خدای تبارک و تعالی دستور می دهد منادی در برابرش فریاد کشد: فقیران کجایید؟ گروه بسیاری برمی خیزند. آن گاه خداوند می فرماید: بندگان من؟ گویند: لیبک پرودگارا! پس خداوند می فرماید: من شما را فقیر نکردم تا خوار و پست در نظر مردم باشید، بلکه شما را برای روزی هم چون امروز برگزیدم. در چهره مردم جست و جو کنید. هر کس به شما احسانی کرده، نسبت به من احسان کرده است. پس از سوی من، بهشت را به او پاداش دهید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ تَنَاؤُهُ لِيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْمُحَوِّجِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخُ إِلَى أَخِيهِ، يَقُولُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا أَخَوَجْتُكَ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ كَانَ بِكَ عَلَيَّ، فَارْفَعْ هَذَا السَّجْفَ فَانظُرْ إِلَى مَا عَوَّضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيَرْفَعُ يَقُولُ مَا ضَرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي مَعَ مَا عَوَّضْتَنِي. (۲)

همانا (در روز قیامت) خدا \_ که ستایش او بزرگ است \_ از بنده مؤمنی که در دنیا فقیر بوده است، پوزش می خواهد، چنان که برادری از برادرش پوزش بخواهد. سپس می فرماید: به عزت و جلالم سوگند! تو را در دنیا برای خوار شدن در نظرم، نیازمند نکردم. این رو پوش را بردار و بین به جای دنیا به تو چه داده ام. او برمی دارد و می گوید: با این عوض که عطا فرمودی، آن چه از دنیا از من باز گرفتی، به من زیانی نرساند.

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۳، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۱۵.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۴، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۱۸.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگر می فرماید:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قَامَ عَنْقُ مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَأْتُوا بَابَ الْجَنَّةِ فَيَضْرِبُوا بَابَ الْجَنَّةِ فَيَقَالُ لَهُمْ: مَنْ أَنْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْفُقَرَاءُ؛ فَيَقَالُ لَهُمْ: أَقْبَلِ الْحِسَابَ؟ فَيَقُولُونَ: مَا أُعْطَيْتُمْنَا شَيْئًا تُحَاسِبُونَا عَلَيْهِ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: صَدَقُوا، ادْخُلُوا الْجَنَّةَ. (۱)

چون روز قیامت شود، گروهی از مردم برخیزند تا به بهشت درآیند و در زنند. به آنان می گویند: شما کیستید؟ پاسخ می دهند: ما فقیران هستیم. می گویند: آیا پیش از حساب می خواهید به بهشت در آید؟ در پاسخ می گویند: به ما چیزی ندادید که حسابش را بکشید. خداوند می فرماید: راست می گویند، به بهشت درآید.

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنِّي لَمْ أُغْنِ الْغَنَى لِكِرَامِهِ بِهِ عَلَيَّ وَ لَمْ أُفْقِرِ الْفَقِيرَ لِهَوَانٍ بِهِ عَلَيَّ وَ هُوَ مِمَّا ابْتَلَيْتُ بِهِ الْأَغْنِيَاءَ بِالْفُقَرَاءِ وَ لَوْلَا الْفُقَرَاءُ لَمْ يَسْتَوْجِبِ الْأَغْنِيَاءُ الْجَنَّةَ. (۲)

خدای بزرگ می فرماید: من توانگران را برای شرافتش نزد خود توانگر نساختم و فقیر را برای خواری اش در نظرم، فقیر نکردم، بلکه با این تفاوت، توانگران را به وسیله فقیران آزمودم. اگر فقیران نبودند، توانگران سزاوار بهشت نبودند.

در این جا ممکن است این پرسش مطرح شود که چگونه می توان میان روایاتی جمع کرد که شماری به نکوهش فقر و شماری دیگر به ستایش فقر اشاره دارد؟

۱- اصول کافی، ص ۳۶۴، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۱۹.

۲- اصول کافی، ص ۳۶۴، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۲۰.



در جمع میان این دو دسته احادیث و تفسیر و توجیه آن‌ها، نظرهای گوناگونی مطرح شده است. به گفته راغب در «مفردات»، فقر در چهار معنا به کار می‌رود که فقر نفس و نیازمندی به خدا از جمله آن‌ها است.

در حدیث نبوی که می‌گوید: «نزدیک است فقر به کفر بیانجامد»، فقر نفس (فقر معنوی) مورد نظر است. دیگر حدیث نبوی نیز که می‌فرماید: «بار خدایا! با نیازمندی به خودت، مرا بی‌نیاز گردان و با بی‌نیازی از خودت، مرا نیازمند مگردان» [یعنی طوری نکن که احساس کنم از تو بی‌نیازم زیرا وقتی احساس کنم که از تو بی‌نیازم این خود اول فقر و نیازمندی است]، به همین معنا از نیازمندی به خدا اشاره دارد. مقصود آیه «پروردگارا! به آن چه از خیر و خوبییر من نازل کرده‌ای، نیازمندم»، همین معنا از فقر است. شاعر با استناد به همین معنا از فقر چنین سروده است:

يُعْجِبُنِي فَقْرِي إِلَيْكَ وَلَمْ يَكُنْ

لِيُعْجِبُنِي لَوْلَا مَحَبَّتُكَ الْفَقْرُ

نیازمندی ام به تو را خوش دارم

اگر عشق تو نبود، فقر را دوست نداشتم. (۱)

بعضی مفسران در جمع میان دو خبری که در یکی، پیامبر صلی الله علیه و آله از فقر به خدا پناه می‌برد و در دیگری، فقر را افتخار خود می‌داند، گفته‌اند: فقری که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن به خدا پناه برده، نیاز به مردم و روزی کمتر از کفالت است و فقری که به آن می‌بالد، نیازمندی به خدای متعال است.

۱- المفردات فی غرایب القرآن، حسین بن محمد الراغب الاصفهانی، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۶۲ ه. ش، چ ۲، ص ۳۸۳.

با این تفسیر درمی یابیم که یکتاپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله و پیوند او با بارگاه الهی و انقطاعش از دنیا به گونه ای بود که هیچ کس به پای ایشان نمی رسید. بنابراین، فقر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خدا، از فقر دیگر پیامبران، کامل تر بوده است.

سومین نظر می گوید جمع کردن میان اخبار یاد شده به این بستگی دارد که بگوییم فقر و ثروت، نعمت های الهی هستند که خداوند با توجه به مصلحت کامل افراد، یکی از این دو نعمت را به آنان ارزانی می دارد. بنده وظیفه دارد هنگام فقر و تهی دستی، شکیبیا باشد و اگر خداوند، مال و ثروتی به او بخشید، سپاس گزاری کند؛ یعنی باید به مقتضای فقر و توانگری عمل کند.

باید دانست ثواب فقیر شکیبیا، از توانگر شاکر بیشتر است. با این حال، وضعیت هر یک کاملاً با هم متفاوت است و نمی توان درباره هر یک، حکم کلی صادر کرد. باید گفت بسنده کردن به مقدار کفاف، سالم تر و کم خطرتر از فقر و توانگری است. به همین دلیل، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در بیشتر دعاها، کفاف را از خداوند برای خاندان و عترتش خواسته است. (۱)

به نظر بعضی دیگر، احادیثی که در ستایش فقر آمده، یا برای کوبیدن تکاثر (سرمایه داری) و اشرافیت و غرور توان گران است یا در حق کسانی است که ایمان محکم دارند، و برای تهذیب و تکامل خود، در زندگی فقیرانه ای به سر می برند. فقر اینان، فقر اختیاری است که به پدیده اجتماعی و اقتصادی، مربوط نمی شود. (۲)

در یک جمع بندی می توان گفت:

۱- شمار احادیثی که فقر را می ستایند به مراتب کمتر از احادیثی است که درباره نکوهش فقر وارد شده است. هم چنین دعاهایی که در آن، معصوم از

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، صص ۳۰ - ۳۵.

۲- الحیاه، ج ۴، ص ۶۱۳، فصل ۳۹.

شر فقر به خدا پناه برده، از نظر درون مایه و تعداد، از موارد ستایش فقر بیشتر است.

۲\_ احادیث ستاینده فقر برای ایجاد اعتماد به نفس در محرومان وارد شده است. بدین وسیله، از لطمه خوردن به شخصیت اجتماعی آنان پیش گیری می شود و با بازیابی اعتماد به نفس، حضور فعال آنان در زندگی تثبیت می گردد. بدین ترتیب، فقیر نیز از در افتادن به پرتگاه رذایل اخلاقی و گناه در امان می ماند. افزون بر آن، این احادیث، زندگی شادخورانه و تجمل گرایانه ثروت مندان و متکبران را نفی کرده است.

علامه مجلسی در شرح حدیث «اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مِسْكِينًا، وَ أَمْتِنِي مِسْكِينًا، وَ احْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ؛ (۱) خدایا مرا مسکین زنده بدار، مسکین بمیران و با مسکینان محشور کن.» می گوید: «مقصود این حدیث، تواضع و فروتنی و خروج از رده گردن فرازان و متکبران است.»

۳\_ در حقیقت، آن چه ستایش شده، خود فقر نیست، بلکه مؤمنی است که به فقر دچار شده و هم چنان با صبر و تحمل سختی ها، ایمان خود را حفظ کرده است. احادیث فراوانی، این سخن را تأیید می کند. برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

طوبى لِلْمَسَاكِينِ بِالصَّبْرِ وَ هُمْ الَّذِينَ يَرَوْنَ مَلَكَوتَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ. (۲)

خوشا به حال مستمندان و فقیران به دلیل صبر و استقامت آنان در برابر مشکلات فراوان نداری که سبب شده است خداوند، پرده را از پیش دیدگان نشان برگیرد و ملکوت آسمان و زمین را به ایشان بنمایاند. آنانند که

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷، باب ۹۴، ح ۱۵.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۶۲، باب فضل فقراء المسلمین، ح ۱۳.

ملکوت آسمان ها و زمین را می بینند.

بنابراین، روایات یاد شده، مؤمن صالحی را ستوده است که هنگام روی آوردن فقر، اعتماد به نفس خویش را از دست نمی دهد و با بردباری و پارسایی، براعتقاد و ایمان خود پافشاری می کند.

چنین فردی از پیروی خدا و انجام کردار شایسته، دست بر نمی دارد و با بی پاسخ گذاشتن ندای فقر \_ که ماهیت آن تهدید ایمان بوده و نزدیک است به کفر بیانجامد \_ در اعمال دینی از خود هیچ گونه سستی نشان نمی دهد. (۱)

نتیجه این که، روایات مربوط به ستایش فقر، ناظر به جنبه های معنوی و اخلاقی است و هرگز به معنای تأیید حضور پدیده فقر در جامعه نیست.

---

۱- ر.ک: الحیاه، ج ۴، صص ۶۱۱ \_ ۶۱۵.

## فصل سوم: پی آمدهای فردی و اجتماعی فقر

### پی آمدهای فردی فقر

#### اشاره

انسانی که از برآوردن کمترین میزان هزینه زندگی خود ناتوان باشد، به پریشانی فکری دچار می شود و نمی تواند در زندگی خود درست تصمیم گیری کند. بر اساس روایات معصومین علیهم السلام، پدیده شوم فقر، پی آمدهای زیان باری هم چون تخریب شخصیت، تزلزل فکری، اضطراب روحی، نقص عقل و دین، پیدایش حس خودکم بینی، ناتوانی، فراموشی و ناامیدی را به دنبال می آورد و مانع بزرگی در راه رشد و تعالی و آدمی است. مهم ترین پی آمدهای فقر بدین قرار است:

#### الف \_ سستی ایمان و پریشانی فکر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به محمد بن حنفیه می فرماید:

يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصُهُ لِلدِّينِ، مَدْهَشُهُ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ! (۱)

فرزندم! از فقر بر تو می ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر، دین انسان را ناقص، اندیشه او را مشوش و مردم را نسبت به او و او را نسبت به مردم بدبین می کند.

این بیان نورانی امام علی علیه السلام نشان می دهد که فقر بر عقل و دین انسان، آثار بسیار بدی برجا می گذارد. هرگونه کاستی یافتن این دو سرمایه مهم نیز

۱- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۳۱۹.

سبب می شود انسان، جایگاه دینی و اقتصادی خود را از دست دهد و به عنصری نامطلوب و بیهوده تبدیل شود که این، خود، نوعی مرگ است.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

مُفَارَقَةُ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ، وَلَا حَيَاةَ مَعَ مَخَافَةٍ وَ فَقَدْ الْعَقْلُ فَقَدْ الْحَيَاةَ وَلَا يُقَاسُ بِالْأَمْوَاتِ. (۱)

از دست رفتن دین، مایه نابودی امنیت است و با ترس و وحشت، زندگی مفهومی ندارد. زوال عقل نیز به زوال زندگی می انجامد و جامعه بی خرد را جز با مردگان نتوان قیاس کرد.

به هر حال، انسان فقیر همواره در فکر رفع محرومیت خویش است و نمی تواند به مسایلی بیاندیشد که کرامت های انسانی وی را بارور می سازد. چنین فردی به دلیل تحمّل سختی های زندگی، دچار لغزش شده و اعتماد به نفس خویش را از دست داده است. بنابراین، نمی تواند به درستی بیاندیشد و تصمیم بگیرد.

چون ساختار فکری انسان فقیر دچار نابسامانی شده است، وی با دیدن نابرابری های اجتماعی، رفاه ثروت مندان و مشکلات مادی؛ تیره روزی خویش را به خدای متعال نسبت می دهد و پریشانی فکری او را فرامی گیرد. ابن راوندی در اشعار خود می گوید:

كَمْ عَاقِلٍ عَاقِلٍ أَعَيْتَ مَذَاهِبُهُ

وَ جَاهِلٍ جَاهِلٍ تَلْقِيَهُ مَرْزُوقًا

هَذَا الَّذِي تَرَكَ الْأَوْهَامَ حَائِرَةً

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۴۵، ح ۱۳۰.

## وَصَيَّرَ الْعَالَمَ النَّحْرِيَّ زَنْدِيقًا (۱)

چه بسیار خردمندانی که با بسیاری خرد، راه های زندگی بر آنان بسته است و چه بسیار بی خردانی که دارند. این همان است که اندیشه را پریشان و دانای باریک بین را بی دین کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در همین باره فرموده است:

## كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا (۲)

فقر، انسان را به کفر (بد بینی به خدا و دین) می کشاند.

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می فرماید:

## إِنَّ الْفَقْرَ مَذَلَّةٌ لِلنَّفْسِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، جَالِبٌ لِلْهُمُومِ (۳)

فقر مایه پریشانی نفس، سرگشتگی عقل و گرفتار شدن در دام غم و اندوه است.

هم چنین آن حضرت فرموده است:

## مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفَقْرِ ابْتُلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ؛ بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ، وَالنَّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ، وَالرَّقَّةِ فِي دِينِهِ... فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ (۴)

هر کس به فقر دچار شود، به چهار خصلت مبتلا شده است: سستی در یقین، نقصان در عقل، کاستی در دین. پس از شر فقر به خداوند پناه می بریم.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

۱- بیست گفتار، مرتضی مطهری، ص ۶۹.

۲- الخصال، ج ۱، باب ۱، ح ۳۵.

۳- غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۱۸، فصل ۹، ح ۵۲.

۴- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۷، باب ۹۴، ح ۵۸.

## الْفَقْرُ طَرْفٌ مِنَ الْكُفْرِ. (۱)

فقر در کنار کفر است.

### ب \_ خواری و خود کم بینی

از آثار بسیار شکننده و سخت فقر، سلب شخصیت و ذلت و خواری است. شخصیت و آبروی آدمی، زیربنای هستی انسان است و باز خورد کمی و کیفی زندگی هر انسان به شخصیت وی بستگی دارد. به همین دلیل است که انسان های تحقیر شده و بی شخصیت نمی توانند آغازگر حرکت و کارهای مهم اجتماعی باشند.

به تعبیر برخی روایات، زندگی انسان به شخصیت او بستگی دارد و مرگ آدمی در مرگ شخصیت او نهفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ! الْحَاجَةُ أَمَانَةُ اللَّهِ عِنْدَ خَلْقِهِ... مَنْ كَشَفَهَا إِلَى مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يُفْرِجَ عَنْهُ وَ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ، أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَقْتُلْهُ بِسَيْفٍ وَلَا سِنَانٍ وَلَا سَهْمٍ وَ لَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ. (۲)

یا علی! نیازمندی، امانت خدا نزد خلق است. اگر نیازمندی، حاجت خویش را به کسی که می تواند از کارش گره بگشاید، باز گوید، ولی آن توان مند به او کمک نرساند، او را کشته است. آگاه باشید او را به شمشیر و تیر و نیزه نکشته، بلکه با زخمی که به دلش وارد کرده (و شخصیت او را خرد کرده) کشته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

جَزَى اللَّهُ الْمَعْرُوفَ إِذَا لَمْ يَكُنْ يُيَدِّدُ عَنْ مَسْأَلِهِ، فَمَا إِذَا إِذَا آتَاكَ أَخُوكَ فِي حَاجَةٍ كَمَا دَرَى دَمُهُ فِي وَجْهِهِ، مُخَاطِرًا لَأَنْ يَدْرِيَ أَتَعْطِيهِ،

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲، باب ۱۵، ح ۷۰.

۲- اصول کافی، ج ۳، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل فقراء المسلمین، ص ۳۶۰، ح ۸.



أَمْ تَمْنَعُهُ فَوَاللَّهِ ثُمَّ وَاللَّهِ، لَوْ خَرَجْتَ لَهُ مِنْ جَمِيعِ مَا تَمْلِكُهُ مَا كَافَيْتَهُ. (۱)

خداوند به کار نیک پاداش می دهد اگر پیش از خواستن باشد. اگر برادر دینی تو با حاجتی نزد تو آید، در حالی که گونه اش (از شرم) خون گرفته است و او (با این حال) بیمناک است و نمی داند که خواسته او را برمی آوری یا رد می کنی؛ به خدا سوگند که اگر هر آن چه را داری، به او واگذاری، کار او (درخواست او) و مایه گذاشتن او از آبرویش را نمی توان جبران کنی.

به دلیل اهمیت این موضوع، امام سجاد علیه السلام در دعای خود به ما آموخته است که همواره از خداوند بخواهید شخصیت شما حفظ شود و حیثیت تان پایمال تنگ دستی و نیازمندی نگردد. ایشان می فرماید:

اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْتَدِلْ جَاهِي بِالْأَفْتَارِ... (۲)

خداوند! آبروی مرا با گشادگی (در امور زندگی) نگاه دار و با سختی و تنگ دستی، حیثیت مرا پایمال نگردان.

امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ اسْتَعْنَى كَرَمَ عَلَى أَهْلِهِ، وَ مَنْ افْتَقَرَ هَانَ عَلَيْهِمْ. (۳)

هر کسی ثروت مند باشد، نزد خانواده خویش گرامی است و هر کسی فقیر باشد، نزد آنان سبک و بی ارزش است.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

وَ إِنْ افْتَقَرَ قَنَطَ وَ وَهِنَ. (۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۳۷، کتاب الزکاه، ابواب الصدقه، باب ۳۶، ح ۳.

۲- صحیفه سجادیه، ص ۱۴۰، دعای بیستم.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۹۱، فصل ۷۱، ح ۱۲۱۸.

۴- الحیاه، ج ۴، ص ۴۱۴، باب ۱۱، فصل ۳۱، ح ۵.

اگر (انسان) فقیر شود، نوید و خوار خواهد بود.

این سخنان کوتاه نیز از امام علی علیه السلام است که می فرماید:

... الْقَلَّةُ ذَلَّةٌ... (۱)

ناداری و فقر، خواری است.

...السُّؤَالُ مَذَلَّةٌ... (۲)

درخواست برای رفع نیاز، مایه خواری است.

مَنْ قَلَّ ذَلَّ. (۳)

هر کس فقیر و نادار باشد، خوار است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام از ذلت و خواری فقر به خدا پناه می برد، آن جا که می فرماید:

اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْذُلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَاسْتَعِظْ شِرَارَ خَلْقِكَ وَأُبْتَلِي بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِي، وَ  
أُفْتِنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۴)

پروردگارا! آبرویم را با بی نیازی نگهدار و به فقر و تنگ دستی، خوارم مدار که از روزی خواران تو درخواست روزی کنم، از اشخاص پست خواستار عطوفت و بخشش باشم؛ به ستودن آن کس که کمکم می کند، مبتلا گردم و به بدگویی آن که به من نمی بخشد، آزمایش شوم. تو در ورای همه این ها سرپرست منی که ببخشی یا نبخشی و تو بر همه چیز توانایی.

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۲، باب ۸، ادامه ح ۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱، باب ۱۵، ح ۷۰.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۱۱، فصل ۷۸، ح ۱۹.

۴- نهج البلاغه دشتی، خطبه ۲۲۵.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز می فرماید:

إِدْفَعِ الْمَسْأَلَةَ مَا وَجَدْتَ التَّحْمُلَ يُمَكِّنُكَ، فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ رِزْقًا جَدِيدًا وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْإِلْحَاحَ فِي الْمَطَالِبِ يَسْلُبُ الْبَهَاءَ وَ يُورِثُ التُّعَبَ وَ الْعَنَاءَ... (۱).

تا آن جا که می توانی، از درخواست از دیگران (برای رفع نیاز مالی) خودداری کن؛ زیرا هر روز، روز تازه است. بدان که پا فشاری در خواستن، از ارزش و آبروی آدمی می کاهد و مایه خستگی و رنج (و خواری) است.

### ج \_ دست زدن به خطا و گناه

فقیر به دلیل مشکلات فراوان مادی ممکن است دچار لغزش شود. از این رو، امام علی علیه السلام در وصیتش به امام حسن علیه السلام می فرماید:

يَا بُنَيَّ! لَا تَلْمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ. (۲)

فرزندم! انسانی را که در پی تهیه نان شب خویش است، ملامت نکن؛ زیرا کسی که نان شب ندارد، لغزش هایش فراوان خواهد بود.

### پی آمدهای اجتماعی فقر

#### اشاره

اینک با استناد به روایات معصومین علیهم السلام به پی آمدهای فقر می پردازیم.

### الف \_ محروم ماندن از حقوق اجتماعی

فقر، آدمی را در بیان برهان و استدلال خویش ناتوان می سازد. فقیر هنگام رو به رو شدن با فرد توانگر، به گمان این که از او کمتر است، احساس ناتوانی و کاستی می کند. بنابراین، از احقاق حقوق از دست رفته خویش باز می ماند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفِطْنَ عَنْ حُجَّتِهِ. (۳)

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۸، باب ۲۹، ح ۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۷، باب ۹۴، ح ۵۸.

۳- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۳.

فقر و تهی دستی، مرد زیرک را در بیان دلیل و برهان خود، کند و ناتوان می سازد.

فقر، توان بر خوردهای اجتماعی را از انسان می گیرد. بدین ترتیب، فقیر جرأت داد و ستد را از دست می دهد و به انسان بی اراده ای تبدیل می شود که قدرت انجام هیچ کاری را ندارد. بر فرض، اگر از قدرت جسمی خوبی نیز برخوردار باشد، از نظر روحی و روانی، ناتوان خواهد بود.

در نتیجه، شخص در جامعه از یاد می رود و با کاهش حضور مؤثر فرد در عرصه های گوناگون اجتماعی، حقوق اجتماعی و کرامت انسانی اش زیر پا گذارده می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به اباذر می فرماید:

يَا أَبَاذَرٍّ هَلْ يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ إِلَّا غِنًى مُطْعِياً، أَوْ فَقْرًا مُنْسِياً؟.... (۱)

ای اباذر! آیا هر یک از شما را جز این انتظاری است که یا ثروتی داشته باشد که او را به طغیان وا دارد یا به فقری دچار گردد که به دست فراموشی اش سپارد؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است:

الْفَقْرُ يُنْسِي (۲)

فقر، فراموشی (غفلت اجتماعی) می آورد.

ایشان در حدیث دیگری می فرماید:

الْفَقِيرُ حَقِيرٌ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ، وَلَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ. (۳)

۱- مکارم الاخلاق، ابی نصر حسن بن فضل طبرسی، برگردان: سید ابراهیم میرباقری، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۲، فصل ۵، فی وصایاه لابی ذر.

۲- تصنیف الغرر، عبد الواحد بن محمد، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۱، ص ۳۶۵.

۳- جامع الأخبار، تاج الدین الشعیری، قم، دارالراضی للنشر، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۱، ص ۱۱۰، فصل ۶۷.

فقیر کوچک شمرده می شود؛ سخن او را نمی شنوند و منزلت او را نمی شناسند.

در روایت دیگری از ایشان چنین آمده است:

لَوْ كَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسْمُونَهُ كَاذِبًا، وَ لَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسْمُونَهُ جَاهِلًا. (۱)

اگر فقیر، راست گو باشد، او را دروغ گو می شمارند و اگر پارسایی کند، او را نادان می پندارند.

از این روایات به دست می آید که فقر و تهی دستی سبب تحقیر، بی توجهی و غفلت و فراموشی انسان از اجتماع می گردد. در جامعه به چنین شخصی به دیده حقارت می نگرند، برای سخنان وی ارزشی قایل نمی شوند؛ و او را دروغ گو و نادان می شمارند.

### ب \_ غربت و تنهایی

یکی دیگر از پی آمدهای منفی فقر این است که جایگاه اجتماعی فقیر را از بین می برد، به گونه ای که او حتی در وطن خویش نیز احساس غربت می کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

الْمُقَلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدِهِ. (۲)

تهی دست، در وطن خویش هم غریب است.

در روایت دیگر می خوانیم:

الْغِنَى فِي الْغُرْبَةِ وَطَنٌ وَالْفَقْرُ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ. (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۷، باب ۹۴، ح ۵۸.

۲- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۳.

۳- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۵۶.

بی نیازی در غربت، وطن است و نیازمندی در وطن، غربت.

انسان بی نیاز هر کجا باشد، وسایل زندگی برایش فراهم است، ولی نیازمند حتی اگر در وطن خود به سر برد، به دلیل فقر ناگزیر است برای ادامه زندگی، دست نیاز به سوی دیگران دراز کند. اگر چنین وضعیتی ادامه یابد، به زودی جامعه و بستگانش او را رها می کنند. در نتیجه، وطن برای او به غربت تبدیل می شود.

به گفته امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

لَيْسَ فِي الْغُرْبَةِ عَارٌ، إِنَّمَا الْعَارُ فِي الْوَطَنِ وَالْإِفْتِقَارِ. (۱)

غریب بودن، ننگ نیست. ننگ آن است که انسان در وطن خود به دلیل فقر و تهی دستی، غریب باشد.

از این روایات برمی آید که فقر سبب از دست رفتن جایگاه اجتماعی انسان می شود، به ویژه آن جا که می فرماید: «لَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ» اشاره ای است به از دست رفتن منزلت اجتماعی فقیر.

### ج \_ پیدایش فساد اداری

امام علی علیه السلام در نامه بسیار ارزشمند خود به مالک اشتر، مطالبی را درباره قاضیان و کارگزاران بیان داشته است که از مفهوم آن ها می توان دریافت که نپرداختن حقوق کافی به کارگزاران، آنان را به مردم نیازمند می سازد. در نتیجه، رشوه خواری و فساد اداری پدید می آید. ایشان می فرماید:

أَكْثَرُ تَعَاهُدِ قَضَائِهِ وَافْسَاحِ لَهُ فِي الْبَدْلِ مَا يُزِيلُ عِلَّتَهُ وَتَقِلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ. (۲)

قضاوت های قاضی خویش را با جدیت هر چه بیشتر بررسی کن و در بخشش

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۷۳، ح ۶۶.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

مال به او، سفره سخاوت را بگستر آن چنان که نیازمندی اش از بین برود و نیازمند مردم نشود.

امام علی علیه السلام در ادامه می فرماید:

ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنًى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَّمُوا أَمَانَتَكَ. (۱)

سپس به آنان حقوق کافی بده؛ زیرا آنان را در اصلاح خویش تقویت می کند و از خیانت در اموالی که زیر دست آن ها است، بی نیاز می سازد، و تا حجتی باشد بر آنان که اگر فرمانت را نپذیرفتند، یا در امانت خیانت کردند [بدون عذر و بهانه به سزای اعمال شان برسانی].

### د \_ پیدایش فساد اجتماعی

گسترش فقر و محرومیت به افزایش بزه کاری و کردارهای نادرست و فساد انگیز می انجامد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

... مَنْ ابْتَلَى بِالْفَقْرِ ابْتَلَى ... بِقَلْبِهِ الْحَيَاءَ ... (۲)

هر کس به تهی دستی و فقر دچار شود، حیا و شرمش کم می شود.

در ادامه می فرماید:

... فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ، كَثُرَ خَطَايَاهُ. (۳)

هر کس غذا و خوراک نیابد، خطاهایش زیاد می شود.

در روایت دیگری می فرماید:

الْعُسْرُ يَبْشُرُ بِالْأَخْلَاقِ وَ يُوحِشُ الرَّفَاقَ. (۴)

۱- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۷، باب ۹۴، ح ۵۸.

۳- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۷، باب ۹۴، ح ۵۸.

۴- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۹، ح ۱۵۹۹.

تنگ دستی، اخلاق را زشت می گرداند و دوستان را به وحشت می اندازد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

غِنَى يَحْجِرُكَ عَنِ الظُّلْمِ، خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ. (۱)

ثروتی که انسان را از تنگ دستی باز دارد، از فقری که او را به کارهای نادرست و گناه وادارد، بسی بهتر است.

هم چنین ایشان فرموده است:

... فَالْخَيْرُ، الصَّحَّةُ وَالْغِنَى، وَالشَّرُّ، الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ... (۲)

تندرستی و بی نیازی، خیر و نیکی است و فقر و مرض، شرّ است.

از همه این سخنان نتیجه می گیریم که فقر، خطرناک ترین بیماری است که فرد را تهدید می کند و هرگونه سهل انگاری در درمان آن، به اختلال و فروپاشی فرد و جامعه و از دست رفتن دین و معنویت می انجامد. این سخن، هشدار بزرگی است که معصومین علیهم السلام به جامعه بشری و جامعه اسلامی گوشزده کرده و آنان را از پی آمدهای فقر بر حذر داشته اند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷، کتاب النجاسه، ابواب مقدماتها، باب ۶، ح ۷.

۲- الجعفریات الأشعثیات، محمد بن اشعث کوفی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا، ص ۲۳۳، باب البر و سخاء النفس....



## فصل چهارم: فقر؛ آزمون الهی

## اشاره

فصل چهارم: فقر؛ آزمون الهی

فقر یکی از راه های آزمایش بندگان است که خداوند با آن، میزان ایمان و بردباری بندگان را در برابر فراز و نشیب ها و رنج و سختی های زندگی می آزماید. موضوع های زیر از جمله مواردی است که خداوند، انسان را در بوتۀ آزمایش قرار می دهد:

میزان توجه آدمی به خداوند، پیوسته به یاد خدا بودن، یاری خواستن از خداوند متعال، و بازگو نکردن مشکلات خود برای دیگران، توجه به عزت و شخصیت انسانی، اظهار بی نیازی در برابر دیگران، میزان توجه به بندگان، احساس مسؤولیت نسبت به فقیران جامعه، تکریم آنان، یاری رساندن به نیازمندان، میزان اعتقاد و پای بندی به رعایت امر و نهی الهی، ایمان به وعده های خداوند و عمل به سفارش های معصومین علیهم السلام.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

الْفَقْرُ مِحْنَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَا يَبْتَلِي بِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. (۱)

تنگ دستی از سوی خداوند، محنتی است که تنها بندگان مؤمن را بدان می آزماید.

۱- کنز العمال، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۱۶۶۵۰.

ایشان در روایت دیگر می فرماید:

أَلْغِنِي وَ الْفَقْرُ يَكْشِفَانِ جَوَاهِرَ الرِّجَالِ وَ أَوْصَافَهَا. (۱)

دارایی و ناداری، گوهر وجودی و صفت های مردان را آشکار می سازد.

### یاری رسانی به فقیران

یکی از عوامل مؤثر در سالم نگهداشتن محیط اجتماعی و سرافرازی و سربلندی در آزمایش های الهی، رسیدگی به فقیران و مستمندان است. معصومین علیهم السلام در احادیث فراوانی، به مسلمانان سفارش کرده اند برای یاری رساندن به مستمندان و تهی دستان، آنان را در آن چه دارند، شریک سازند و افزون بر هم دردی با آنان، گرسنگی و نیازمندی شان را کاهش دهند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

مَنْ كَسَا أَحَدًا مِنْ فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ ثَوْبًا مِنْ عُرِّيٍّ أَوْ أَعَانَهُ بِشَيْءٍ مِمَّا يَقُوْتُهُ مِنْ مَعِيْشَتِهِ، وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَسْتَغْفِرُونَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ إِلَى أَنْ يُفْتَحَ فِي الصُّورِ. (۲)

هر کس، یکی از فقیران مسلمان را با لباسی، از برهنگی بپوشاند یا او را به چیزی از قوت زندگی، یاری رساند؛ خداوند بزرگ، ۷۰ هزار فرشته بر او می گمارد تا دمیدن صور (روز قیامت) برای هر گناهی که انجام می دهد، آمرزش بخواهند.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۹، فصل ۱، ح ۱۱۹۸.

۲- اصول کافی، ج ۳، کتاب الایمان و الکفر، باب من کسا مؤمنا، ح ۳.

هم چنین در روایت دیگری می فرماید که خداوند در شب معراج به من فرمود:

... يَا أَحْمَدُ مَحَبَّتِي مَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ، فَأَذِنِ الْفُقَرَاءَ وَ قَرَّبْ مَجْلِسَهُمْ مِنْكَ، وَ بَعْدِ الْأَغْنِيَاءِ وَ بَعْدَ مَجْلِسِهِمْ فَإِنَّ الْفُقَرَاءَ أَحَبَّائِي. (۱)

یا احمد! محبت من محبت فقیران است. پس به فقیران نزدیک شو و آنان را نزد خویش جای ده و از ثروت مندان، دوری گزین و با آنان هم نشین مباش؛ زیرا فقیران، دوستان من هستند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مردی یونانی که اسلام آورده بود، فرمود:

به تو سفارش می کنم در آن چه خداوند به تو روزی فرموده و بر دیگر برادرانت برتری داده است، با برادرانی که همانند تو بر تصدیق و اطاعت خدا و من باشند، به مواسات رفتار کن. نیازمندی آنان را بر طرف ساز و درماندگی و فقر آنان را جبران کن. هر کس از ایشان از نظر ایمان در مرتبه تو باشد، با او در مالت یکسان بنگر و هر کس از آنان را که در دین بر تو برتر است، در مالت بر خویش مقدم دار؛ زیرا اولیای الهی از اهل و عیالت گرامی ترند. (۲)

امام علی علیه السلام هنگام سخن گفتن از کمک رسانی به فقیران با بیان «اللَّهُ - اللَّهُ»، اهمیت فوق العاده موضوع را گوشزد می کند و می فرماید:

اللَّهُ - اللَّهُ - فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَائِشِكُمْ. (۳)

خدا را! خدا را! درباره فقیران و مسکینان؛ آنان را در زندگی خویش شریک کنید.

ایشان در وصیت خویش به دو فرزند بزرگوارش درباره یتیمان همین گونه

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۷، باب ۱۷، ح ۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۱، ح ۱.

۳- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۱۶، وصیت امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام.

سفارش کرده است:

اللّٰهُ-اللّٰهُ فِي الْاَيْتَامِ فَلَا تُغْبِؤْا اَفْوَاهَهُمْ، وَلَا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ. (۱)

خدا را! خدا را! درباره یتیمان؛ برای دهان هایشان، نوبت قرار ندهید (آنان را گاه سیر و گاه گرسنه نگذارید) و نزد شما، فاسد و تباه نشوند.

هم چنین به آنان سفارش می کند کمک به نیازمندان را غنیمت شمارند:

وَ اِذَا وَجِدْتُمْ مِنْ اَهْلِي الْفَاقَةِ مَنْ يَحْمِلُ لَكُمْ زَادَكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيُؤَافِيكُمْ بِهِ غَدًا حَيْثُ تَحْتَاجُ اِلَيْهِ فَاغْتَنِمُوهُ وَ حَمْلُهُ اِيَّاهُ وَ اَكْثَرُ مِنْ تَرْوِيْدِهِ وَ اَنْتَ قَادِرٌ عَلَيْهِ، فَلَعَلَّكَ تَطْلُبُهُ فَلَا تَجِدُهُ. وَ اَعْتَنِمُ مِنْ اَسَدٍ تَقْرَضُكَ فِي حِيَالِ غِنَاكَ لِجَعَلِ قَضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمِ عُسْرَتِكَ. (۲)

هر گاه نیازمند و درمانده ای را بیابی که توشه تو را به سوی روز قیامت ببرد و فردا هنگام نیازمندیت آن را به تو برساند، او را غنیمت شمار و توشه خود را بر او بده و به او بسیار کمک کن در حالی که توانا هستی؛ زیرا شاید او را بطلبی و نیابی. هم چنین غنیمت بدان کسی را که در زمان بی نیازیت، از تو وام می خواهد تا در روز تنگ دستی به تو پس دهد.

امام جعفر صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

خداوند به هیچ بنده ای نعمتی نداده مگر این که همراه آن برای او دلیلی قرار داده است. پس کسی که خداوند بر وی منت نهاد و او را نیرومند گردانید، برای آن است که تکالیف خود را انجام دهد و به زیردستانی که از وی ضعیف ترند، کمک کند. آن که بر وی منت نهاده و مالش را توسعه داده است،

۱- نهج البلاغه دشتی، نامه ۴۷.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۳۱.

همان مال بر او حجت است که باید با عطای مال به فقیران رسیدگی کند. و آن کس که بروی منت نهاده و خانه اش را آبرومند و صورتش را زیبا قرار داده، برای آن است که خدای را شکر گوید و بر دیگران تجاوز نکند و حقوق ضعیفان را به خاطر شرف و جمالش از بین نبرد. (۱)

از روایات گذشته می آموزیم که:

۱. کمک به فقیران مایه آمرزش گناهان است.

۲. فلسفه توسعه رزق و روزی برخی افراد آن است که به نیازمندان کمک کنند.

۳. دوستی با فقیران، دوستی با خداوند است.

۴. کمک به درماندگان، توشه آخرت است که انسان هنگام نیازمندی در فردای قیامت، از آن بهره می برد.

### راه کارهای یاری رسانی به فقیران

متون اسلامی در تبیین راه کارهای یاری رسانی به فقیران، بر لزوم حفظ شخصیت آنان بسیار تأکید کرده است.

برای نمونه، گفته اند: «مردی از انصار خدمت حضرت امام حسین علیه السلام رسید و قصد داشت از آن حضرت حاجتی بخواهد. حضرت فرمود: ای برادر انصاری! خواسته ها و نیازهای خود را در نامه ای بنویس. من ان شاء الله چنان

---

۱- «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْعِمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً إِلَّا وَ قَدْ أَلْزَمَهُ فِيهَا الْحُجَّةَ مِنَ اللَّهِ، فَمَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَهُ قَوِيًّا فَحُجَّتُهُ عَلَيْهِ الْقِيَامُ بِمَا كَلَّفَهُ وَاحْتِمَالُ مَنْ هُوَ دُونَهُ مِمَّنْ هُوَ أضعَفُ مِنْهُ، وَ مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَهُ مُوسِعًا عَلَيْهِ فَحُجَّتُهُ عَلَيْهِ مَالُهُ ثُمَّ تَعَاهَدَهُ الْفُقَرَاءُ بَعْدَ بِنَوَافِلِهِ وَ مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَهُ شَرِيفًا فِي بَيْتِهِ، جَمِيلًا فِي صُورَتِهِ فَحُجَّتُهُ عَلَيْهِ أَنْ يَحْمِدَ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى ذَلِكِكَ وَ أَنْ لَا يَتَطَاوَلَ عَلَى غَيْرِهِ فَيَمْنَعُ حُقُوقَ الضُّعَفَاءِ لِحَالِ شَرَفِهِ وَ جَمَالِهِ». اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۰، کتاب التوحید، باب البیان والتعریف و لزوم الحجبه، ح ۶.

به آن رسیدگی خواهم کرد که تو را خوشحال کند. پس آن مرد در نامه نوشت: ای ابا عبدالله! فلانی از من پانصد دینار طلبکار است و بر من فشار می آورد. با او گفت و گو کنید و از وی بخواهید به من مهلت دهد. وقتی که حضرت آن نامه را خواند، به خانه رفت و با خود کیسه ای آورد که در آن هزار درهم بود. آن گاه فرمود: با پانصد دینار آن، قرضت را ادا کن و پانصد دینار دیگر را در راه رفع مشکلات زندگی خویش به کار گیر» (۱).

اسحاق بن عمار می گوید: «حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای اسحاق! هنگام پرداخت زکات مالت چه می کنی؟ عرض کردم: به منزلم می آیند، زکات را به آنان می دهم. حضرت فرمود: تو با این کار، مؤمنان را خوار می کنی. هشدار! از خوار کردن مؤمنان پرهیز؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: همانا کسی که یکی از دوستان مرا خوار کند، به جنگ من برخاسته است» (۲).

### نکوهش فقرنمایی و گدایی

معمولاً همراه با واژه فقر، واژه «گدایی» در ذهن تداعی می شود. این به دلیل وضعی است که فقیران در طول تاریخ با آن روبه رو بوده اند؛ یعنی با

۱- «جَاءَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُرِيدُ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَةً فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَدَلِهِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَأَنْتِي آتٍ فِيهَا مَا سَأَرَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. فَكَتَبَ: يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ إِنْ لِفُلَانٍ عَلَيَّ خَمْسِمِائِ دِينَارٍ وَقَدْ أَلَحَّ بِي فَكَلَّمَهُ يَنْظُرُنِي إِلَى مَيْسَرَةٍ. فَلَمَّا قَرَأَ الْحَسِينُ عَلَيْهِ السَّلَامَ الرُّقْعَةَ دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْرَجَ صُرَّةً فِيهَا أَلْفَ دِينَارٍ، وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَمَا خَمْسِمِائِ فَأَقْضِ بِهَا دَيْنَكَ وَأَمَا خَمْسِمِائِ فَاسْتَعِنَ بِهَا عَلَى دَهْرِكَ...» تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۸۱، ح ۱۲.

۲- «قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِسْحَاقُ كَيْفَ تَصْنَعُ بَرَكَاهِ مَالِكَ إِذَا حَضَرْتَ؟ قَالَ: يَا تُونِي إِلَى الْمَنْزِلِ فَأَعْطِيهِمْ. فَقَالَ لِي: مَا أَرَاكَ يَا إِسْحَاقُ إِلَّا قَدْ أَذَلَّتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِيَّاكَ إِيَّاكَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: مَنْ أَذَلَّ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرْصَدَلِي بِالْمُحَارَبَةِ؛ وَسَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ۶، ص ۲۱۹، كتاب الزكاه، ابواب المستحقين للزكاه، باب ۵۸، ح ۳.

گدایی، زندگی خود را می گذرانند و از نظر اجتماعی نیز هیچ گونه شخصیت و پایگاهی نداشتند. البته متون اسلامی با صراحت بر حفظ شخصیت اجتماعی فقیران تأکید کرده است. به همین دلیل، از فقیران با عظمت و احترام یاد شده، ولی گدایی به شدت ناپسند شمرده شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:

... اسْتَعْفُوا عَنِ السُّؤَالِ مَا اسْتَطَعْتُمْ... (۱).

تا آن جا که می توانید خود را از گدایی دور نگاه دارید.

در روایت دیگری می فرماید:

مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسَهُ بَابَ مَسْأَلِهِ، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ، لَا يَسُدُّ أَدْنَاهَا شَيْءٌ. (۲).

هر کس در گدایی را بر خود بگشاید، خداوند هفتاد در فقر را بر وی خواهد گشود که هیچ چیز نمی تواند کوچک ترین آن ها را ببندد.

حدیث یاد شده به این نکته اشاره دارد که گدایی نه تنها راهی برای رفع فقر نیست، بلکه خود یکی از راه های گسترش فقر به شمار می رود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارش خود به اباذر فرموده است:

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِيَّاكَ وَالسُّؤَالَ، فَإِنَّهُ ذُلٌّ حَاضِرٌ وَفَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ وَفِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۳).

ای اباذر! هرگز گدایی نکن؛ زیرا گدایی، خواری و فقری است که به سوی آن می شتابی و در روز قیامت، حسابی طولانی دارد.

در حدیث دیگری از ایشان چنین آمده است:

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۷، کتاب الزکاه، ابواب الصدقه، باب ۳۲، ح ۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۶، باب ۳۱، ح ۸.

۳- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۱۱.

شَهَادَةُ الَّذِي يَسْأَلُ فِي كَفِّهِ تُرَدُّ. (۱)

گواهی دادن کسی که گدایی می کند، مردود است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

الْمَسْأَلَةُ طَوْقُ الْمَذَلَّةِ، تَسْلُبُ الْعَزِيزَ عَزَّهُ وَ الْحَسِيبَ حَسْبَهُ. (۲)

گدایی از مردم، گردن بند ذلت است؛ عزت شخص عزیز را از دست او می گیرد و شرافت خانوادگی اش را از بین می برد.

در روایت دیگری از ایشان آمده است:

الذُّلُّ فِي مَسْأَلَةِ النَّاسِ. (۳)

خواری در گدایی از مردم است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

طَلَبُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاءِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ، وَ اسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ. (۴)

درخواست حاجت (و گدایی) از مردم مایه خواری و ذلت در زندگی است، آبرو را می برد و شخصیت و وقار انسان را خرد می کند. خود این کار، یک فقر حاضر و نقدی است.

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۹، ابواب الصدقه، باب ۳۲، ح ۱۶.

۲- غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۳۶۱، فصل ۵، حدیث ۸۱۸۵.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۱، ح ۴۹۹.

۴- غررالحکم و دررالکلم، خاتمه کتاب، ج ۲، ص ۲۶.



امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود:

يَا مُحَمَّد! لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ، مَا سَأَلَ أَحَدٌ أَحَدًا... يَا مُحَمَّد! إِنَّهُ مَنْ سَأَلَ وَهُوَ بَظَهْرٍ غِنًى، لَقِيَ اللَّهَ مَحْمُوشًا وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

ای محمد! اگر فقیر از زیان گدایی باخبر بود، هرگز کسی از کس دیگری درخواست نمی کرد... ای محمد! هر کس با وجود دارایی، دست گدایی پیش کسی دراز کند، هنگام دیدار خدا در روز قیامت، چهره ای خراشیده و زشت خواهد داشت.

ایشان در حدیث دیگری می فرماید:

أَقْسِمُ بِاللَّهِ (و) لَهُوَ حَقٌّ، مَا فَتَحَ رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ مَعَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ. (۲)

سوگند به خدا، سوگندی به حق، که هیچ کس در گدایی بر خود نمی گشاید، مگر این که خدا در فقر و تهی دستی را بر روی او بگشاید.

هم چنین می فرماید:

طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِثْلَابٌ لِلْعِزَّةِ وَ مَذْهَبُهُ لِلْحَيَاءِ... (۳)

درخواست حاجت از مردم (گدایی)، عزت و شرافت انسان را نابود می کند و آبرو را از بین می برد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۵، أبواب الصدقه، باب ۳۱، ح ۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۶، باب ۳۱، ح ۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۰، باب ۳۲، ح ۲۱.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مَنْ سَأَلَ النَّاسَ وَ عِنْدَهُ قُوَّةٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ عَلَى وَجْهِهِ لَحْمٌ. (۱)

کسی که خوراک سه روز خود را دارد و با وجود آن، از مردم گدایی کند، روز قیامت در حالی خداوند را دیدار خواهد کرد که بر صورت او گوشتی نیست.

هم چنین از ایشان روایت شده است که فرمود:

إِيَّاكُمْ وَ السُّوَالَ! فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا، وَ فَقْرٌ تَسْتَعْجِلُونَهُ، وَ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

از اظهار گدایی و فقر بپرهیزید؛ زیرا از کسی چیزی خواستن، مایه خواری و ذلت در دنیا و استقبال از فقر است. (چنین کاری) در روز قیامت حساب رسی را طولانی می کند.

در روایت دیگری نیز می فرماید:

شِيعَتُنَا مَنْ لَا يَسْأَلُ النَّاسَ وَ لَوْ مَاتَ جُوعًا. (۳)

شیعیان ما کسانی هستند که گدایی نمی کنند هر چند از گرسنگی بمیرند.

بنابراین، فقرنمایی و گدایی یکی از عوامل معنوی فقر و تنگ دستی است که خواری، خرد شدن شخصیت و وقار انسان در دنیا، دوری از بهشت و طولانی شدن حساب در آخرت را در پی دارد. هم چنین گدایان در روز قیامت با چهره ای خراشیده و زشت در پیشگاه خداوند حاضر می شوند. این سخنان نشان می دهد که گدایی و فقرنمایی، کار ناپسند و ناشایستی است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۵، أبواب الصدقه، باب ۳۱، ح ۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۷، باب ۳۲، ح ۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۰۹، باب ۳۲، ح ۱۵.

## فضیلت اظهار بی‌نیازی

در متون اسلامی بر حفظ عزت و شخصیت مؤمنان فقیر تأکید شده است و معصومین علیهم السلام به نیازمندان سفارش کرده اند که نیازمندی شان را از دیگران پنهان دارند و خود را به مردم، بی‌نیاز نشان دهند. البته باید با مردم خوش برخورد و خوش رو باشند و با معطوف کردن تمام توجه شان به خداوند، نیاز خود را تنها در درگاه او ابراز کنند. اظهار بی‌نیازی از نظر معصومین علیهم السلام فضیلتی است که پی آمدهای بسیار ارزنده ای در بر دارد. روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام در این باره وارد شده است که اینک به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَلْفَقْرُ أَمَانَةٌ فَمَنْ كَتَمَهُ كَانَ عِبَادَةً وَ مَنْ بَاحَ بِهِ فَقَدْ قَلَّدَ إِخْوَانَهُ الْمُسْلِمِينَ. (۱)

تنگ دستی، امانتی است که هر کس آن را از مردم پوشیده بدارد، برای او عبادت به شمار می‌آید. هر کس نیز خود را به آن راز بیاراید و با آن صفت نمایان شود (و فقر خود را از مردم پوشیده ندارد)، از برادران مسلمانانش پیروی کرده است (دیگر پیرو پروردگار نیست).

هم‌چنین آن حضرت فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ - جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ فَمَنْ سَتَرَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ... (۲)

خداوند، نداری را امانت خود نزد خلقش قرار داده است. پس هر کس آن را پنهان کند، خداوند همانند پاداش روزه دار و نماز گزار را به او عطای می‌فرماید.

۱- کنز العمال، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۱۶۵۹۶.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۵۹، باب فضل فقراء المسلمين، ح ۳.

باید دانست معنای این سفارش ها برای فرد فقیر است؛ یعنی او باید فقر خود را پنهان بدارد. در این میان، وظیفه دیگران آن است که کمک رسانی به فقیران را از یاد نبرند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِخْفَاءُ الْفَاقِهِ... مِنَ الْمُرُوءَةِ. (۱)

پنهان نگهداشتن فقر و نیازمندی نشانه مردانگی است.

هم چنین فرموده است:

لِيَجْتَمِعَ قَلْبُكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالِاسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ، فَيَكُونُ إِفْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لَيْنِ كَلَامِكَ وَحُسْنِ بَشْرِكَ. وَ يَكُونُ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عَرْضِكَ وَ بَقَاءِ عِزِّكَ. (۲)

باید نیازمندی به مردم و بی نیازی از ایشان هر دو با هم در قلب تو جمع باشد. نیازمندی به این معنی است که با آنان به نرمی سخن بگویی و گشاده رو باشی. بی نیازی نیز به این معنا است که عرض خویش نبری و عزت خود را پاس داری (و از کسی چیزی نخواهی).

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ. أَوْ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ حَاتِمٍ:

إِذَا عَزَمْتُ الْيَأْسَ الْفَيْتَهُ الْغِنَى

إِذَا عَرَفْتَهُ النَّفْسُ، وَالطَّمَعُ الْفَقْرُ (۳)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۸، فصل ۱، ح ۱۱۹۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۳، أبواب الصدقه، باب ۳۶، ح ۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۷.

بی توجهی به آن چه در دست مردمان است، مایه عزت مؤمن در دین او است. آیا این گفته حاتم (طایی) را نشنیده ای که می گفت: «هرگاه تصمیم گرفتیم از مردم (و مال مردم) نا امید باشیم و جانم آن را پذیرفت، دیدم بی نیاز و توانگر هستم و طمع داشتن (به مال مردم)، عین فقر است».

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

شَرَفَ الْمُؤْمِنِ قِيَامُ اللَّيْلِ، وَ عِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ (۱).

شرف مؤمن به قیام (برای نماز خواندن) در شب است و عزت او به بی نیازی از مردم.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

طَلَبُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ اسْتِشْيَابٌ لِلْعِزِّ، وَ مِذْهَبُهُ لِلْحَيَاءِ؛ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ، وَ الطَّمَعُ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ (۲).

نیازهای خود را از مردم خواستن، سبب از دست رفتن عزت و نابودی شرم و حیاست. نومیادی از آن چه در دست مردمان است، مایه عزت مؤمن در دین او است. آزمندی و طمع یعنی همان فقر و نیازمند بودن به دیگران است.

### پی آمدهای تحقیر فقیران

هر چند در متون اسلامی، فقر و نداری نکوهش شده است، با این حال، شخصیت فقیران را باید محترم نگاه داشت. روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام درباره نکوهش تحقیر فقیران وارد شده است که اینک یادآور می شویم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است:

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۳، أبواب الصدقه، باب ۳۶، ح ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۳، أبواب الصدقه، باب ۳۶، ح ۵.

...مَنْ اسْتَحَفَّ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدْ اسْتَحَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْتَحِفُّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ. (۱)

آگاه باشید کسی که مسلمانان مستمندی را کوچک بشمارد، حق خدا را کوچک شمرده است و خداوند، او را در روز قیامت سبک می شمارد مگر این که توبه کند.

و در حدیث دیگر می فرماید:

مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا، أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَقَلَّ ذَاتِ يَدِهِ، شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

هر کس، مؤمنی را به دلیل تنگ دستی و نداشتن مال، خوار بشمارد و تحقیر کند، خدا او را در روز قیامت، رسوا می سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا تُحَقِّرُوا مُؤْمِنًا فَقِيرًا فَإِنَّ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا أَوْ اسْتَحَفَّ بِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ وَلَمْ يَزَلْ مَاقِنًا لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ مُحَقَّرَتِهِ أَوْ يَتُوبَ وَقَالَ: مَنْ اسْتَدَلَّ مُؤْمِنًا أَوْ احْتَقَرَهُ لِقَلَّةِ ذَاتِ يَدِهِ شَهَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ. (۳)

مؤمن فقیر را کوچک مشمارید؛ زیرا کسی که مؤمن را کوچک بشمارد، خداوند او را کوچک خواهد کرد و امیدی برای او نیست مگر این که تحقیر او را جبران کند یا این که به درگاه خدا توبه آورد. کسی که مؤمنی را خوار و کوچک بشمارد، خداوند در روز قیامت او را در برابر همه مردم رسوا خواهد کرد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۸، کتاب الحج، أبواب أحكام العشرة، باب ۱۴۶، ح ۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۸، کتاب الحج، أبواب أحكام العشرة، باب ۱۴۶، ح ۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۸، کتاب الحج، أبواب أحكام العشرة، باب ۱۴۶، ح ۸.

امام صادق علیه السلام در روایتی طولانی، با اشاره به لزوم دوستی با فقیران و حفظ حقوق آنان می فرماید:

...مَنْ حَقَّرَهُمْ وَ تَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَهُ حَاقِرٌ مَاقِتٌ وَقَدْ قَالَ أَبُو نَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَمَرَنِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ مِنْهُمْ... (۱)

کسی که فقیران را کوچک بشمارد و خود را از آنان برتر بداند، از دین خدا منحرف شده است و خداوند دشمن اوست. جد ما پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به من دستور داده است فقیران و نیازمندان مسلمان را دوست بدارم.

امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْغَنِيِّ لَقِيَ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ. (۲)

کسی که بر فقیر مسلمانی به جز شیوه ای که بر اغنیا سلام می کند، سلام کند، در روز رستاخیز، خدا را دیدار می کند، در حالی که بر وی خشمگین است.

### پی آمدهای تکریم فقیران

درباره دوستی فقیران و تکریم آنان و آثار این عمل، روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام نقل شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحٌ وَ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ حُبُّ الْمَسَاكِينِ وَ الْفُقَرَاءِ. (۳)

هر چیزی کلیدی دارد و کلید بهشت، دوستی مسکینان و تهی دستان است.

ایشان در روایت دیگر می فرماید:

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۶۳، نامه امام صادق علیه السلام به گروهی از شیعیان و اصحاب.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۴۲، کتاب الحج، أبواب احکام العشره، باب ۳۶، ح ۱.

۳- کنز العمال، ج ۶، ص ۴۶۹، ح ۱۶۵۸۷.

مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ... (۱)

هر کس، مسلمان فقیری را گرامی دارد، در روز قیامت خدای را در حالی دیدار می کند که از وی خوشنود باشد.

و امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که حضرت در حدیث معراج فرمود:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْمَحَبَّةَ لِلَّهِ هِيَ الْمَحَبَّةُ لِلْفُقَرَاءِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَيْهِمْ قَالَ: يَا رَبِّ وَ مِنَ الْفُقَرَاءِ؟ قَالَ: الَّذِينَ رَضُوا بِالْقَلِيلِ وَ صَبَرُوا عَلَى الْجُوعِ وَ شَكَرُوا عَلَى الرَّخَاءِ وَ لَمْ يَشْكُوا جُوعَهُمْ وَ لَا ظَمَأَهُمْ وَ لَمْ يَكْذِبُوا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ لَمْ يَعْضُبُوا عَلَى رَبِّهِمْ وَ لَمْ يَعْتَمُوا عَلَى مَا فَاتَهُمْ وَ لَمْ يَفْرَحُوا بِمَا آتَيْهِمْ. يَا أَحْمَدُ مَحَبَّتِي مَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ فَأَذِنِ الْفُقَرَاءَ وَ قَرَّبْ مَجْلِسَهُمْ مِنْكَ وَ بَعْدِ الْأَغْنِيَاءَ وَ بَعْدِ مَجْلِسَهُمْ فَإِنَّ الْفُقَرَاءَ أَحَبَّائِي. (۲)

خدای تبارک و تعالی به من فرمود: ای احمد! محبت و دوستی برای خدا همان محبت به فقیران و هم نشینی با آنان است. عرض کردم: پروردگارا! فقیران چه کسانی هستند؟ خدای تعالی فرمود: آنان که به اندک راضی اند، بر گرسنگی شکیبایی دارند، به رضای خدا شاکرند، از گرسنگی و تشنگی شکایت نمی کنند، با زبان خود دروغ نمی گویند، بر پروردگار خودش خشم نمی گیرند، برای آن چه از دست داده اند، اندوهگین نمی شوند، و به آن چه به آنان رسیده است، خوشحال نمی شوند. یا احمد! دوستی من، دوستی فقیران است. پس فقیران را به خود نزدیک کن و با آنان همنشین باش و از دولتمندان و هم نشینی با آنان دوری گزین؛ زیرا فقیران، دوستان من هستند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۹، أبواب أحكام العشرة، باب ۱۴۶، ح ۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۷، باب ۱۷، ح ۱۳۹۸۴۲.



## جایگاه فقیران در آخرت

افزون بر توجه متون اسلامی به فقیران و حفظ کرامت آنان، روایات فراوانی به درجه و مقام فقیران در آخرت اشاره کرده و آنان را از شفیعیان روز قیامت و بزرگان اهل بهشت شمرده اند. چنین جایگاهی، بسیار رفیع خواهد بود؛ زیرا خداوند مقام شفاعت و بزرگی در بهشت را تنها به بندگان خاص خود عطا می فرماید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

لَا تَسْتَخِفُّوا بِفُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ عَشْرَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُشْفَعُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ. (۱)

شیعیان نیازمند علی علیه السلام و فرزندان او را سبک مشمارید. یک تن از آنان می تواند در روز قیامت به تعداد قبیله های «ربیع» و «مضر» شفاعت کند.

---

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵، باب ۹۴، ح ۲۷.

از آن حضرت نقل شده است که:

إِتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيَادِيَ فَاِنَّ لَهُمْ ذُوْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا در روز قیامت برای آنان، دولت بزرگی است.

هم چنین از ایشان روایت شده است:

يَدْخُلُ فُقَرَاءُ الْمُسْلِمِينَ الْجَنَّةَ قَبْلَ الْأَغْنِيَاءِ أَرْبَعِينَ خَرِيفًا. (۲)

فقیران مسلمان چهل فصل پاییز پیش از ثروت مندان وارد بهشت می شوند.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

يَدْخُلُ فُقَرَاءُ الْمُسْلِمِينَ الْجَنَّةَ قَبْلَ أَعْيَانِهِمْ بِنِصْفِ يَوْمٍ وَهُوَ خَمْسُ مِائَةٍ عَامٍ. (۳)

فقیران مسلمان نصف روز قیامت که پانصد سال است، پیش از ثروت مندان به بهشت می روند.

روایت دیگری نیز از رسول خدا علیه السلام نقل شده است:

أَنَّ الْفُقَرَاءَ مُلُوكَ أَهْلِ الْجَنَّةِ... وَالْجَنَّةُ مُشْتَاقَةٌ إِلَى الْفُقَرَاءِ. (۴)

همانا فقیران، پادشاهان بهشتیان اند و بهشت، مشتاق فقیران است.

در روایت دیگر می فرماید:

يَا مَعْشَرَ الْفُقَرَاءِ أَلَا أُبَشِّرُكُمْ أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ

۱- نهج الفصاحه، برگردان: ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۶، ح ۲۹.

۲- کنز العمال، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۱۶۵۸۲.

۳- الجامع الصحيح سنن الترمذی، محمد بن عیسی الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴ کتاب الزهد، باب ما جاء أن فقراء المهاجرین...، ح ۲۳۵۴.

۴- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۹، باب ۹۴، ادامه ح ۵۸.

أَغْنِيَانِهِمْ.....(۱)

ای گروه فقیران! آیا شما را بشارت بدهم به این که مؤمنان فقیر پیش از اغنیا وارد بهشت می شوند؟

از همه این روایات استفاده می شود که صبر و تحمل فقر نزد خداوند جایگاه ارزشمندی دارد. چنین افرادی افزون بر این که اهل بهشت هستند، از مقام شفاعت نیز که خاص اولیا، شهیدان و صالحان است، برخوردارند.

---

۱- السنن، أبی عبداللّٰه بن یزید القزوینی ابن ماجه، ج ۲، کتاب الزهد، باب منزله الفقراء، ح ۴۱۲۴.

## بخش دوم: عوامل فقر

### اشاره

بخش دوم: عوامل فقر

زیر فصل ها

فصل اول: عوامل معنوی

فصل دوم: عوامل مادی

## فصل اول: عوامل معنوی

### اشاره

فصل اول: عوامل معنوی

در این فصل به بررسی عوامل معنوی پیدایش فقر در جامعه انسانی از دیدگاه معصومین علیهم السلام می پردازیم.

### الف \_ عوامل معنوی

#### اشاره

الف \_ عوامل معنوی

زیر فصل ها

۱. آزمندی

۲. زیاده خواهی

۳. بخل ورزی

۴. ستم کاری، خیانت ورزی و دروغ گویی

۵. فقرنمایی

۶. اسراف و تبذیر

۷. ترک صلہ رحم

۸. ترک نظافت

#### ۱. آزمندی

۱. آزمندی

در روایات اسلامی، آزمندی یکی از صفات مذموم و سبب فقر روحی و معنوی به شمار آمده و احادیث فراوانی در این باره از

امامان معصوم علیهم السلام وارد شده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

الطَّمَعُ فَقْرٌ حَاضِرٌ. (۱)

آزمندی گونه ای از فقر آماده است.

الطَّمَعُ مِخْنَةٌ. (۲)

آزمندی مایه رنج و گرفتاری است.

---

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۴، فصل ۱، ح ۳۶۰.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۹، ح ۱۶۴.

الطَّمَعُ فَتْرٌ. (۱)

آزمندی (خود) فقر است.

الطَّمَعُ مُدْلٌ. (۲)

آزمندی خوار کننده است.

الطَّمَعُ أَوَّلُ الشَّرِّ. (۳)

نخستین بدی، آزمندی است.

الطَّمَعُ رِقٌّ مُخَلَّدٌ. (۴)

آزمندی بندگی همیشگی را در پی دارد

ثَمَرُهُ الطَّمَعُ الشُّقَاءُ. (۵)

پی آمد آزمندی، شقاوت است.

لَا أَفْسَدَ الرَّجُلَ مِثْلُ الطَّمَعِ. (۶)

هیچ چیز همانند آزمندی، انسان را فاسد نمی کند.

و امام کاظم علیه السلام می فرماید:

إِيَّاكَ وَالطَّمَعَ... فَإِنَّ الطَّمَعَ مِفْتَاحُ الدِّلِّ، وَ اخْتِلَاسُ الْعَقْلِ. (۷)

از آزمندی بپرهیزید...؛ زیرا کلید خواری و دزد خرد است.

بنابراین، آزمندی، صفتی زشت، شقاوت زا، فساد آفرین و مایه گرفتاری و فقر است. افزون بر آن، انسان را در دام بندگی دیگران اسیر می کند و چون

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۰، فصل ۱، ح ۱۸۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۱، ح ۲۳۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۴، ح ۳۵۰.

- ٤- غررالحكم و دررالکلم، ج ١، ص ٣٣، ح ١٠٢٦.
- ٥- ميزان الحكمه، ج ٥، ص ٥٥١، واژه الطمع.
- ٦- ميزان الحكمه، ج ٥، ص ٥٥١، واژه الطمع.
- ٧- ميزان الحكمه، ج ٥، ص ٥٥٠.



دشمن پارسایی و خردورزی است، انسان را به سوی رفتارهای نادرست و زندگی خفت بار و سراسر خطا و گرفتاری می کشاند.

## ۲. زیاده خواهی

### ۲. زیاده خواهی

حرص، صفتی است که انسان را به اندوختن چیزهایی وامی دارد که لازم نبوده و به حال او سودمند نیست. انسان حریص در هر سطح از درآمد و ثروت باشد، احساس بی نیازی نمی کند و به معنای واقعی، زیاده خواه است. به همین دلیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

... وَلَا تَحْتَلِفَنَّ بِكُمْ الْأَهْوَاءُ: تَبْنُونَ مَا لَا تَشْكُونُونَ، وَ تَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَ، وَلَا تَأْمَلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَ. (۱)

مگذارید هوای نفس، شما را از پی خود بکشاند تا خانه هایی بسازید که در آن ها ساکن نشوید و چیزهایی گرد آورید که آن ها را نخورید یا آرزوی چیزهایی را داشته باشید که به آن ها نرسید.

بر اساس روایات معصومین علیهم السلام، شخص زیاده خواه از نظر روحی و درونی از هر فقیری، فقیرتر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

الْحَرِيصُ فَقِيرٌ وَإِنْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِحَدَائِرِهَا. (۲)

زیاده خواه، فقیر است هر چند همه دنیا را مالک شود.

الْحَرِيصُ عَلامَةُ الْفَقْرِ. (۳)

زیاده خواهی نشانه فقر و تهی دستی است.

الْحَرِيصُ لَا يَكْتَفِي. (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۸۱، باب ۱۲۲، ح ۴۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۶، فصل ۱، ح ۴۰۶.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۶، ح ۴۱۹.

زیاده خواه با هیچ چیز سیر نمی شود.

الْحِرْصُ رَأْسُ الْفَقْرِ وَأُسُّ الشَّرِّ. (۱)

زیاده خواهی، اساس نداری و ریشه زشتی و بدی است.

### ۳. بخل ورزی

#### ۳. بخل ورزی

بخل ورزی به بی ثباتی خانوادگی و واژگونی ساختار اجتماعی می انجامد. کار اصلی بخیلان، انباشتن اموال و ثروت ها نزد خویش است. این افراد با وجود برخورداری از توان مندی های اقتصادی، رفتارهای ناخوش آیندی از خود نشان می دهند که با زندگی آبرومندانه سازگاری ندارد. خودداری آنان از مصرف متناسب با قدرت خرید، به محرومیت و تهی دستی خودشان و حتی جامعه می انجامد. بخل ورزی افراد، اقلیتی خوشگذران و اکثریتی گرسنه و محروم را پدید می آورد که همین تضادهای اجتماعی، ستیزه جویی را در پی دارد و سرانجام، کاخ آرزوهای بخیلان و خودپرستان را واژگون می سازد.

معصومین علیهم السلام، بخل ورزی را گونه ای از فقر می شمارند و آن را گام نهادن در راه تهی دستی و سرپوش گذاشتن بر فقر و نداری می دانند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ، وَ يَفُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِيَّاهُ طَلَبَ، فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ، وَ يَحْتَسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ. (۲)

از بخیل در شگفتم! به سوی فقری می شتابد که از آن می گریزد و سرمایه ای را از دست می دهد که برای آن تلاش می کند. در دنیا هم چون فقیران و

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۰، ح ۱۶۱۰.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۱۲۶.

تهی دستان زندگی می کند، ولی در آخرت همانند سرمایه داران محاکمه می شود.

دیگر سخنان ایشان بدین قرار است:

الْبُخْلُ فَقْرٌ (۱).

بخل ورزی مایه تهی دستی و فقر است.

الْبُخْلُ مُتَعَجِّلُ الْفَقْرِ (۲).

آدم بخیل به سوی فقر می شتابد.

اجْتِمَاعُ الْمَالِ عِنْدَ الْبُخْلَاءِ أَحَدُ الْجَدْبَيْنِ (۳).

جمع شدن مال در دست بخیلان، یکی از دو عامل قحطی است.

أَفْقَرُ النَّاسِ مَنْ قَتَرَ عَلَى نَفْسِهِ مَعَ الْغِنَى وَالسَّعَةِ وَخَلَّفَهُ لِغَيْرِهِ (۴).

فقیرترین مردمان آنانند که با داشتن ثروت و توسعه مالی، بر خود سخت می گیرند و مال را برای بازماندگان خود به ارث می گذارند.

آفَةُ الْغِنَى الْبُخْلُ (۵).

بخل ورزی، آفت توانگری است.

الْبُخْلُ أَحَدُ الْفَقْرَيْنِ (۶).

بخل یکی از دو فقر مادی و معنوی شمرده می شود.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۱، ح ۱۴۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۱، ح ۷۴۳.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، تحقیق: ابراهیم محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ح ۲۰، ص ۳۳۵، ح ۸۳۹.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۱۰، فصل ۸، ح ۵۱۷.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰۸، فصل ۱۶، ح ۵۴.

٦- الحياه، ج ٦، ص ٩٧، فصل ٢٥، ح ١٣.

## الْبُخْلُ جِلْبَابُ الْمَسْكَنَةِ (۱)

بخل (در زندگی)، لباس تهی دستی و فقر است. (بخیل هر چند توانگر باشد، باز بینواست).

در نتیجه، می توان گفت:

۱. بخل مایه فقر و تهی دستی است.
۲. بخل ورزی، شتاب به سوی فقر است.
۳. بخل، آفت توانگری است.
۴. بخل ورزی، لباس بینوایی است.
۵. بخل ورزی عامل قحطی است.
۶. بخیل به سوی فقری که خود از آن گریزان است، شتاب می کند.
۷. بخیل در دنیا مانند فقیران زندگی می کند، ولی در آخرت مانند سرمایه داران محاکمه می شود.
۸. بخیل، فقیرترین مردم است.

### ۴. ستم کاری، خیانت ورزی و دروغ گویی

۴. ستم کاری، خیانت ورزی و دروغ گویی

فقر و تهی دستی در بسیاری موارد، ره آورد ستم و خیانت کسانی است که با اختلال کردن در روابط مالی و ساختار تولید و توزیع جامعه، بیشتر مردم را از دست یابی به کالاها و برآوردن نیازهای اولیه زندگی محروم می کنند. پس ستم و خیانت افراد فرصت طلب و سودجو را باید یکی از عوامل اصلی و عمومی فقر به شمار آورد.

به همین دلیل، امام رضا علیه السلام ستم به یتیمان را از عوامل فقر می داند و می فرماید:

... إِذَا أَكَلَ الْإِنْسَانُ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا... فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ وَصَيَّرَهُ إِلَى

الفَقْرُ وَ الْفَاقَهُ ... (۱).

هنگامی که انسان، مال یتیم را به ستم بخورد... مانند آن است که او را کشته و به تهی دستی و فقر، گرفتار کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْأَمَانَةُ تَجْلُبُ الرِّزْقَ، وَ الْخِيَانَةُ تَجْلُبُ الْفَقْرَ. (۲)

امانت روزی می آورد، و خیانت، فقر.

امام کاظم علیه السلام نیز فرموده است:

... الْخِيَانَةُ وَ الْكِذْبُ، يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَ النِّفَاقَ. (۳)

خیانت و دروغگویی، فقر و نفاق می آورند.

## ۵. فقرنمایی

### ۵. فقرنمایی

پیش تر (در بحث نکوهش فقرنمایی) گفتیم که معصومین علیهم السلام فقرنمایی را یکی از عوامل تهی دستی و نداری شمرده اند. در اینجا به تناسب موضوع بحث، به نقل چند نمونه از روایات وارده در این باره بسنده می کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ تَفَاقَرَ أَفْتَقَرَ. (۴)

هر کس خود را فقیر نشان دهد، فقیر خواهد شد.

هم چنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

الْمَسْئَلَةُ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ. (۵)

۱- عیون اخبار الرضاء علیه السلام، ج ۲، ص ۹۲.

۲- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۹، سخنان کوتاه پیغمبرص، ح ۷۸.

۳- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۶، باب ۲۵، ح ۴.

٤- تحف العقول عن آل الرسول، سخنان کوتاه پیامبرص، ص ٤٥، ح ٤٧.

٥- غررالحکم و دررالکلم، ج ١، ص ٣٤، فصل ١، ح ١٠٦٢.

سؤال و در یوزگی، باب فقر و تهی دستی را می گشاید.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

اَظْهَارُ التَّبَاؤُسِ يَجْلِبُ الْفَقْرَ. (۱)

بیچاره نمایی، فقر و نداری می آورد.

## ۶. اسراف و تبذیر

۶. اسراف و تبذیر

تبذیر به معنای بی موقع مصرف کردن و هدر دادن ثروت است که دین اسلام به شدت با آن مبارزه می کند و مبذرین را برادران شیطان می داند. در این باره روایات فراوانی نیز وارد شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ بَذَرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ. (۲)

هر کس اسراف و تبذیر کند، خدا او را به تهی دستی و فقر دچار می گرداند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره اسراف و تبذیر فرموده است:

به خدا سوگند! تا عمر من باقی و شب و روز برقرار است و ستارگان آسمان پی در پی هم طلوع و غروب می کنند، هرگز به چنین کاری دست نمی زنم. اگر اموال از خودم بود، به تساوی میان مردم تقسیم می کردم تا چه رسد به این که این اموال از آن خدا است (و متعلق به بیت المال). آگاه باشید که بخشیدن مال در غیر مورد آن، تبذیر و اسراف است. این کار ممکن است در دنیا سبب سربلندی انجام دهنده آن شود، ولی در آخرت مایه سرافکنندگی وی می گردد.

(اسراف احیانا) او را میان مردم (دنیا پرست) گرامی می کند، ولی نزد خداوند خوار می سازد. هیچ کس مال خویش را در غیر راهی که خداوند فرموده است، مصرف نکرد و به غیر اهلش نسپرد، جز این که سرانجام خداوند، او را

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۸، فصل ۱، ح ۱۱۸۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱، کتاب العقود و الایقات، باب الاجمال فی الطلب، ح ۱۰.



از سپاس گزاری آنان (اهل) محروم ساخت و محبتشان را متوجه دیگری کرد. پس اگر روزی پایش بلغزد، به کمک آنان نیازمند گردد. (۱)

ایشان در نامه ۲۱ نهج البلاغه می فرماید:

فَدَعَ الْإِسْرَافَ، مُقْتَصِدًا، وَ اذْكَرَ فِي الْيَوْمِ عَمَدًا، وَ اَمْسَكَ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَ قَدَّمَ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ، أَتَرْجُو أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ أَجْرَ الْمُتَوَاضِعِينَ وَ أَنْتَ عِنْدَهُ مِنَ الْمُتَكَبِّرِينَ! وَ تَطْمَعُ وَ أَتْتُمْتَمِرُغُ فِي النَّعِيمِ تَمَنُّعُهُ الضَّعِيفِ وَ الْأَزْمَلَةَ أَنْ يُوجِبَ لَكَ ثَوَابَ الْمُتَصَدِّقِينَ؟ وَ إِنَّمَا الْمَرْءُ مَجْزِيٌّ بِمَا أَسْلَفَ وَ قَادِمٌ عَلَى مَا قَدَّمَ. (۲)

ای زیادبن ابیه! از اسراف بپرهیز و میانه روی را بر گزین. از امروز به فکر فردا باش. از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت، پیش بفرست. آیا امید داری خداوند، پاداش فروتنان را به تو بدهد، در حالی که از متکبران هستی؟ آیا طمع داری ثواب انفاق کنندگان را دریابی، در حالی که در ناز و نعمت قرار داری و تهی دستان و بیوه زنان را از آن نعمت ها محروم می کنی؟ همانا انسان به آن چه پیش فرستاده و نزد خدا ذخیره ساخته است، پاداش داده خواهد شد.

آن حضرت در روایت دیگر می فرماید:

سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ. (۳)

اسراف مایه فقر و نداری است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- «وَ اللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ وَ مَا أَمَّ نَجْمٌ فِي السَّمَاءِ نَجْمًا! لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ! أَلَا وَ إِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْدِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يُهِنُّهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَزَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ، وَ كَانَ لِعَیْرِهِمْ وَ دُهُمُ». نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۲۶.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۲۱.

۳- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۳۱، فصل ۳۸، ح ۲۰.

إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ. (۱)

اسراف، فقر می آورد.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

مَنْ بَدَّرَ وَ أَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النَّعْمَةُ. (۲)

هر کس اسراف و تبذیر کند، نعمتش از دست می رود.

### ۷. ترک صله رحم

۷. ترک صله رحم

ترک صله ارحام از جمله چیزهایی است که در روایت معصومین علیهم السلام از آن در شمار عوامل فقر و تهی دستی یاد می شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ. (۳)

گسستن ارتباط با بستگان به فقر و تهی دستی می انجامد.

### ۸. ترک نظافت

۸. ترک نظافت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

تَرَكَ نَسْجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ. (۴)

تار عنکبوت را در خانه وانهادن مایه فقر و تهی دستی است (تار عنکبوت به دلیل پاکیزه نکردن منزل به وجود می آید).

اینک موارد دیگری از عوامل مادی فقر را برمی شماریم: بول کردن با بدن عریان، غذاخوردن در حال جنابت، نشستن دست ها برای غذاخوردن، اهانت به خرده های نان، سوزاندن پوست پیاز و سیر، نشستن بر درگاه خانه،

- ١- وسائل الشيعه، ج ١٢، ص ٤١، كتاب التجاره، باب ٢٢، ح ١.
- ٢- الحياه، ج ٤، ص ٤٤٠، فصل ٣٣، ح ١١٣.
- ٣- بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٩١، باب ٣، ح ١٢.
- ٤- تفسير نورالثقلين، على بن الحويزي، ج ٤، ص ١٦٠، تفسير سوره عنكبوت، ح ٦٤.

جارو کردن خانه در شب، جارو کردن خانه با پارچه، شستن اعضای بدن در بیت الخلاء، پاک کردن اعضای شسته شده بدن با دامن لباس و آستین، بی شست و شو رها کردن ظرف غذا، قرار ندادن سرپوش روی ظرف آب، بودن تارهای عنکبوت در خانه، سبک شمردن نماز، شتاب برای خروج از مسجد، صبح زود به بازار رفتن و با تأخیر (شب) از آن برگشتن، خریدن نان از فقیران، لعنت کردن بر فرزندان، دروغ گفتن، دوختن لباسی که در تن است، خاموش کردن چراغ با فوت، (۱) بول کردن در حمام، خلل کردن با چوب درخت گز، شانه کردن موی سر در حال ایستاده، ماندن خاکروبه در خانه، سوگند دروغ، زنا، اظهار زیاده خواهی، خوابیدن میان نماز مغرب و عشا، خوابیدن بین طلوعین، عادت کردن به دروغ گویی، گوش دادن به موسیقی، رد سائل مرد در شب و... (۲)

که بعضی از این موارد فلسفه ای خاص دارد که باید در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱- «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَشْرُونَ خَصَلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ: أَوْلُهُمَا الْقِيَامُ مِنَ الْفِرَاشِ لِلْبَوْلِ عُرْيَانًا، وَ أَكَلَ الطَّعَامِ جُنْبًا، وَ تَرَكَ غَسِيلَ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الْأَكْلِ، وَ إِهَانَهُ الْكُشِيرَةَ مِنَ الْخُبْزِ، وَ إِحْرَاقَ قَشْرِ الثُّومِ وَ الْبَصْلِ، وَ الْقُعُودَ عَلَى أُسْكُفَةِ الْبَيْتِ وَ كَنَسِ الْأُمَيْتِ بِاللَّيْلِ، وَ بِالثُّوبِ، وَ غَسِيلِ الْأَعْضَاءِ فِي مَوْضِعِ الْأَسْيِ تَنْجَاءً، وَ مَسِيحِ الْأَعْضَاءِ الْمَغْسُولِهِ بِالْمَدْيَلِ وَ الْكُمِّ، وَ وَضَعَ الْقِصَاعِ وَ الْأَوَانِي غَيْرَ مَغْسُولِهِ، وَ وَضَعَ أَوَانِي الْمَاءِ غَيْرَ مَعْطَاهِ الرُّؤُوسِ، وَ تَرَكَ بَيْتِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْمَنْزِلِ، وَ الْأَسْيِ تَخَفًا بِالصَّلَاةِ، وَ تَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ الْبُكُورِ إِلَى السُّوقِ، وَ تَأْخِيرُ الرُّجُوعِ عَنْهُ إِلَى الْعَشَى، وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ اللَّعْنُ عَلَى الْأَوْلَادِ، وَ الْكِذْبُ، وَ خِيَاطَةُ الثُّوبِ عَلَى الْبَدَنِ، وَ إِطْفَاءُ السَّرَاحِ بِالنَّفْسِ...». بحار الانوار، ج ۷۳، باب ۶۰، ح ۲.

۲- امیرالمؤمنین علیه السلام: «تَرَكَ نَسِيحِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْعَيْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الْبَوْلُ فِي الْحَمَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّحُلُّلُ بِالطَّرْفِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ تَرَكَ الْقَمَامَةَ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الْيَمِينُ الْفَاجِرَةَ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ الرِّنَا يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ إِظْهَارُ الْحِرْصِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ إِعْتِيَادُ الْكِذْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ كَثْرَةُ الْأَسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ رَدُّ السَّائِلِ الذَّكَرِ بِاللَّيْلِ يُورِثُ الْفَقْرَ، وَ تَرَكَ التَّقْدِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ». بحار الانوار، ج ۷۳، باب ۶۰، ح ۱.

## فصل دوم: عوامل مادی

## اشاره

فصل دوم: عوامل مادی

در این فصل عوامل مادی فقر را بررسی می کنیم.

## ۱. انحصار ثروت در دست توانگران

۱. انحصار ثروت در دست توانگران

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره جمع شدن ثروت در دست توانگران می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ. (۱)

خداوند سبحان، غذا و نیاز نیازمندان را در اموال ثروت مندان معین کرده است. پس هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر این که ثروت مندان از حق آنان بهره مند شده اند. البته خداوند از آنان به دلیل این کار، بازخواست خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اِخْتَأَجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَزُّوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ... (۲)

آن چه بر سر ناداران، نیازمندان، گرسنگان و برهنگان می آید، به دلیل خیانت

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۳۲۸.

۲- من لا يحضره الفقيه، شيخ ابي جعفر صدوق، بيروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ . ق، ج ۶، ج ۲، ص ۴، باب ۱، ح ۶.

توانگران است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز فرموده است:

...أَغْنِيَاؤُهُمْ يَسْرِقُونَ زَادَ الْفُقَرَاءِ... (۱)

ثروت مندانشان، توشه مسکینان را می دزدند.

از این روایات می توان دریافت:

۱. توانگران، مسؤول بر آوردن نیازهای فقیران هستند؛ زیرا خداوند در اموال آنان، حقوقی را برای فقیران مقرر داشته است که باید پردازند.

۲. وقتی ثروت مندان مانع رسیدن این حق به مستحقان می شوند، فقر پدید می آید.

۳- توزیع ناسالم ثروت و انحصار آن در دست توانگران از عوامل مهم به وجود آمدن فقر است.

## ۲. انحصار منابع درآمد در دست یک طبقه اجتماعی

۲. انحصار منابع درآمد در دست یک طبقه اجتماعی

انحصارطلبی از دیگر عوامل آسیب پذیری منافع اجتماعی و پیدایش فقر و تهی دستی است که معصومین علیهم السلام نیز توجه ویژه ای به آن نشان داده اند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره پشتیبانی از منافع عمومی در برابر دست اندازهای انحصارطلبان می فرماید:

بدان که زمامدار، مأموران ویژه و صاحب اسراری دارد که خودخواه و دست درازند و در داد و ستد با مردم، عدالت و انصاف را رعایت نمی کنند. ریشه ستم آنان را با جمع کردن وسایل و امکانات از پیش دست آنان، از بیخ بر کن و زمین مسلمانان را به هیچ یک از اطرافیان و بستگان خود وامگذار. آنان

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۰، باب ۴۹، ح ۲۵.

نباید طمع کنند که قراردادی به سود آنان منعقد سازی که مایه زیان مردم باشد، خواه در آبیاری یا هر کار مشترک دیگر، به گونه ای که هزینه های آن را بر دیگران تحمیل کنند. در این صورت، سود آن برای آنان است و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند. (۱)

امام رضا علیه السلام در معرفی کسانی که سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله را تغییر دادند، فرمود:

از جمله کارهای مخالف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که: اموال (مردم) و منابع ملی را در اختیار مثنی ثروت مند قرار دادند تا میان آنان دست به دست بگردد. (۲)

به طور طبیعی، این گونه انحصار مال در دست افراد خاص، فقر و تهی دستی را در میان اقشار کم درآمد جامعه، افزایش می دهد.

### ۳. ثروت اندوزی زمام داران

۳. ثروت اندوزی زمام داران

یکی دیگر از عوامل فقر، ثروت اندوزی زمام داران است، وقتی حاکم کشور، شیفته مال و ثروت باشد، این خوی به اطرافیان و کارگزاران او نیز سرایت می کند. در نتیجه، ثروت یک کشور به گروه دولت مردان و کارگزاران نظام اختصاص می یابد و این پدیده، فاصله طبقاتی شدیدی را در جامعه پدید می آورد. دوران خلافت عثمان نمونه برجسته ای از این حالت است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

... إِنَّمَا يُؤْتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا وَإِنَّمَا يُعْوِزُ أَهْلَهَا

۱- «... ثُمَّ إِنَّ لِلْمَوَالِي خَاصَّةً وَ بَطَانَةَ فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَ تَطَاوُلٌ، وَ قَلَّةٌ إِنصِافٍ فِي مُعَامَلَةٍ فَاحْسِمَ مَثُونَهُ أَوْلِيَتِكَ بِقَطْعِ أَسْيَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ، وَ لَا تُقْطَعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ خَاصَّتِكَ وَ حَامَّتِكَ قَطِيعَهُ، وَ لَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اعْتِقَادِ عُقْدَةٍ تَضُرُّ بِمَنْ يَلِيهَا مِنَ النَّاسِ فِي شَرْبِ أَوْ عَمَلِ مُشْتَرِكٍ يَحْمِلُونَ مَثُونَتَهُ عَلَى غَيْرِهِمْ، فَيَكُونُ مَهْمًا ذَلِكُ لَهُمْ دُونَكَ، وَ عَيْبُهُ عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...» نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۶، باب ۳۵، ح ۱.

لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاهِ عَلَى الْجَمْعِ، وَ سَوْءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ. (۱)

... همانا ویرانی زمین به دلیل تنگ دستی مردم است و تنگ دستی مردم به دلیل غارت اموال به دست زمام دارانی است که به آینده حکومتشان، اعتماد ندارند.

ایشان همواره کار گزاران و فرزندان خود را از انحصارطلبی و زراندوزی بر حذر می داشت و می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ. (۲)

خداوند بر پیشوایان مقرر کرده است خود را در زندگی روزانه با مردم فقیر برابر دارند تا رنج فقر و بیچارگی، فقیران جامعه را به هیجان نیاورد.

امام علی علیه السلام هنگامی یافتن از انحصارطلبی و زراندوزی برخی کار گزاران خویش، به شدت با آنان برخورد می کرد. آن حضرت در موارد بسیار به مأموران گردآوری زکات و مالیات سفارش می کرد که در حفظ اموال مردم کوشا باشند؛ زیرا فقیران و تهی دستان در آن اموال، حق دارند. هم چنین به والیان سفارش می فرمود افراد با ایمان و مورد اطمینان را برای گردآوری زکات برگزینند. ایشان در نامه ای به یکی از کار گزاران خود می نویسد:

أَمَّا بَعِيدُ فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ، إِنْ كُنِمْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَشِيءُ يَخْطُتَ رَبِّكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامِيكَ، أَخْزَيْتَ أَمَانَتِيكَ. بَلَغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ، وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ، فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ وَ السَّلَامُ. (۳)

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۰۹.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۴۰.



از تو خبری به من رسیده است که اگر چنان باشد که خبر داده اند، پروردگار خود را به خشم آورده ای، از امام خود، نافرمانی و در امانت خود، خیانت کرده ای. به من خبر رسیده است که کشت زمین ها را برداشته و آن چه را می توانستی، گرفته ای و آن چه در اختیار داشتی، به خیانت خورده ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حساب رسی خداوند از حساب رسی مردم، سخت تر است.

آن حضرت در نامه ای خطاب به مأموران گردآوری زکات فرمود:

...انْطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَخِدَّةٍ لَّا شَرِيكَ لَهُ، وَ لَا تَرَوْعَنَّ مُسْلِمًا، وَ لَا تَحْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارِهًا، وَ لَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ، فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَانزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أَيْبَانَهُمْ... وَ لَا تَأْمَنَنَّ (الاموال العامه) عَلَيْهَا إِلَّا مِنْ تَيْقُ بَدِينِهِ، رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُوصَلَّهُ إِلَى وَلِيِّهِمْ فَيُقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ، وَ لَا تُؤَكِّلْ بِهَا نَاصِحًا شَفِيقًا وَ أَمِينًا حَفِيظًا... ثُمَّ اخذَرْنَا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ، نَصِيْرُهُ حَيْثُ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ... (۱)

با تقوا و ترس از خداوند \_ خدای یگانه بی شریک \_ گام در راه بنه. هیچ مسلمانی را مترسان و به صورتی ناپسند بر او مگذر و بیش از حقی که خدا در مال او قرار داده است، از او مگیر. هنگامی که نزد قبیله ای می روی، بر سر آبخشور ایشان فرود آی، ولی به محوطه خانه های ایشان نزدیک مشو... و بر آن ها (اموال عمومی) تنها کسی را بگمار که به دین داری اش اعتماد داشته باشی؛ کسی که مال مسلمان را با مدارا همراه خود بیاورد و به ولی ایشان بسپارد، تا او آن را میان آنان تقسیم کند. جز انسانی خیر خواه، مهربان، امانت دار و نگهبان، کسی را بر این کار مگمار... پس آن چه فراهم آمد، زود

نزد ما بفرست تا آن را به جایی برسانیم که خدا فرمان داده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

فَالْأَمْطَارُ هِيَ الَّتِي تُطَبَّقُ الْأَرْضَ... وَبِهَا يَشْقُطُ عَنِ النَّاسِ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْبُلْدَانِ مَوْنُهُ سِيَاقِ الْمَاءِ مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ، وَ مَا يَجْرِي فِي ذَلِكَ بَيْنَهُمْ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِنَ النَّسَاجِرِ، وَ التَّظَالِمِ، حَتَّى يَسْتَأْثِرَ بِالْمَاءِ ذُووَا الْعِرَّةِ وَ الْقَوَّةُ يُحْرِمُهُ الضُّعْفَاءُ. (۱)

باران ها، زمین را سیراب می کنند... و به سبب آن ها \_ در بسیاری از سرزمین ها \_ زحمت آبرسانی از نقطه ای به نقطه دیگر و درگیری ها و ستم هایی که از این راه پدید می آید، از میان می رود، مگر هنگامی که صاحبان جاه و قدرت، آن را به خود اختصاص دهند و ضعیفان را از آن محروم سازند.

#### ۴. مدیریت ناکارآمد

۴. مدیریت ناکارآمد

از نظر معصومین علیهم السلام، افتادن امور اقتصادی و مالی به دست مدیران و کارگزاران ناوارد از عوامل فقر و تهی دستی است.

ضرورت اصل تخصص در هر کاری به نیکی روشن است و تجربه ثابت کرده است که هیچ کاری بدون تخصص و تجربه لازم و کافی به خوبی صورت نمی پذیرد؛ زیرا ناکامی کسانی که در امور مربوط از علم و تخصص کافی برخوردار نباشند، حتمی است. اگر هم چنین افرادی، کاری یا برنامه ای را به انجام رسانند، به طور کلی برخلاف مقصود یا بسیار ناقص و بی فایده خواهد بود. از این رو، وجود افراد متخصص در هر حرکت و برنامه ای \_ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... \_ لازم و ضروری شمرده شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به ابن مسعود می فرماید:

يَا بْنَ مَسْعُودٍ إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَاعْمَلْ بِعِلْمٍ وَ عَقْلِ، وَ إِيَّاكَ وَ أَنْ تَعْمَلَ

بَعَيْرٍ تَدْبُرٍ وَ عِلْمٍ، فَإِنَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - يَقُولُ: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا».(۱)

ای ابن مسعود! هر کاری را انجام می دهی، با دانایی و خردمندی عمل کن و از عمل بدون تدبیر و دانایی (و تخصص) بپرهیز؛ زیرا خداوند فرموده است: همانند آن زن مباشید که رشته و بافته خود را پس از تابیدن، پنبه و ریش می کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

لَوْ أَقْبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ، ... وَأَخَذْتُمْ الطَّرِيقَ مِنْ وَاضِحِهِ، وَ سَلَكْتُمْ مِنَ الْحَقِّ مِنْ نَهْجِهِ، ... وَ مَا عَالَ فِيكُمْ عَائِلٌ ... (۲)

اگر علم را از معدن و سرچشمه آن آموخته بودید و راه را در مسیر روشن و آشکار آن پیموده و در راه حق گام برداشته بودید، کسی در میان شما فقیر و تهی دست نمی شد.

مدیران ناکارآمد و فاسد هیچ گاه نمی توانند قصد اصلاح گری داشته باشند و تنها پی آمد حضور آنان در بدنه اداری جامعه، فسادآفرینی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ. (۳)

هرکسی کاری را بدون علم (ومهارت و تخصص) انجام دهد، فسادش بیشتر از اصلاحش خواهد بود.

کسانی که صلاحیت لازم برای اداره کشور را ندارند، هم خود و مردم را به زحمت و مشکلات می اندازند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۴۷، فی وصایاه لابن مسعود، نحل، ۹۲.

۲- الفروع من الکافی، ج ۸، ص ۳۲، ح ۵.

۳- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۵۰، ح ۸۷.

عَشْرَةٌ يَفْتِنُونَ أَنْفُسَهُمْ وَغَيْرَهُمْ... وَ مُرِيدٌ لِلْإِصْلَاحِ وَ لَيْسَ بِعَالِمٍ. (۱)

ده گروهند که خود و دیگران را به گرفتاری دچار می کنند... و (یک گروه از آنان کسی است که) بدون علم و تخصص و صلاحیت لازم، قصد اصلاح دارند و دم از اصلاح طلبی می زنند.

بی تدبیری در امور، آن چنان ویران کننده است و پی آمدهای ناخوش آیند به همراه دارد که در بعضی روایات، هم تراز تبه کاری و خیانت به شمار آمده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

وَ لَكِنِّي آسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَ فُجَارُهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا، وَ عِبَادَهُ حَوْلًا. (۲)

از این اندوهناکم که بی خردان و تبه کاران این امت، امر آنان (حکمرانی) را به دست گیرند، مال خدا را دست به دست گردانند، بندگان او را برده خود سازند، با صالحان بستیزند و با حضور فاسدان، برای خود جمعیت تشکیل دهند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا أَبَالِي إِلَى مَنْ اتَّيَمَّنْتُ: خَائِنًا أَوْ مُضَيِّعًا. (۳)

تفاوتی میان این نمی بینم که کار را به دست خاین بسپارم یا شخص بی تدبیر و ناوارد.

امام صادق علیه السلام در این حدیث به صراحت می فرماید که: «شخص ناوارد» با «خاین» مساوی است؛ یعنی نتیجه کار هر دو یکی است و هر دو، جامعه را به تباهی می کشانند و برنامه و هزینه ها را بر باد می دهند. ایشان در روایت

۱- خصال، ج ۲، ص ۲۰۳، باب ۱۰، ح ۱۸.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۶۲.

۳- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۲۷، ح ۹۳.

دیگری می فرماید:

إِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ. (۱)

از جمله عوامل نابودی مسلمانان، آن است که اموال در اختیار کسانی قرار گیرد که حق را در آن تشخیص نمی دهند و با آن اموال، به کار نیک نمی پردازند.

هم چنین در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

مَنْ وَلِيَ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَيَّعَهُمُ ضَيَّعَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۲)

هر کس، سرپرستی کاری از کارهای مسلمانان را بپذیرد و آن را تباه کند، خداوند او را تباه می کند.

امام رضا علیه السلام در معرفی کسانی که سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله را تغییر داده اند، فرموده است:

... وَاسْتَعْمَلَ السُّفَهَاءَ... (۳)

کسانی بودند که انسان های بی لیاقت و بی تدبیر و سفیه را به کار گماشتند.

از این روایات برمی آید که بی تدبیری و نداشتن تخصص در امور، کلید فقر و نداری است و مدیر بی تخصص نمی تواند به برنامه ریزی پردازد و سود و زیان مسأله را بررسی کند. بنابراین، حضور افراد ناکارآمد در مسایل اقتصادی، به فقر جامعه \_ و به بیان قرآن کریم، پنبه شدن همه رشته ها \_ می انجامد. به همین دلیل، تأکید بر داشتن تخصص لازم در مسایل اقتصادی و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۲۱، ابواب الفعل المعروف، باب ۱، ح ۱.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ ابی جعفر صدوق، تهران، چاپ حیدری، ۱۳۹۱ ه. ق، ص ۳۰۹.

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۶، باب ۳۵، ح ۱.

آگاهی کافی از مسایل زکات و مانند آن، برای این است که مدیریت اقتصادی در دست کسانی قرار گیرد که حق جامعه را بشناسند و با علم و کاردانی، نسبت به احوال معیشتی مردم، حساسیت نشان دهند.

### ۵. تنبلی و بی حوصلگی در کار

#### ۵. تنبلی و بی حوصلگی در کار

تنبلی و بی کاری یکی دیگر از عوامل پیدایش فقر است. دین مقدس اسلام همواره با ستایش کار و کوشش و نکوهش بی کاری، جامعه را به تلاش برای رفع نیازهای زندگی فراخوانده است. روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام درباره نکوهش بی کاری وارد شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

#### نکوهش بی کاری

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يَضِيعُ مَنْ يَعْوَلُ. (۱)

ملعون است، ملعون است کسی که (در پی کسب و کار نرود و در نتیجه،) حقوق واجب النفقه را تباه سازد.

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

لِكُلِّ نِعْمَةٍ مِفْتَاحٌ وَ مِغْلَاقٌ، مِفْتَاحُهَا الصَّبْرُ وَ مِغْلَاقُهَا الْكَسَلُ. (۲)

هر نعمتی کلید و قفلی دارد؛ کلیدش، صبر و قفل آن، تنبلی است.

هم چنین ایشان در روایتی دیگر می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَ الْكَسَلَ فَإِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا. (۳)

از تنبلی بپرهیزید؛ زیرا تنبل، حق هیچ کاری را به جا نمی آورد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳، کتاب التجاره أبواب مقدمتها، باب ۲۳، ح ۷.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۲۲، ح ۶۹۳.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۳، ح ۸۰.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

إِنِّي أَجِدُنِي أَمْقُتُ الرَّجُلَ مُتَعِدِّدَ الْمَكَاسِبِ، فَيَسْتَلْقِي عَلَيَّ قَفَاهُ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَيَدْعُ أَنْ يَنْتَشِرَ فِي الْأَرْضِ وَيَلْتَمِسَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ، فَالذَّرَّةُ تَخْرُجُ مِنْ حُجْرِهَا تَلْتَمِسُ رِزْقَهَا. (۱)

من از مردی که دنبال کار نمی رود، متنفر هستم؛ مردی که به پشت دراز می کشد و می گوید: خدایا! روزی مرا برسان. چنین کسی بر نمی خیزد تا اینسو و آن سو در پی کاری باشد و خواستار فضل خدا شود. این در حالی است که مورچه کوچک از لانه خویش بیرون می آید تا روزی خود را به دست آورد.

آن حضرت در روایت دیگر می فرماید:

إِنِّي لِأَبْغَضُ الرَّجُلَ [أَوْ أَبْغَضُ لِلرَّجُلِ] أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَ مَنْ كَسِلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ. (۲)

من آن کسی را که در کسب و کار خود سستی ورزد، دشمن می دارم و کسی که در کارهای دنیایی سست قدم باشد، در کارهای اخروی سست تر خواهد بود.

امام صادق علیه السلام درباره تنبلی و بی حوصلگی در انجام کار و امرار معاش می فرماید:

... لَا تَكْسِلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَيَّ غَيْرِكَ... (۳)

در فراهم آوردن معیشت خود تنبل مباش؛ زیرا سربار دیگری خواهی شد.

ایشان در روایتی دیگر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- يُبْغِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ الْفَرَاغِ. (۴)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۷، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۶، ح ۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷، باب ۱۸، ح ۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷، باب ۱۸، ح ۳.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱۷، ح ۱.

خداوند کسانی را که بسیار می خوابند و پیوسته بی کارند، دشمن می دارد.

هم چنین از آن حضرت روایت شده است:

عَدُوُّ الْعَمَلِ الْكَسَلُ (۱).

تنبلی و بی حالی، دشمن کار و کوشش است.

لَا تَكْسُوا فِي طَلَبِ مَعَائِشِكُمْ، فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَيَطْلُبُونَهَا (۲).

در طلب روزی و معاش خودتان، تنبلی نکنید و بدانید که پدران ما برای طلب معاش می دویدند و می کوشیدند (و سر بار دیگران نمی شدند).

امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى لَيَبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ، إِنَّ اللَّهَ - لَيَبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِغَ (۳).

خداوند دشمن می دارد کسی را که زیاد بخوابد و همیشه بی کار باشد.

پی آمدهای تنبلی و بی حوصلگی در کار

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ أَضْيَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ... وَ رَجُلٌ يَفْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَ يَقُولُ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي! وَ لَا يَخْرُجُ وَ لَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ، فَيَقُولُ اللَّهُ مَعْرُوجًا لَهُ: عَبْدِي أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَ التَّصَرُّفِ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحِهِ... (۴).

دعای گروه هایی از امت من مستجاب نمی شود... (از جمله) مردی که در خانه اش می نشیند و می گوید: «پروردگارا! روزی مرا برسان» و از خانه بیرون

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷، باب ۱۸، ح ۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۸، باب ۱۸، ح ۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷، باب ۱۷، ح ۴.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵، باب ۵، ح ۶.



نمی رود و به جستجوی رزق و روزی بر نمی خیزد. خدای بزرگ به چنین کسی می گوید: ای بنده من! آیا با اندام های سالمی که به تو دادم، راه طلب روزی و حرکت را در اختیار تو قرار ندادم؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْأَشْيَاءَ كَمَا ازْدَوَجَتْ ازْدَوَاجَ الْكَسَلِ وَالْعَجْزِ فَتَنْجِ مِنْهُمَا الْفَقْرُ. (۱)

آن گاه که اشیاء جفت شوند همانند جفت شدن تبلی و کم کاری، فقر متولد می شود (نتیجه تبلی و کم کاری، فقر و نداری است).

هم چنین از ایشان روایت شده است:

إِنْ يَكُنِ الشُّغْلُ مُجْهِدَةً فَاتِّصَالَ الْفِرَاحِ مَفْسَدَةٌ. (۲)

اگر تن دادن به کار، مایه زحمت و سختی است؛ بی کاری همیشگی، مایه فساد است.

مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ وَلَا حَاجَةَ لِلَّهِ فَيَمَنُ لِلَّهِ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ نَصِيبٌ. (۳)

کسی که در کار و تلاش کوتاهی کند، به حزن و اندوه گرفتار می شود و خداوند به کسی که در مال و جاننش نصیبی برای خدا نیست، بخششی نمی کند.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا. (۴)

تبلی، به دین و دنیای انسان زیان می رساند.

۱- تحف العقول عن آل الرسول، سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۲۴۶، ح ۱۳۵.

۲- الارشاد، شیخ مفید، برگردان: محمد باقر ساعدی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۴، ص ۲۸۸، ح ۱۲.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۱۲۷.

۴- تحف العقول عن آل الرسول، سخنان کوتاه امام پنجم علیه السلام، ص ۳۴۵، ح ۶۴.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

... وَ كَانَ النَّاسُ أَيْضًا يَصِيرُونَ بِالْفِرَاقِ إِلَى غَايَةِ الْأَشْرِ وَالْبَطْرِ، حَتَّى يَكْثُرَ الْفُسَادُ وَيُظْهَرَ الْفَوَاحِشُ... (۱) لِأَنَّهُ لَوْ كُفِيَ هَذَا كُلُّهُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ فِي الْأَشْيَاءِ مَوْضِعٌ شُغْلٍ وَ عَمَلٍ لَمَا حَمَلَتْهُ الْأَرْضُ أَشْرًا وَ بَطْرًا، وَ لَبَلَغَ بِهِ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يَتَعَاطَى أُمُورًا فِيهَا تُلْفَ نَفْسُهُ... (۲)

مردم در حالت بی کاری به شدت گستاخ می شوند و به ناسپاسی (و فقر) گرفتار می آیند تا جایی که فساد فراوان می شود و کارهای زشت گسترش می یابد؛ زیرا اگر همه این ها (امور معاش و کالای لازم زندگی) در اختیار انسان گزارده می شد و به کار و تلاش نیازی نداشت، دیگر زمین زیر پای او \_ از گستاخی و ناسپاسی \_ بند نمی شد و کار او به جایی می رسید که به کارهایی دست بزند که مایه هلاکت او باشد... .

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضُّعْفَ! فَإِنَّهَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حِطِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

از تنبلی و بی حوصلگی پرهیز؛ زیرا این دو، تو را از دست یافتن به نصیب دنیا و آخرت باز می دارند.

از مجموع این روایات به دست می آید که فقر از تنبلی، کم کاری و بی حوصلگی در کسب معاش برمی خیزد. پس هر انسانی برای رفع نیازهای زندگی خود باید از تنبلی و کم کاری برحذر باشد و بکوشد خود را سربار دیگران نسازد، بلکه تلاش او بیشتر بر این باشد که دست دیگران را بگیرد.

۱- بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۰۶، باب ۴.

۲- بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۶.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۸، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱۸، ح ۵.

## ۶. رهبانیت و گوشه نشینی

### ۶. رهبانیت و گوشه نشینی

یکی از امور مؤثر در پیدایش و بقای فقر، مسأله رهبانیت و گوشه نشینی است. اسلام، رهبانیت را به شدت محکوم می کند و حدیث معروف «لَا رُهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ»<sup>(۱)</sup> دلیلی روشن بر تأیید این گفتار است. اسلام، صوفی گری، گوشه نشینی و عبادت کردن صرف را نمی پذیرد و آن را برهم زننده تعادل و توازن فرد و جامعه می داند.

باید گفت انحراف از قوانین آفرینش همیشه واکنش های منفی در پی دارد. بنابراین، شگفت نیست اگر انسانی که از زندگی؛ این امر مسلّم و موجود در فطرت خود، فاصله می گیرد، گرفتار واکنش های منفی شدید شود. پس باید پذیرفت رهبانیت به حکم این که بر خلاف اصول فطرت و طبیعت انسان است، مفسد زیادی را به بار می آورد که بدین قرار است:

۱. رهبانیت با روح مدنی بالطبع بودن آدمی می جنگد و جوامع انسانی را به انحطاط، عقب ماندگی، فقر و تهی دستی می کشاند.

۲. رهبانیت نه تنها مایه کمال نفس و تهذیب روح و اخلاق نیست، بلکه به انحراف اخلاقی، تنبلی، بی حوصلگی، بدبینی، غرور و خودبینی می انجامد.

به فرض این که انسان در حال انزوا بتواند به فضیلت اخلاقی برسد، فضیلت به شمار نمی رود، بلکه فضیلت آن است که انسان در دل اجتماع بتواند خود را از آلودگی های اخلاقی برهاند.<sup>(۲)</sup>

در این جا لازم است به این نکته اشاره کنیم که ممکن است برداشت های

۱- مجمع البحرین، فخرالدین الطریحی، تحقیق احمد حسینی، بیروت، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ هـ . ق، ماده رَهَبَ.

۲- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۱۹، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۳۸۹.

نادرست از واژه «زهد» به رهبانیت بیانجامد و این مسأله، خطر بزرگی برای پیدایش فقر خواهد بود. پیش از توضیح درباره زهد و بیان تفاوت آن بارهبانیت، شایسته است به روایاتی اشاره کنیم که در نفی رهبانیت وارد شده است.

علاء بن حارث نزد امام علی علیه السلام آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین! از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت می کنم. امام فرمود: او را چه می شود؟ علاء گفت: لباس پشمین پوشیده و از دنیا بریده است. امام فرمود: او را نزد من بیاورید. چون او را آوردند، حضرت فرمود: ای دشمن حقیر خویش! شیطان ناپاک می خواهد تو را گمراه کند. آیا به زن و فرزندت رحم نمی کنی؟ می پنداری خدا چیزهای نیکو و پاکیزه را بر تو حلال کرده است، ولی نمی خواهد از آن ها بهره مند گردی؟ تو نزد خدا از آن چه می پنداری، پست تر هستی» (۱).

علی بن عبدالعزیز می گوید: «امام صادق علیه السلام در باره عمر بن مسلم از من پرسید. در پاسخ حضرت عرض کردم: فدایت شوم! ایشان از کسب و کار و تجارت دست کشیده و به عبادت خداوند پرداخته است. حضرت فرمود: وای بر او، آیا ندانسته است آن کس که طلب روزی را ترک کند، دعایش مستجاب نخواهد شد؟ هنگامی که این آیه نازل شد «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (۲) «هر کس از (معصیت) خدا پرهیز کند، خداوند راه خروج (از تنگ دستی و گرفتاری) برای او قرار می دهد و از جایی

۱- «قَالَ الْعَلَاءُ بْنُ حَارِثٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُوا إِلَيْكَ أَحْيَى عَاصِمِ بْنِ زِيَادٍ. قَالَ وَ مَا لَهُ؟ قَالَ لَيْسَ الْعِبَاءُ وَ تَخَلَّى عَنِ الدُّنْيَا قَالَ عَلِيُّ بِهِ فَلَمَّا جَاءَ قَالَ يَا عُمِدَيَّ نَفْسِي لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَيْبُ أَمَا رَحِمْتُ أَهْلَكَ وَ وَلِمَدَكَ؟ أَ تَرَى اللَّهَ - أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا؟ أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكْ؟...». نهج البلاغه دشتی، خطبه ۲۰۹.

۲- الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۸۴، باب الرزق من حیث لا یحتسب، ح ۵.

که هیچ حساب نمی کند، روزی او را می رساند...»، گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله دکان ها را بستند و به عبادت پرداختند و گفتند: یا رسول الله! خداوند متکفلروزی ما شد و ما به عبادت روی آوردیم. ایشان فرمود: هر کس چنین کند، دعایش مستجاب نخواهد شد؛ بروید دنبال کسب و کار». (۱)

عمر بن یزید می گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی گفته است که در خانه می نشینم، نماز می خوانم، روزه می گیرم و به عبادت پروردگار می پردازم؛ رزقم نیز خواهد رسید. ایشان فرمود: او یکی از آن سه گروهی است که دعای ایشان مستجاب نمی شود». (۲)

تفاوت زهد و رهبانیت

بسیاری از مردم می پندارند زهد؛ یعنی رها کردن زندگانی دنیوی برای رسیدن به فراغت لازم برای انجام کارهای اخروی. (۳) این برداشت که می توان آن را نگرشی «سکولاریستی» از زهد نامید، در بینش «جدایی دنیا از آخرت» ریشه دارد.

این چنین زهدی در شمار همان رهبانیتی است که اسلام آن را نکوهش می کند. هرچند چنین زهدی در میان پیروان برخی ادیان، رایج و پسندیده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای رسوخ نکردن چنین دیدگاهی در ذهن مسلمانان بسیار تلاش کرده است؛ چنان که می فرماید:

لَيْسَ فِي أُمَّتِي رُهْبَانِيَّةٌ. (۴)

۱- طلاق، ۲ \_ ۳.

۲- عن عمر بن یزید قال: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ قَالَ لَأَقْعِدَنَّ فِي بَيْتِي وَ لَأَصِيْلِيْنَ وَ لَأَصُومَنَّ وَ لَأَعْبُدَنَّ رَبِّي، فَأَمَّا رِزْقِي فَسَيَأْتِيَنِي؛ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ». وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۱۴، کتاب التجاره، أبواب مقدمتها، باب ۵، ح ۲.

۳- المنجد في اللغة، لويس معلوف، تهران، چاپخانه معراج، ۱۳۶۷ ه. ش، چ ۳، ماده زهد.

۴- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۸۷، ح ۷۴۷۳.

ترک دنیا [و گوشه نشینی] در امت (و دین) من نیست.

برداشت متعادل تر این است که پرداختن به کارهای دنیوی، وظیفه انسان است و قلمرو دنیا و آخرت از یکدیگر جدا نیست. البته لذت دنیایی با لذت اخروی جمع ناشدنی است، به گونه ای که لذت بیشتر در این دنیا، محرومیت بیشتر از لذت های اخروی است. این برداشت نیز ناقص است؛ زیرا امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصف پرهیزگاران، حالتی را توصیف می کند که در آن، پرهیزگاران به جمع لذت های دنیوی و اخروی در حدّ کمال نایل آمده اند:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ... سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ، وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ. (۱)

پرهیزگاران هم در این دنیای زودگذر سود بردند و هم در جهان آینده آخرت و... آن ها در دنیا نیکوترین زندگی را دارند و از بهترین خوردنی های دنیا بهره مند هستند.

برداشت سوم، برداشت اسلامی است. زهد اسلامی که به معنی زندگی ساده و حذف تجمل ها و رهایی از اسارت در چنگال مال و مقام است، به رهبانیت هیچ ارتباطی ندارد. رهبانیت به معنای جدایی و بیگانگی از اجتماع است، ولی زهد؛ آزادی و وابستگی برای اجتماعی تر زیستن است. به عبارت روشن تر، در زهد اسلامی، بهره مندی از لذت های مادی دنیوی، مردود نیست، بلکه دلبستگی به مال و منال دنیا و در یک کلمه، دنیاطلبی مورد نکوهش است.

امام علی علیه السلام زهد را که در حقیقت یکی از حالات درونی انسان است، چنین توصیف می کند:

الرُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبحَانَهُ: «لِكَيْلَا تَأْسُوا

عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (۱). وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي، فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرْفَيْهِ (۲).

تمامی زهد در دو عبارت قرآن آمده است: [خداوند فرموده است] «باشد که بر آن چه از دست داده اید، اندوهگین نشوید و بر آن چه بهره می برید، شادی نکنید.» هر کس بر از دست رفته، اندوهگین نشود و بر آن چه بهره می برد، شادی نکند، هر دو سوی زهد را به دست آورده است.

زهد، حالتی است که به واسطه آن، هر گونه وابستگی شدید به عوامل خارجی از میان می رود. در حقیقت، زهد اسلامی، روح انسان را به استقلال می رساند که براساس آن، هر حادثه ای که در جهان رخ دهد، نه چنان او را شاد می کند که بندگی خویش را از یاد ببرد و در برابر پروردگارش به نافرمانی برخیزد و نه چنان او را ناامید می کند که به پوچی و نیستی برسد. زهد اسلامی، حالتی از تعادل به روح انسان می بخشد که به وسیله آن می تواند به گونه ای شایسته از نعمت های الهی بهره جوید و به تکامل درونی برسد.

چنین حالتی، پی آمدهایی دارد که امیرمؤمنان علی علیه السلام برخی از آن ها را چنین برمی شمارد:

أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ... (۳).

ای مردم! زهد؛ یعنی کوتاه کردن آرزوها و سپاس گذاری در برابر نعمت های (الهی) و پرهیز از محرمات.

انسان زاهد به دلیل دل بستگی نداشتن به امور دنیوی، انگیزه ای برای

۱- حدید، ۲۳.

۲- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۴۳۹.

۳- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۴۳۹.

پرداختن به امور غیر واقعی ندارد. به طور کلی، آدمی هنگام رخ دادن حادثه ای، یا از آن خشنود می شود یا ناخشنود. در هر دو صورت، زهد اسلامی، انسان را سامان می دهد، به گونه ای که وی احساس رضایت می کند و از تعادلی که همانا شکر نعمت های الهی است، خارج نمی شود. در صورت تهی دستی و فقر نیز فرد را از گرفتار شدن به رفتارهای ناپسند باز می دارد.

در روایت می خوانیم وقتی فرزند عثمان بن مظعون از دنیا رفت، وی بسیار غمگین شد تا آن جا که خانه اش را مسجد قرار داد و مشغول عبادت شد (و کارهای دیگر جز عبادت را ترک کرد). هنگامی که این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، او را فراخواند و فرمود:

یا عثمان! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرُّهْبَانِيَّةَ، إِنَّمَا رُهْبَانِيَّةَ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

ای عثمان! خداوند متعال، رهبانیت را برای امت من مقرر نداشته است. رهبانیت امت من، جهاد در راه خدا است.

## ۷. بی تدبیری در اداره زندگی

۷. بی تدبیری در اداره زندگی

در روایت معصومین علیهم السلام، بی تدبیری در اداره زندگی از جمله عوامل فقر و تهی دستی به شمار آمده است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

سُوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ. (۲)

تدبیر بد (در اداره زندگی) کلید فقر و تهی دستی است.

سُوءُ التَّدْبِيرِ سَبَبُ التَّدْمِيرِ. (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۱۴، باب نهی از رهبانیت، ح ۱.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۳۳، فصل ۳۹، ح ۲۳.

۳- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۳۳، فصل ۳۹، ح ۲۲.



بدی تدبیر (در امور زندگی) عامل هلاکت و نابودی است.

آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ. (۱)

بی تدبیری و کج اندیشی، آفت امور معاش و درآمد زندگی است.

يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ: بِسُوءِ التَّدْبِيرِ، وَقُبْحِ التَّبْدِيرِ، وَقَلَّةِ الْأَعْتِبَارِ، وَكَثْرَةِ الْإِعْتِرَارِ. (۲)

چهار چیز نشانه پشت کردن روزگار است: تدبیر بد، تبذیر زشت، عبرت آموزی اندک و فریب خوردن بسیار.

بر اساس سخن امام امیرالمؤمنین علیه السلام، چهار چیز نشانه برگشت نامیمون روزگار است که یکی از آن‌ها تدبیر نداشتن در زندگی است.

از آن چه در این بخش گفته شد، چنین برمی آید که ریشه یابی فقر و راه کارها و سیاست های فقر زدایی در اندیشه معصومین علیهم السلام، جایگاه ویژه ای دارد. به همین دلیل، با تبیین عوامل معنوی و غیر معنوی فقر، این مسأله را یکی از مشکلات حاد جامعه بشری دانسته و مبارزه با آن را واجب و ضروری شمرده اند.

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۰۸، فصل ۱۶، ح ۵۱.

۲- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۸۸، ح ۴.

## بخش سوم: راه های مبارزه با فقر

### اشاره

بخش سوم: راه های مبارزه با فقر

زیر فصل ها

فصل اول: سیره عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر

فصل دوم: سیره علمی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر

## فصل اول: سیره عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر

### اشاره

فصل اول: سیره عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر

اسلام، در زمینه مبارزه با فقر و درمان ریشه ای آن، راه کارهای روشنی نشان داده است، به گونه ای که هر فرد یا جامعه ای با در پیش گرفتن همین راه ها می تواند فقر را ریشه کن سازد. اسلام برای کرامت و شخصیت انسان اهمیت فراوان قایل است و از آن جا که او را جانشین خدا در زمین می داند، برای رسیدن وی به درجه های عالی رشد و کمال معنوی و خوشبختی، راه کارهای مناسبی را ترسیم کرده است. افزون بر آن، اسلام درباره رفاه مادی و مبارزه با فقر و پی آمدهای منفی آن که تباه کننده هستی جامعه انسانی است، اهتمام دارد و با شیوه های گوناگون برای درمان آن و نابود کردن ریشه هایش اقدام کرده است.

معصومین علیهم السلام در مناسبت های مختلف با نشان دادن اهمیت فقرزدایی در سیره عملی خود، برای درمان این پدیده شوم، راه های روشنی را نشان داده اند. آن بزرگواران با بهره گیری از شیوه های گوناگون مانند: انفاق، قرض الحسنه، کار و تلاش و... وارد صحنه می شدند و با کمک به مستمندان جامعه، مبارزه عملی خویش را برای فقرزدایی در پیش می گرفتند. بدین گونه به پیروان خود می آموختند که تنها با سخن گفتن و دادن طرح و برنامه صرف نمی توان برای نابودی فقر قیام کرد، بلکه در عمل باید گره این کار را گشود.

با مطالعه تاریخ زندگی پرفروغ پیشوایان معصوم علیهم السلام به نمونه های فراوانی در این باره می توان دست یافت که بیان همه آن ها، خود، وقت مناسب و کتاب های مستقلى را مى طلبد. بنابراین، آن چه در این جا مطرح می شود، تنها گوشه ای از آن است که اینک پی می گیریم.

## ۱. انفاق و یاری رسانی به فقیران

۱. انفاق و یاری رسانی به فقیران

یکی از رفتارهای عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر، انفاق و یاری رساندن به مستمندان جامعه بوده است.

امام حسن علیه السلام می فرماید: «وقتی بدن پدرم را غسل می دادیم، یاران حضرت در سجده گاه و پشت حضرت، آثاری را دیدند. به من گفتند: اثر سجده معلوم است، ولی آن چه در پشت آقا دیده می شود، مربوط به چیست؟»

در این حال، محمد حنفیه گفت: اگر پدرم زنده بود، چیزی نمی گفتم، ولی اکنون که از دنیا رفته است، شرح می دهم. پدرم هر روز یک یا چند نفر مستمند را غذا می داد و شب ها پس از جدا کردن سهم خانواده خود، باقی مانده را در انبانی می گذاشت. آن گاه پس از به خواب رفتن مردم، انبان را به دوش می گرفت و در کوچه های مدینه راه می افتاد تا مواد خوراکی را میان مستمندان آبرودار تقسیم کند. آنان، حضرت را نمی شناختند و کسی جز من از این کار آگاه نبود؛ چون پدرم، دوست می داشت (برای رضای خدا) پنهانی و با دست خود صدقه بدهد. (۱)

۱- «عن الحسن بن علی علیه السلام أَنَّهُ لَمَّا غَسَلَ أَبَاهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرُوا إِلَى مَوَاضِعِ الْمَسَاجِدِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ وَ ظَاهِرِ قَدَمَيْهِ كَأَنَّهَا مَبَارِكُ الْبَعِيرِ، وَ نَظَرُوا إِلَى عَاتِقِهِ وَ فِيهِ مِثْلُ ذَلِكَ، فَقَالُوا لِأَبِي مُحَمَّدٍ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: قَدْ عَرَفْنَا أَنَّ هَذَا إِذْمَانٌ مِنَ السُّجُودِ فَمَا هَذَا الَّذِي نَرَى عَلَى عَاتِقِهِ؟ فَقَالَ: أَمَا لَوْلَا أَنَّهُ مَاتَ مَا حَدَّثْتُكُمْ عَنْهُ كَانَ لَا يَمُرُّ بِهِ يَوْمٌ إِلَّا أَشْبَعَ فِيهِ مِسْكِينًا فَصَاعِدًا، مَا أَمَكَّنَهُ، وَ إِذْ كَانَ اللَّيْلُ نَظَرَ إِلَى مَا فَضَّلَ عَنْ قُوتِ عِيَالِهِ فَجَعَلَهُ فِي جِرَابٍ، فَإِذَا هَدَأَ النَّاسُ وَضَعَهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَ تَخَلَّلَ الْمَدِينَةَ، وَ قَصَدَ قَوْمًا لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِلَّا خَافًا، وَ فَرَّقَهُ فِيهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ، وَ لَا يَعْلَمُ بِذَلِكَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِهِ غَيْرِي، فَإِنِّي كُنْتُ إِطَّلَعْتُ ذَلِكَ مِنْهُ يَرْجُو بِذَلِكَ فَضْلَ إِعْطَاءِ الصَّدَقَةِ بِيَدِهِ، وَ دَفَعَهَا سِرًّا...». مستدرک الوسائل، ج ۷، صص ۱۸۳ و ۱۸۴،

باب ۱۱، ح ۸.

در روایت دیگر می خوانیم: «امام سجاد علیه السلام شب ها پس از تاریک شدن هوا و به خواب رفتن مردم، از جا برمی خاست و هر چه غذا در خانه بود، جمع می کرد. آن گاه آن را در ظرفی از پوست (انبان) قرار می داد و در حالی که صورت خود را پوشانیده بود، آن را بر دوش می گرفت و میان فقیران تقسیم می کرد. فقیران همیشه منتظر آن حضرت بودند و وقتی ایشان را می دیدند، به یکدیگر بشارت می دادند که صاحب انبان آمد». (۱)

هشام بن سالم \_ یکی از یاران امام صادق علیه السلام \_ می گوید: «پس از فرا رسیدن شب و تاریک شدن هوا، امام صادق علیه السلام همیانی را که نان، گوشت و مبلغی درهم در آن بود، بر دوش می کشید و برای نیازمندان مدینه می برد تا میان آنان تقسیم کند. پس از شهادت حضرت، مستمندان دریافتند کسی که آنان را مورد لطف قرار می داد، حضرت صادق علیه السلام بوده است». (۲)

معلی بن خنیس می گوید: «در یک شب بارانی همراه حضرت صادق علیه السلام به محله سایبان بنی ساعده رفتیم، در حالی که انبانی پر از نان بر دوش داشت. به

۱- «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا جَنَّ اللَّيْلُ وَ هَدَّاتِ الْعُيُونُ قَامَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَجَمَعَ مَا يَبْقَى فِيهِ مِنْ قُوتِ أَهْلِهِ وَ جَعَلَهُ فِي جِرَابٍ وَ رَمَى بِهِ عَلَى عِمَاتِقِهِ وَ خَرَجَ إِلَى دُورِ الْفُقَرَاءِ وَ هُوَ مُتَلَثِّمٌ وَ يُفَرِّقُ عَلَيْهِمْ وَ كَثِيرًا مَا كَانُوا قِيَامًا عَلَى أَبْوَابِهِمْ يَنْتَظِرُونَهُ فَأِذَا رَأَوْهُ تَبَاشَرُوا بِهِ وَ قَالُوا: جَاءَ صَاحِبُ الْجِرَابِ». مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، الطبعة العلمية، ج ۴، ص ۱۵۳.

۲- «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اغْتَمَّ وَ ذَهَبَ مِنَ اللَّيْلِ شَطْرَهُ أَخَذَ جِرَابًا فِيهِ خُبْزٌ وَ لَحْمٌ وَ الدَّرَاهِمُ فَحَمَلَهُ عَلَى عُنُقِهِ ثُمَّ ذَهَبَ بِهِ إِلَى أَهْلِ الْحَاجَةِ مِنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَقَسَمَهُ فِيهِمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ فَلَمَّا مَضَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَدُوا فَعَلِمُوا أَنَّهُ كَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ». الفروع من الكافي، ج ۴، ص ۸، باب صدقه الليل، ح ۱.

گروهی از مردم رسیدیم که همگی در خواب بودند. حضرت صادق علیه السلام در کنار بستر آنان یک یا دو قرص نان نهاد تا به آخر جمعیت رسید» (۱).

## ۲. پرداخت قرض الحسنه

### ۲. پرداخت قرض الحسنه

گفته اند: «اسامه بن زید که از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، بیمار و بستری شد و چون بدهی بسیار داشت، ناراحت و غمگین بود. امام حسین علیه السلام به عیادت او آمد و پس از احوال پرسی فرمود: ای برادر! برای چه غمگین هستی؟ اسامه گفت: به خاطر قرض هایی است که مجموع آن ها به شصت هزار درهم می رسد. امام حسین فرمود: ناراحت نباش، قرض هایت بر عهده من.

اسامه گفت: ترس آن دارم که پیش از ادای قرض بمیرم. امام حسین علیه السلام در پاسخ فرمود: نترس، پیش از مرگت، حتماً آن را ادا می کنم. امام علیه السلام به وعده خود وفا کرد و پیش از مرگ او، قرض هایش را پرداخت» (۲).

هم چنین نقل شده است: «محمد بن اسامه، بیمار شد و در بستر مرگ افتاد. امام سجاد علیه السلام به عیادت او رفت و گروهی دیگر نیز در آن جا حاضر بودند. محمد بن اسامه به حاضران گفت: مبلغی مقروض هستم. از شما می خواهم آن را ادا کنید. امام سجاد علیه السلام فرمود: من یک سوم آن را ادا می کنم. با این حال، هیچ یک از حاضران به او پاسخ مثبتی ندادند. در این هنگام، امام سجاد علیه السلام همه قرض های او را بر عهده گرفت و سپس فرمود: من از این رو در آغاز، همه دیون محمد بن اسامه را بر عهده نگرفتم تا بنی هاشم نگویند فلانی از ما

۱- «أَنَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ أَتَى ظِلَّةَ بَنِي سَاعِدَةَ فِي لَيْلِهِ قَدْ رَشَتِ السَّمَاءُ وَ مَعَهُ جِرَابٌ، فَأِذَا نَحْنُ بِقَوْمٍ نِيَامٍ، فَجَعَلَ يَدُسُّ الرَّغِيفَ وَ الرَّغِيفِينَ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِهِ»، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹، باب ۲۶، ح ۲.

پیشی گرفت و گرنه در همان آغاز، همه آن را می پذیرفتم»<sup>(۱)</sup>.

شخصی به نام محمد بن عبدالله بکری می گوید: «بسیار بدهی داشتم. هنگامی که وارد مدینه شدم، سنگینی بدهی مرا در مانده کرده بود. با خود گفتم اگر به محضر امام کاظم علیه السلام بروم، شادمان خواهم شد. از این رو، به محضرش رفتم و وضع خود را برایش شرح دادم. به خانه اش رفت و بی درنگ بیرون آمد و به غلامش فرمود: از این جا برو. او نیز رفت. آن گاه دستش را به سوی من دراز کرد و کیسه ای سیصد دیناری به من داد. سپس برخاست و رفت. من نیز با آن پول، بدهی هایم را پرداختم و زندگی ام را اداره کردم»<sup>(۲)</sup>.

گفته اند: «فقیری از انصار برای درخواست کمک نزد امام حسین علیه السلام آمد. امام علیه السلام پیش از آن که او سخن بگوید، فرمود: ای برادر انصاری! چهره خود را از ذلت خواهش حفظ کن و درخواستت را در بر گه ای بنویس. من به خواست خدا آن چه را مایه شادمانی تو است، به تو خواهم داد.

او در کاغذی نوشت: فلان کس پانصد دینار از من طلب دارد و اصرار می کند که آن را بپردازم. با او گفتم و گو کن تا هنگام دارا شدن، به من مهلت دهد.

امام حسین علیه السلام آن کاغذ را خواند. سپس به خانه خود رفت و کیسه ای آورد که در آن هزار دینار بود. آن را به او داد و فرمود: پانصد دینار از این را به طلبکارت بده، باقی مانده آن را در دیگر نیازمندی هایت مصرف کن. هیچ گاه حاجت خود را جز نزد سه شخص بازگو نکن: دین دار، جوان مرد و

۱- الروضه من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، برگردان: محمد باقر کمره ای، تهران، مکتبه الاسلامیه طهران، ۱۳۹۷ ه. ق، ج ۲، ص ۲۵۸، ح ۵۱۴.

۲- اعیان الشیعه، سید حسن الامین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۸ ه. ق، ج ۲، ص ۵۳۶، سیره الکاظم علیه السلام، مناقبه و فضائله.

پاک سرشت. دین دار، به خاطر دینش آبروی تو را حفظ می کند و جوان مرد به خاطر جوان مردیش، حیا می کند که تو را ناامید سازد. هم چنین شرافت انسان پاک سرشت، مانع می شود که تو را دست خالی رد کند و می داند که تو دوست نداری آبرویت بریزد» (۱).

### ۳. کار و تلاش

#### ۳. کار و تلاش

یکی از سیره های عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر این بود که با کار کردن، مردم را به صورت عملی به مبارزه با فقر تشویق می کردند. در این باره نمونه های فراوانی نقل شده است که در زیر به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضْرِبُ بِالْمَرِّ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ... وَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَكَدَّ يَدَهُ. (۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیل می زد و شخم می کرد (و آب از زمین بیرون می آورد)... امیرالمؤمنین علی علیه السلام از مال و دسترنج خود هزار برده آزاد کرد.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ، وَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَطْحَنُ وَتَعْجِنُ وَتَخْبِزُ. (۳)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هیزم جمع می کرد، از چاه آب می کشید و به جاروب کردن خانه می پرداخت. فاطمه علیها السلام نیز با دستاس، گندم را آرد می کرد، سپس آن را خمیر می کرد و نان می پخت.

۱- تحف العقول عن آل الرسول، مترجم، ص ۲۸۱، ح ۱۲.

۲- الفروع من الکافی، ج ۵، کتاب المعیشه، باب ۴، ح ۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴، کتاب التجاره، باب ۹، ح ۱۰.



عبدالاعلی آل سام می گوید: «در یک روز گرم تابستانی، در یکی از کوچه های مدینه، با امام صادق علیه السلام رو به رو شدم و عرض کردم: فدایت شوم! با مقامی که نزد خدای بزرگ و با خویشاوندی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله داری، چرا در چنین روز گرمی این گونه خود را آزار می دهی (و برای خود تلاش می کنی)؟ فرمود: ای عبدالاعلی! در طلب روزی از خانه بیرون آمده ام تا با این کار، از امثال تو بی نیاز باشم». (۱)

ابو عمرو شیبانی می گوید: «امام صادق علیه السلام را دیدم که بیلی در دست و پوششی درشت بر تن داشت و در باغچه ای که متعلق به خودش بود، کار می کرد و عرق می ریخت. عرض کردم: فدایت شوم! بیل را به من بده تا به جای تو کار کنم. فرمود: من چنان دوست دارم که شخص، در گرمای آزار دهنده آفتاب، برای به دست آوردن نیازهای زندگی کار کند و رنج بیند». (۲)

علی بن ابی حمزه، از پدرش نقل می کند که گفت: «ابوالحسن (امام موسی کاظم علیه السلام) را دیدم که در زمینی متعلق به خودش کار می کرد، و پاهای او خیس عرق شده بود. عرض کردم: فدایت شوم! کار گرانت کجایند؟ فرمود: ای علی! کسانی با دست خود در زمین خویش کار کردند که از من و پدرم بهتر بودند. گفتم: کدام کسان؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و همپدرانم که

- ۱- «إِنَّهُ تَقَبَّلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ، فِي يَوْمٍ صَائِفٍ شَدِيدِ الْحَرِّ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! حَالُكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَرَابَتُكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، وَ أَنْتَ تُجَاهِدُ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ - خ ل فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟ فَقَالَ: يَا عَبْدَ الْأَعْلَى! خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، لِأَسْتَعِينِي بِهِ عَنْ مِثْلِكَ». وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۱۰، كتاب التجاره، باب ۴، ح ۲.
- ۲- «رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَدَيْهِ مَسْحَاهُ، وَ عَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ، يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ، وَ الْعَرَقُ يَنْصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أُعْطِنِي أَكْفِكَ. فَقَالَ لِي: إِنِّي أُحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ». الفروع من الكافي، ج ۵، ص ۷۶، باب ما يجب من الاقتداء بالائمة عليهم السلام في التعرض الرزق، ح ۱۳.

با دست خود کار می کردند. با دست خود کار کردن، کار پیامبران و رسولان و اوصیا و صالحان است» (۱).

آن چه آمد، نمونه هایی از سیره عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر بود که اهمیت مبارزه با فقر و رفع نیاز مستمندان جامعه را در بینش آنان نشان می دهد. آن بزرگواران با کار و کوشش و یاری رسانی به فقیران نمی گذاشتند بینوایان از سختی فقر و تهی دستی \_ که سبب دور شدن آنان از دین و معنویت و سقوط شخصیت و کرامت انسانی آنان می شد \_ بیش از اندازه رنج ببرند. آنان تا آن جا که می توانستند، با شیوه های گوناگون بر ضد بلای بزرگ فقر به مبارزه برمی خاستند و در تاریکی شب های سرد و بارانی به یاری محرومان شتافتند.

---

۱- «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ، قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيُّنَ الرَّجَالِ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَ مِنْ أَبِي. فَقُلْتُ لَهُ: وَ مَنْ هُوَ؟ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كُلُّهُمْ، كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ، وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ». الفروع من الكافي، ج ۵، صص ۷۵، ۷۶، ح ۱۰.

## فصل دوم: سیره علمی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر

### اشاره

فصل دوم: سیره علمی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر

منظور از سیره علمی معصومین علیهم السلام، رهنمودها و راه کارهای روشنی است که آن بزرگواران برای درمان بلای خانمان سوز فقر نشان داده و آن ها را در قالب وظایف فردی، اجتماعی و حکومتی بیان کرده اند.

### وظایف فردی در مبارزه با فقر

#### اشاره

وظایف فردی در مبارزه با فقر

در این محور به مبارزه فردی با فقر می پردازیم. در این گونه مبارزه، شخص می تواند با تلاش و نگاهی دقیق، بسترهای لازم برای مبارزه با فقر را ایجاد کند. این کار، نخستین گام در این راه و اساسی ترین راه کار مبارزه با فقر است. برای توضیح بیشتر، این محور را در دو موضوع معنوی و غیرمعنوی مورد بررسی قرار می دهیم.

### الف\_ راه های معنوی

#### ۱. دانش اندوزی

چنان که می دانیم جهل، پایه همه بدبختی ها، و دانش، مایه خوشبختی، فضیلت، پیشرفت و عزت و عظمت انسان است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ. (۱)

دانش سرچشمه همه خوبی ها و نادانی سرچشمه همه بدی هاست.

امروزه هر کاری نیازمند بهره گیری از دانش است. هرگونه پیشرفت در صنعت، کشاورزی، دامداری، تجارت و... به فراگیری راهبردهای علمی و برنامه ریزی دقیق و سنجیده بر اساس نیازهای جامعه بستگی دارد. اسلام نیز برای دانش، جایگاه ویژه ای قایل است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

أَشْرَفُ الْأَشْيَاءِ الْعِلْمُ وَاللَّهُ تَعَالَى عَالِمٌ يُحِبُّ كُلَّ عَالِمٍ. (۲)

دانش اشرف همه چیز است. خداوند متعال، عالم است و هر دانشمندی را دوست دارد.

ایشان درباره اهمیت دانش اندوزی می فرماید:

قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ بِمَا يُحْسِنُهُ. (۳)

ارزش هر انسانی به مقدار دانایی و تخصص اوست.

آن حضرت، دانش را یاور نیازمندان و مستمندان می داند و می فرماید:

تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإِنَّهُ زَيْنٌ لِلْغَنِيِّ وَ عَوْنٌ لِلْفَقِيرِ. (۴)

دانش بیاموزید که دانش، زیور توانگران و یاور نیازمندان و تهی دستان است.

منظور ما در این جا دانشی است که یاور و کمک کار نیازمندان بوده و از راهنمایی خرد بهره مند باشد. منظور کلی از علم، دانش کاربردی است؛ زیرا دانش نظری صرف و غیر کاربردی به تنهایی در امور معاش کارساز نیست.

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۷، باب ۷، جمع من مفردات کلمات الرسول، ح ۹.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۸، ح ۲۹۸.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۸۱.

۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۰، ح ۵۵۳.

ایشان در جای دیگر فرموده است:

لَا غِنَى مِثْلُ الْعَقْلِ، وَلَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. (۱)

هیچ ثروتی چون خردمندی و هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.

انسان به وسیله دانش می تواند فقر و تهی دستی را از خود و جامعه دور سازد، ولی نادانی، مایه عقب ماندگی و فساد جامعه است. اگر علم با عمل همراه باشد، راه و رسم تجارت، صنعت و کشاورزی و دامداری و... را به فقیر می آموزد. آن گاه او می داند که چگونه تولید، سرمایه گذاری و برنامه ریزی کند و می آموزد که چگونه می توان به کمک این امور، فقر و تهی دستی را از بین برد. بنابراین، برخورداری از پشتوانه علمی در تولید و سرمایه گذاری بسیار کارساز است.

## ۲. بردباری

فقیر بردبار در جامعه عنصر مثبتی به شمار می آید؛ زیرا وی با بردباری می تواند جهت زندگی خود را از تنگ دستی به بی نیازی تغییر دهد. انسان صبور بر اعصابش مسلط تر است و با اندیشه صحیح می تواند در زندگی چاره اندیشی کند و خود را از فلاکت و نداری، رهایی بخشد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِحْتِمَالُ الْفَقْرِ أَحْسَنُ مِنْ إِحْتِمَالِ الذُّلِّ لِأَنَّ الصَّبْرَ عَلَى الْفَقْرِ قَنَاعَةٌ وَالصَّبْرُ عَلَى الذُّلِّ ضِرَاعَةٌ. (۲)

کشیدن بار فقر بهتر از تن دادن به خواری است؛ زیرا صبر بر تهی دستی، قناعت است و صبر بر خواری، خواری است.

هم چنین ایشان فرموده است:

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۱۹، ح ۷.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۴، ح ۳۶۴.

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ الْإِحْتِمَالِ فَمَنْ لَزِمَهَا هَانَتْ عَلَيْهِ. (۱)

بر تو باد صبر و شکیبایی؛ زیرا هر کس صبر و بردباری را برگزید و به آن پای بند شد، گرفتاری ها و بلاها بر وی آسان می شود.

عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي الضِّيقِ وَ الْبَلَاءِ. (۲)

بر تو باد صبر و بردباری در حال تنگی و گرفتاری.

الصَّبْرُ عَلَى الْفَقْرِ مَعَ الْعِزِّ أَجْمَلُ مِنَ الْغِنَى مَعَ الدُّلِّ. (۳)

صبر به فقر و نداری در حال عزت از توانگری با خواری، زیباتر است.

آن حضرت در جمله ای کوتاه، ولی بسیار پرمعنا می فرماید:

لَا يَكُنْ فَقْرُكَ كُفْرًا. (۴)

تنگدستی، تو را به کفر نکشاند.

محمد بن عجلان می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از فقر و نداری به او شکایت کرد. حضرت در پاسخ فرمود:

إِصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ فَرْجًا... (۵)

صبر کن که خدا به زودی برایت گشایشی دهد.

امام صادق علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

لَا يَصْلُحُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: التَّفَقُّهِ فِي الدِّينِ، وَ حُسْنِ

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، فصل ۴۹، ح ۳۹.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، فصل ۴، ح ۱۳.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، فصل ۱، ح ۲۰۴۴.

۴- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۶، ح ۳۸۸.

۵- اصول کافی، ج ۳، ح ۲۳۳۵.

التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرِ عَلَى النَّائِبَةِ. (۱)

صلاح کار مؤمن تنها در سه خصلت است: فرا گرفتن دین، اندازه گیری درست در زندگی و صبر بر مشکلات.

از این روایت ها برمی آید که انسان با صبر و تحمل فشار فقر و مشکلات زندگی و با اندیشه درست می تواند به راه کارهای مناسبی برای برطرف کردن مشکل فقر دست یابد، ولی اگر انسان توانایی تحمل فشارهای زندگی را نداشته باشد، ممکن است فقر، او را تا مرز کفر پیش برد.

### ۳. قناعت و صرفه جویی

به یقین، اگر انسان به آن مقدار از خوراک، پوشاک و لوازم زندگی که در دسترس اوست، قناعت نرزد و در استفاده از آن ها صرفه جویی نکند، به فقر و تنگ دستی دچار خواهد شد. بنابراین، قناعت در زدودن فقر بسیار اهمیت دارد و براساس بعضی روایات، رعایت قناعت به عنوان گنجی بی پایان و رعایت نکردن قناعت، فقری بی پایان قلمداد شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اهمیت قناعت می فرماید:

ثَلَاثٌ مُنَجِّياتٌ فَذَكَرَ الثَّلَاثَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرُ. (۲)

سه چیز انسان را از هلاکت نجات می دهد که سومین آن، قناعت در حال نیازمندی و بی نیازی است.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می فرماید:

مَجَاوَزْتُكَ مَا يَكْفِيكَ فَقْرٌ لَا مَتَهَى لَهُ. (۳)

از اندازه و مقدار نیاز گذشتن، فقری بی پایان است.

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ح ۱۴.

۲- الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۵۳، باب فضل القصد، ح ۵.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۸، ح ۲۹۳.

طمع ورزی، احساس نیاز کاذب در انسان می آفریند و چون وی نمی تواند به این احساس، پاسخ مثبت دهد، به فقر دچار می شود.

الْقَنَاعَةُ كَنْزٌ لَا يَنْفَدُ. (۱)

قناعت گنجی پایان ناپذیر است.

مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ. (۲)

هر کس به آن چه خدا روزیش کرده است، قناعت ورزد، غنی ترین مردم است.

الْقَنَاعَةُ رَأْسُ الْغِنَى. (۳)

قناعت، ریشه و اساس توانگری و بی نیازی است.

الْقَنَاعَةُ أَهْنًا عَيْشِهِ. (۴)

قناعت، گواراترین زندگی است.

كَفَى بِالْقَنَاعَةِ مُلْكًا وَبِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا. (۵)

قناعت برای دولتمندی و خوش خلقی برای فراوانی نعمت، کافی است.

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه «فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ به او زندگی پاکیزه خواهیم بخشید» (۶) فرمود:

زندگی پاکیزه با قناعت میسر است.

ایشان درباره صرفه جویی می فرماید:

۱- نهج البلاغه دشتی، کلمات قصار ۴۷۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۵، باب ۳، ح ۲.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۷، فصل ۱، ح ۱۱۴۸.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۷، فصل ۱، ح ۹۷۶.

۵- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۲۲۹.

۶- نحل، ۹۷.



التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ... فَمَنْ قَدَّرَ رِزْقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ. (۱)

اندازه گیری (در مخارج) نصف زندگی است. پس هر کس، حید و اندازه را رعایت کند، خدا روزی اش می دهد و هر که اسراف کند، خدا او را محروم می سازد.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

□  
خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّأْ بِالْعَيْشِ: الصَّحَّةُ، وَ الْأَمْنُ، وَ الْغِنَى، وَ الْقَنَاعَةُ، وَ الْإِنْسِ الْمُوَافِقُ. (۲)

پنج چیز است که هر کس نداشته باشد، زندگی گوارایی نخواهد داشت: تندرستی، امتیّت، بی نیازی، قناعت و مونسى همدل. بنابراین، قناعت، گنج بی پایانی است که بی نیازی از دیگران، توان مندی در ملک و دارایی، زندگی گوارا و خوشی را به همراه دارد.

#### ۴. هم نشینی با نیازمندان و برآوردن نیاز آنان

مؤمنان ثروت مند وظیفه دارند نیاز فقیران و تهی دستان را برطرف سازند و این فرهنگ دینی و الهی را گسترش دهند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایاتی، با بیان ثواب هم نشینی با بینوایان، اصحاب و امت خویش را به این امر خدا پسندانه، تشویق کرده است چنان که می فرماید:

... الْقُرْبَةُ إِلَى اللَّهِ حُبُّ الْمَسَاكِينِ وَ الدُّنُوُّ مِنْهُمْ... (۳)

دوست داشتن بینوایان و نزدیک شدن به آنان وسیله نزدیکی به خداوند است.

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۴۷، ح ۱۳۷.

۲- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، قم، دار الأسوه، ۱۴۱۶ هـ. ق، چ ۲، ج ۷، ص ۳۷۴، باب القاف بعده النون.

۳- بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۳۱، باب ۵، ح ۷.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ... خَالَطَ أَهْلَ الدَّلَّةِ وَ الْمَسْكَنَةِ... (۱).

خوشا به حال کسی که با بیچارگان و مسکینان هم نشینی دارد.

هم چنین می فرماید:

...أَحَبُّ الْمَسَاكِينِ وَ أَكْثَرُ مُجَالَسَتِهِمْ... (۲).

بینوایان را دوست بدار و با ایشان بسیار هم نشینی کن.

امامان معصوم علیهم السلام نیز بر هم نشینی با فقیران و رفع نیازهای آنان، تأکید فراوانی داشته اند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِرْحَمِ الْفُقَرَاءَ لِقَلِّهِ صَبْرِهِمْ. (۳)

با فقیران به خاطر کم صبری شان، مهربانی کن.

ایشان در وصیت معروف و تاریخی خود فرموده است:

... اللَّهُ! اللَّهُ! فِي الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ، فَشَارِكُوهُمْ فِي مَعَايِشِكُمْ. (۴)

خدا! خدا! درباره فقیران و مستمندان. آنان را در مخارج زندگی با خود شریک سازید.

از ایشان روایت شده است:

أَلْقِ النَّاسَ عِنْدَ حَاجَتِهِمْ إِلَيْكَ بِالْبَشْرِ وَ التَّوَضُّعِ، فَإِنْ نَابَتْكَ نَائِبَةٌ

۱- أعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ هـ. ق، ص ۳۳۱، ح ۱.

۲- ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، دو جلد در یک جلد، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۱۵ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۴۰، باب ۴۴.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۵، ح ۷۲۹.

۴- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۱۶.

و حَالَتْ بِكَ حَالُ لَقِيَتِهِمْ وَقَدْ أُمِنْتَ ذَلَّةَ التَّنْصُلِ إِلَيْهِمْ وَ التَّوَضُّعِ. (۱)

هنگام نیاز مردم، با آنان به خوش رویی و فروتنی برخورد کن. پس اگر گرفتار مصیبتی شوی و حالت دگرگون شود و با آنان برخورد کنی، از خواری و فروتنی در امان خواهی بود.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

رَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ. (۲)

ترحم بر ضعیفان مایه نزول رحمت است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۱۴۲ نهج البلاغه فرموده است:

...فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ، وَلْيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ، وَلْيُفِكْ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِي، وَلْيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ، وَلْيُضَبِّرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحُقُوقِ وَالنَّوَائِبِ، ائْتِغَاءَ الثَّوَابِ، فَإِنَّ فَوْزًا بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفٌ مَكَارِمِ الدُّنْيَا، وَ دَرَكٌ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

پس هر کسی که خدا به او مالی داده است، وظیفه دارد به نزدیکان خود پردازد و مهمان نوازی کند و اسیر را آزاد کند و زجر دیده را با آن مال نوازش دهد و از آن مال به مستمند ببخشد و وام و امداران را پردازد و برای به دست آوردن شایستگی دریافت پاداش، خود را برای ادای حقوق و مقاومت در برابر مصیبت های بزرگ دنیا، به صبر و شکیبایی وادار کند؛ زیرا موفقیت در رسیدن به این خصلت ها، شرف کرامت های دنیا است و مایه دریافت فضایل سرای ابدی \_ اگر خدا بخواهد \_.

امام سجاد علیه السلام در اهمیت هم نشینی با فقیران می فرماید:

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ... (۳)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۶، ح ۸۵۶.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۴۲۲، فصل ۳۶، ح ۳۲.

۳- صحیفه سجادیه، دعای ۳۰.

خدایا هم نشینی با فقیران را محبوب من قرار ده.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ، وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ إِلَّا بِالتَّوَاضُّعِ... وَتَعَهُدِ الْجِيرَانَ، مِنَ الْفُقَرَاءِ وَذَوِي الْمَسْكِنَةِ، وَالْغَارِمِينَ، وَ  
الْأَيْتَامِ... (۱).

در شمار شیعیان ما نیست مگر کسی که از خدا بترسد و از خدا پیروی کند. شیعیان جز به فروتنی... و رسیدگی به همسایگان فقیر و تهی دست و وامداران و یتیمان شناخته نمی شوند.

امام صادق علیه السلام در نامه ای خطاب به شیعیان چنین می فرماید:

بر شما باد دوستی مسلمانان فقیر و تهی دست. هر کس آنان را کوچک شمارد و بر آن ها تکبر کند، از دین خدا منحرف گشته است و خدا او را تحقیر می کند و دشمن می دارد. پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم به من فرمان داد با مسلمانان فقیر دوستی کنم. بدانید هر کس یکی از مسلمانان را تحقیر کند، خداوند چنان بر او بیزاری و تحقیر خویش را فرو می بارد که همه مردمان سخت از او بیزار می شوند. بنابراین، درباره رعایت حق برادران مسلمان تهی دست، از خدا بترسید و بدانید که حق آنان بر شما آن است که دوستشان بدارید؛ زیرا خداوند متعال، پیامبرش را به دوستی آنان فرمان داده است. پس هر کس، کسانی را که خدا به دوست داشتن آنان دستور است، دوست نداشته باشد، نسبت به خدا و پیامبر خدا نافرمانی کرده است و هر کس چنین کند و بر این حال بمیرد هم چون گمراهان از دنیا رفته است. (۲).

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۳۸، ح ۲۸.

۲- «... وَ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَ تَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ، فَقَدْ زَلَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ، وَ اللَّهُ لَهُ حَافِرٌ مَاقِتٌ. وَ قَدْ قَالَ أَبُو نَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: «أَمَرَنِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ مِنْهُمْ». وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ حَقَّرَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَقْتَّ مِنْهُ وَ الْمَحَقَّرَةَ حَتَّى يَمُوتَهُ النَّاسُ أَشَدَّ مَقْتًا، فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينِ، فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ تُجِبُّوهُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِحُبِّهِمْ فَمَنْ لَمْ يُجِبْ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِحُبِّهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ، وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ مَاتَ عَلَى ذَلِكَ مَاتَ مِنَ الْغَاوِينَ». الفروع من الكافي، ج ۸، ص ۸، ح ۱.

مهم ترین نتیجه ای که از هم نشینی با تهی دستان می توان به دست آورد، دو چیز است:

۱. تمرین تواضع و تقویت احساس بشری در انسان و نفوذ آن در جان آدمی.

۲. آگاهی از وضعیت مستضعفان و به کار بستن اقدامی شایسته برای پیش گیری از کمبودها و رفع نیازمندی های آنان.

دوری جستن از فقیران سبب می شود آدمی از سختی ها، رنج ها، بدبختی ها، بیماری ها، درد و گرسنگی، کمبودها و دیگر نیازهای آنان بی خبر بماند و همین بی خبری ممکن است به پیدایش فاجعه ای انسانی و مفسد اجتماعی بیانجامد. به همین دلیل، آموزه های دینی، بر هم نشینی با فقیران و سرزدن به آنان و مراقبت حال آنان تأکید می کند تا مردم از احوال آنان آگاه گردند. بدین گونه است که می توانند به رفع نیازهای آنان برخیزند و با شریک کردن آنان در معیشت خود، آن چه را نیاز دارند، برآورده سازند.

## ۵. درست کاری و امانت داری

درست کاری و امانت داری، اعتماد متقابل را در جامعه ریشه دار می سازد و از ارزش اقتصادی نیز برخوردار است. انسان امانت دار در جامعه، جایگاه رفیعی دارد و مردم در کارهای خود با او مشورت می کنند و از مشارکت او بهره مند شوند.

نهادینه شدن این دو ویژگی در جامعه، حقوق مردم را از گزند دزدی، چپاول و دست درازی پاسداری می کند. در مقابل، خیانت، فساد مالی و

اختلاس که نشان دهنده بی تعهدی شخص در برابر جامعه است، نابسامانی اقتصادی و فقر و تهی دستی را در پی دارد. به همین دلیل رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ، وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. (۱)

امانت داری، روزی به دنبال دارد و خیانت، فقر و نداری به همراه می آورد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

أَدَاءُ الْأَمَانَةِ مِفْتَاحُ الرِّزْقِ. (۲)

امانت داری، کلید روزی است.

در فروع کافی نقل شده است: «مردی به نام سیّابه در کوفه می زیست که از دوست داران امام صادق علیه السلام بود. روزی خبر رسید که سیّابه از دنیا رفته است و چون فقیر بود، چیزی برای پسرش، عبدالرحمن به ارث نگذاشته. یکی از دوستان سیّابه نزد عبدالرحمن آمد و پس از احوال پرسی و تسلیت گفتن، هزار درهم به او قرض داد تا با آن کاسبی و تجارت کند. عبدالرحمن، پول را پذیرفت و به کاسبی پرداخت. پس از مدتی، کارش رونق گرفت، به گونه ای که مستطیع شد و تصمیم گرفت برای انجام مراسم حج به مکه برود. وی نزد مادرش رفت و تصمیم خود را با او در میان گذاشت. مادر از او خواست پیش از رفتن به مکه، پولی را که از دوست پدرش قرض گرفته است، بپردازد.

عبدالرحمن نزد دوست پدرش رفت و پس از ادای قرض خود، راهی مکه شد. پس از انجام مراسم حج نیز به مدینه رفت و به محضر امام صادق علیه السلام رسید. امام از حال پدرش پرسید. عبدالرحمن گفت: پدرم از دنیا رفته است. امام در حالی که غمگین شده بود، فرمود: خدایش رحمت کند. آن گاه فرمود:

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۹، ح ۷۸.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۸، ح ۶۵۰.

آیا مالی برای تو به ارث گذاشت؟ عبد الرحمن گفت: نه، چیزی به ارث نگذاشت. امام فرمود: پس با چه مالی به انجام حج توفیق یافتی؟ عبد الرحمن ماجرای قرض دادن دوست پدرش و تجارت و رونق کارش را شرح داد. هنوز سخنش تمام نشده بود که امام علیه السلام فرمود: آن هزار درهم قرض را چه کردی؟ آیا به صاحبش پس دادی؟

عبد الرحمن عرض کرد: آری، آن را پیش از سفر حج به صاحبش پس دادم. امام فرمود: آفرین بر تو که کار خوبی کردی. اینک آیا می خواهی به تو پندی بدهم؟ عبد الرحمن گفت: آری، جانم به فدایت. امام علیه السلام فرمود: بر تو باد به راست گویی و امانت داری؛ زیرا که در این صورت با اموال مردم این چنین شریک هستی.

[امام علیه السلام هنگام گفتن «هكذا» (این چنین) انگشتان دو دستش را میان هم جمع کرد؛ یعنی این گونه شریک مال مردم هستی.]

عبد الرحمن می گوید: من سخن امام صادق علیه السلام را دریافتم و پذیرفتم و به کار بستم. در نتیجه، از کار و کاسبی خود برکت بسیار بردم، به گونه ای که زکات اموال به سیصد هزار درهم رسید.<sup>(۱)</sup>

به راستی، اگر امانت داری در جامعه ما رعایت می شد و افراد جامعه به این امر مهم پای بندی نشان می دادند، بسیاری از نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی از جامعه رخت برمی بست. فلسفه اهمیت دادن اسلام به امانت داری آن است که اعتماد و اطمینان عمومی در جامعه حفظ شود؛ زیرا شیرازه جامعه ای که در آن اعتماد نیست، به زودی از هم می پاشد و اقتصاد آن نابود خواهد شد. به دنبال آن نیز ده ها حادثه تلخ و مفسد ویرانگر دیگر از جمله فقر و تهی دستی به سراغ انسان ها خواهد آمد و به طور کلی زندگی بر

۱- الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۱۳۴، باب أداء الأمانه، ح ۹.

مردم، تلخ خواهد شد. در مقابل، اگر اطمینان و اعتماد در جامعه حکم فرما باشد، نقش به سزایی در سالم سازی محیط خواهد داشت. بدین ترتیب، همه از حقوق خویش بهره مند می گردند و با برقراری زندگی سالم و تولیدی و گسترش روابط حسنه، فقر کاهش می یابد.

## ۶. پرهیز از گناه

گناه یکی از موانع بزرگ پیشرفت معنوی و مادی انسان و جامعه و عامل به بار آمدن گرفتاری ها و عقب ماندگی های بشر است. گناه افزون بر آلوده کردن جامعه به مفسد اخلاقی، از حرکت اقتصادی جلوگیری می کند و با ایجاد شکاف طبقاتی و ساختار ارباب و رعیتی، فقر و تهی دستی و در پی آن، دزدی، رشوه، اختلاس، خیانت، اسراف، تجاوز به حقوق دیگران و حق کشتی را گسترش می دهد. بدین ترتیب، بسیاری از افراد جامعه از رسیدن به حقوق مادی و معنوی خود محروم می شوند. به هر تقدیر، گناه از پیروی آدمی از خواهش های نفسانی برمی خیزد. بدین گونه، آدمی در برابر رهنمود عقل مقاومت می کند و در نتیجه، بخشی از قوای انسان از کار می افتد. همین مسأله، او را به ورطه سقوط می کشاند و نیرو و اموالش به هدر می رود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ بَدَّرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ. (۱)

هر کس تبذیر و اسراف کند، خداوند او را فقیر می گرداند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمُ الرَّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ. (۲)

انسان با گناهی که مرتکب می شود از روزی محروم می گردد.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱، کتاب العقود و الايقاعات، باب ۲، ح ۱۰.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۹، ح ۳۳.



و امام باقر علیه السلام نیز فرموده است:

إِنَّ الْعَبْدَ لِيُذْنِبَ الذَّنْبَ فَيَزِي عَنهُ الرِّزْقُ. (۱)

همانا (وقتی که) بنده گناه می کند روزی از او دور می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرِّزْقَ. (۲)

همانا گناه، بنده را از روزی محروم می سازد.

امام کاظم علیه السلام در این زمینه می فرماید:

الْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَالنِّفَاقَ. (۳)

خیانت و دروغ گویی، فقر و نفاق می آورد.

در روایت به نقل از امام رضا علیه السلام آمده است:

حُرِّمَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا لِعَلِّ كَثِيرَةٍ، مِنْ وُجُوهِ الْفُسَادِ. أَوْلُ ذَلِكَ: إِذَا أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِهِ... فَإِذَا أَكَلَ مَالَهُ فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ، وَصَيَّرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ... (۴)

خوردن مال یتیم به ستم، به علت های بسیاری حرام شده است؛ زیرا فسادهای گوناگون را در پی دارد. نخستین آن ها این است که چون مال یتیم را به ستم بخورد، به مرگ او کمک کرده است... پس چون مال او را بخورد، به این می ماند که او را کشته و به فقر و تهی دستی دچار ساخته است.

از مفهوم این روایات برمی آید که پرهیز از گناه، روزی را فراوان می کند و

۱- اصول کافی، ج ۳، باب گناه، ح ۸.

۲- اصول کافی، ج ۳، باب گناه، ح ۱۱.

۳- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۲۶، باب ۲۵، ح ۴.

۴- علل الشرایع، شیخ ابی جعفر صدوق، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ه. ق، چ ۱، ج ۲، باب ۲۳۲، ح ۱.

مایه افزایش برکت و نزول رحمت الهی است.

هرچند بعضی افراد با انجام گناهانی مانند: دزدی، اختلاس، خیانت و رشوه به نان و نوایی می رسند، ولی ثروت و قدرت، ماندگار نیست و به یقین، پس از مدتی از بین خواهد رفت. خداوند کسی را که مرتکب لغزشی شده است، با تنگی رزق و روزی، تنبیه می کند، ولی گناه کاران نافرمان را به حال خودشان وامی نهد و با سنت «استدراج» آنان را به عذاب خود دچار می سازد. به همین دلیل است که می بینیم بسیاری از گناه کاران از رزق فراوان و زندگی مرفه در دنیا برخوردارند.

## ب \_ راه های مادی

### اشاره

ب \_ راه های مادی

زیر فصل ها

۱. کار

۲. حسن تدبیر در زندگی

۳. میانه روی در هزینه ها

۴. اهمیت کار کشاورزی

۵. غنیمت شمردن فرصت ها

۶. پرداخت وجوهات (زکات و خمس)

## ۱. کار

### اشاره

۱. کار

کار، تکلیفی است که نظام طبیعت بر دوش انسان نهاده است. از نظر این قانون، کار وسیله ای است برای به فعلیت رساندن آثار پدیده های طبیعی و آماده سازی آن ها برای بهره برداری انسان. وی تنها با کار و تلاش می تواند مواد مورد نیاز خود را

از طبیعت به دست آورد و نیاز خود را برطرف سازد. البته این امر مختص انسان ها نیست، بلکه همه موجودات کوچک و بزرگ پیوسته در حرکت و تلاش اند تا برای خود آذوقه گردآورند و نیازهای طبیعی خود را با کار و کوشش و به دست آوردن غذا برطرف کنند.

### **ارزش و اهمیت کار در اسلام**

اسلام، کار و تلاش را مقدس می شمارد و آن را اساس عبادت می داند.

در این باب روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام درباره ارزش و اهمیت کار در آموزه های اسلام و نقش آن در فقرزدایی، وارد شده است.

آورده اند: «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جنگ تبوک به جوان نیرومندی برخورد کرد که چند شتر چاق و فربه را با خود می برد. بعضی یاران حضرت گفتند: یا رسول الله! اگر نیروی بدنی و سرمایه او در راه خدا مصرف می شد، برایش

بسیار بهتر بود. پیامبر صلی الله علیه و آله آن جوان را خواست و فرمود: با این شترها چه می کنی؟ گفت: من همسر و فرزند دارم. با این شتران کار می کنم تا نیازمند مردم نباشم و بتوانم بدهی خود را بپردازم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جز این کار دیگری هم داری؟ عرض کرد: خیر و به دنبال کار خود رفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر راست گفته باشی، پاداش او همانند پاداش کسانی است که مشغول جهادند و حج و عمره به جای می آورند» (۱).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ. (۲)

خداوند، بنده اهل کار و دارای حرفه و (صنعت و) امانتدار را دوست می دارد.

امام علی علیه السلام فرموده است:

...قَدْ تُكْفَلُ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَ أَمْرُكُمْ بِالْعَمَلِ فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلَبُهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ مَعَ أَنَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ اعْتَرَضَ الشُّكُّ وَ دَخَلَ الْيَقِينُ حَتَّى كَدَأَنَّ الَّذِي ضَمِنَ لَكُمْ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ وَ كَدَأَنَّ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْكُمْ قَدْ وُضِعَ عَنْكُمْ فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَ

۱- «إِنَّهُ مَرَّ فِي غَزْوِهِ تَبُوكَ بِشَابِّ جَلْدٍ يَسُوقُ أَبْعَرَةَ سِمَانًا، فَقَالَ لَهُ أَصِيحَابُهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ كَانَتْ قُوَّةُ هَذَا وَ جَلْدُهُ وَ سِمَانُ أَبْعَرَتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَكَانَ أَحْسَنَ، فَدَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ: أَرَأَيْتَ أَبْعَرَتَكَ هَذِهِ، أَيُّ شَيْءٍ تَعَالَيْجُ عَلَيْهَا؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، لِي زَوْجَةٌ وَ عِيَالٌ، فَأَنَا أَكْسِبُ عَلَيْهَا مَا أَنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِي وَ أَكْفُهُمْ عَنْ مَسْأَلَةِ النَّاسِ، وَ أَقْضِي دَيْنًا عَلَيَّ، فَقَالَ: لَعَلَّ غَيْرَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لَا، فَلَمَّا أَنْصَرَفَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: لَيْتَنِي كَانَ صَادِقًا إِنَّ لَهُ لَأَرَا مِثْلَ أَجْرِ الْغَازِي وَ أَجْرِ الْحَاجِّ وَ أَجْرِ الْمُعْتَمِرِ» دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴، فصل ۱، ح ۷.

۲- وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۴، كتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱، ح ۶.

خَافُوا بَعْتَهُ الْأَجَلَ ... (۱).

خداوند روزی هایتان را ضمانت کرده (خداوند رزق و روزی همه موجودات از جمله انسان را به عهده گرفته است که از راه های معمول و غیرمعمول به آن ها می رساند) و شما را به کار دستور داده است. پس نباید در طلب آن چه تضمین شده، نسبت به آن چه بر شما واجب است، بیشتر بکوشید. به خدا سوگند! آن چنان نادانی و شک و یقین به هم آمیخته است که گویی آن چه تضمین شده، بر شما فرض است و آن چه واجب گردیده، از شما برداشته شده است. پس به کار و تلاش بپردازید و از فرا رسیدن ناگهانی مرگ بترسید.

در روایتی از ایشان آمده است:

إِذَا فَعَلْتَ كُلَّ شَيْءٍ فَعَنْ كَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا. (۲)

در انجام دادن هر کاری هم چون کسی باش که کاری نکرده است.

مِمَّا عُدُّوهُ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمٍ مِنْ عُدُّوتِهِ يَطْلُبُ لَوْلَاهِ مَا يُصِلُهُمْ (وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:): أَلَشَّاحِصُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۳)

ثواب کار شما برای جهاد در راه خداوند، از ثواب کار کسی که هر روز صبح برای طلب روزی حلال حرکت می کند و برای رفع نیاز امور خانواده خود می کوشد، بالاتر نیست. (آن گاه فرمود): تلاش در طلب روزی حلال همانند جهاد در راه خداست.

۱- نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۱۴.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۸، ح ۱۹.

۳- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵، فصل ۱، ح ۹.

## پی آمدهای مادی کار

کار و تلاش در فقرزدایی نقش اساسی دارد که روایات یاد شده این مسأله را تأیید می‌کند؛ زیرا ارزش کار از نظر اسلام در درجه اول به فراهم آوردن مخارج زندگی و پیش‌گیری از فقر و نداری بستگی دارد. در این باره روایات فراوانی وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَخَذَ حَبْلًا فَيَأْتِي بِحَزْمِهِ حَطْبٍ عَلَى ظَهْرِهِ، فَيَبِيعُهَا فَيَكْفِي بِهَا وَجْهَهُ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ. (۱)

اگر مردی ریشمانی برگردد و پشته‌هیزمی جمع کند و آن را بر پشت خود نهاده، بیاورد و بفروشد و این‌گونه (با هیزم‌کشی) آبروی خود را نگاه دارد، بهتر از آن است که دست‌گدایی پیش کسی دراز کند.

هم‌چنین ایشان فرموده است:

إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُخْرِجْ، وَلَا يَغْمَ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ. (۲)

اگر کسی از شما گرفتار تنگ‌دستی شد، باید دنبال کار برود و خود و خانواده‌اش را گرفتار غم و اندوه (فقر) نسازد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

تُعْرَضُوا لِلتَّجَارَةِ، فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (۳)

به انواع داد و ستد (و کسب و کار) پردازید؛ زیرا از این راه، از مال و منال مردم بی‌نیاز می‌شوید.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۱۰، کتاب الزکاه، أبواب الصدقه، باب ۳۲، ح ۱۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲، کتاب التجاره، باب ۴، ح ۱۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱، ح ۱۱.

... خُلِقَ لَهُ الْحَبُّ لِطَعَامِهِ وَ كَلَّفَ طَحْنَهُ وَ عَجْنَهُ وَ خُبْزَهُ، وَ خُلِقَ لَهُ الْوَبْرُ لِكَسْبِهِ وَ تِهِ، فَكَلَّفَ نَدْفَهُ وَ غَزْلَهُ وَ نَسِجَهُ، وَ خُلِقَ لَهُ الشَّجَرُ فَكَلَّفَ غَرَسَهَا وَ الْقِيَامَ عَلَيْهَا... وَ تَرَكَ عَلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِّنَ الْأَشْيَاءِ مَوْضِعَ عَمَلٍ وَ حَرَكَةً لِّمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الصَّلَاحِ... (۱).

دانه برای خوراک آدمی پدید آمد و آسیاب کردن و خمیر کردن و نان پختن، تکلیف انسان گشت. پشم برای انسان آفریده شد و باز کردن و رشتن و بافتن، وظیفه او گردید. درخت پدید آمد و کاشتن و نگهداری آن بر عهده انسان قرار گرفت و در هر پدیده ای از پدیده ها، جایی برای کار و تلاش آدمی باقی گذاشته شد؛ زیرا اصلاح حال مردم (و برآوردن نیازهای زندگی و رفع فقر و تهی دستی) در همین کار و تلاش است.

ابوعماره طیار می گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مالم از دست رفته و هر چه داشته ام، نابود شده است و نان خور فراوانی دارم. فرمود: چون به کوفه آمدی، در دکان را باز کن و بساطت را بگستر و ترازویت را بر جای خود بگذار و منتظر رسیدن رزق پروردگارت باش.

او به کوفه وارد شد، در دکان خود را باز کرد و بساطت کاسبی چید و ترازو بر جای خود نهاد... . کسانی که پیرامون او بودند، چون دیدند هیچ متاعی ندارد و چیزی برای عرضه کردن در اختیار او نیست، شگفت زده شدند... پس مردی نزد او آمد و گفت: جامه ای برای من بخر. آن را برای او خرید و پولش را گرفت و بدین سان پولی به دستش آمد. سپس مشتری دیگری آمد و گفت: برای من جامه ای بخر! در بازار به جست و جوی جامه پرداخت. آن را خرید، آورد و بهایش را گرفت... و همین گونه به خرید و فروش پرداخت تا

ثروت مند شد». (۱)

امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ. (۲)

کسی که در پی کسب و کار باشد، از مردم بی نیاز می شود.

«مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: از من بر نمی آید که با دست خود کار کنم، هم چنین نمی توانم به کسب و بازرگانی بپردازم و مردی بدبخت و نیازمندم. امام فرمود: کار کن و برای این و آن بر سر خود بار ببر و خود را از مردم بی نیاز ساز». (۳)

از این روایات به دست می آید که کار باعث حفظ آبرو و شخصیت انسان، رفع گرفتاری و غم و غصه از زندگی، بی نیازی از مال و منال مردم، اصلاح حال مردم، رفع نیاز جامعه، پیشرفت اقتصادی، رفع وابستگی، ثروت مندی و... است.

۱- «عَنْ أَبِي عَمَارَةَ الطَّيَّارِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي قَدِ ذَهَبَ مَالِي وَ تَفَرَّقَ مَا فِي يَدِي وَ عِيَالِي كَثِيرٌ. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَدِمْتَ الْكُوفَةَ فَافْتَحْ بَابَ حَانُوتِكَ وَابْسُطْ بِسَاطِعَكَ وَضِعْ مِيزَانَكَ وَ تَعَرَّضْ لِرِزْقِ رَبِّكَ. فَلَمَّا أَنْ قَدِمَ الْكُوفَةَ فَتِيحَ بَابَ حَانُوتِهِ وَبَسَطَ بِسَاطِعِهِ وَوَضَعَ مِيزَانَهُ، قَالَ: فَتَعَجَّبَ مَنْ حَوْلَهُ بِأَنْ لَيْسَ فِي بَيْتِهِ قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ مِنَ الْمَتَاعِ وَ لَا عِنْدَهُ شَيْءٌ. قَالَ: فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: اشْتَرِي لِي ثُوبًا. قَالَ: فَاشْتَرِي لَهُ وَ أَخَذَ ثَمَنَهُ وَ صَارَ الثَّمَنُ إِلَيْهِ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرُ فَقَالَ لَهُ: اشْتَرِي لِي ثُوبًا. قَالَ: فَطَلَبَ لَهُ فِي السُّوقِ ثُمَّ اشْتَرِي لَهُ ثُوبًا فَأَخَذَ ثَمَنَهُ فَصَارَ فِي يَدِهِ... فَجَعَلَ يَشْتَرِي وَ يَبِيعُ حَتَّى أَثْرَى...» الفروع من الكافي، ج ۵، صص ۳۰۴ \_ ۳۰۵، باب النوادر، ح ۳.

۲- وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۴، كتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱، ح ۸.

۳- «إِنَّ رَجُلًا أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنِّي لَا أَحْسِنُ أَنْ أَعْمَلَ عَمَلًا يَبِيدِي، وَ لَا أَحْسِنُ أَنْ أَتَجَرَ، وَ أَنَا مُحَارِفٌ مُحْتَاجٌ، فَقَالَ: ائْتِنِي بِرَأْسِكَ، وَ اسْتَعْنِ عَنِ النَّاسِ». همان، ص ۲۲، باب ۹، ح ۵.



## پی آمدهای معنوی کار

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ، ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا. (۱)

هر کس از دسترنج خود بخورد، خدا به او نظر رحمت می افکند دیگر او را عذاب نمی کند.

هم چنین این سخنان از آن حضرت روایت شده است:

مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ نَوَابِ الْأَنْبِيَاءِ. (۲)

کسی که از دسترنج (حلال) خود بهره گیرد، در روز قیامت در صف پیامبران قرار می گیرد و مانند پیامبران به او پاداش داده خواهد شد.

مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ. (۳)

هر کس از دسترنج خود بخورد، مثل برق از پل صراط خواهد گذشت.

مَنْ بَاتَ كَالْأَمْرِ مِنَ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ. (۴)

کسی که شب را صبح کند، در حالی که از کسب حلال خسته شده باشد، گناهانش آمرزیده است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می فرماید:

الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۵)

اجر کسی که برای برآوردن مخارج زندگی خانواده خود کار می کند، مانند

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، باب ۱، ح ۴۰.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، باب ۱، ح ۴۱.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، باب ۱، ح ۳۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، ح ۱۶.

۵- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۳، کتاب العقود والایقاعات، باب ۱۹، ح ۴۹.

کسی است که در راه خدا جهاد می کند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْنَاءً عَنِ النَّاسِ وَ تَعَطُّفًا عَلَى الْجَارِ لَقِيَ اللَّهَ - وَ وَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ. (۱)

کسی که در پی روزی حلال برود تا از مردم بی نیاز گردد و به همسایگان خود هم کمک کند، خداوند را در حالی دیدار خواهد کرد که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد.

### پی آمدهای مادی و معنوی کار

#### اشاره

بر اساس مجموع روایات معصومین علیهم السلام درباره کار کردن و با استناد به واقعیت های موجود اجتماع، پی آمدهای مادی و معنوی فراوانی را برای کار می توان مطرح کرد.

#### ۱. بدنی

کار به افزایش نیروی جمعی انسان، استواری بدن، پیچیدگی ماهیچه ها و آشکار شدن امکانات تجربی او می انجامد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ يَعْمَلْ يَزِدْ قُوَّةً، (۲) مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدْ فِتْرَةً. (۳)

هر کس کار کند، نیرویش افزون تر می شود و هر که در کار کردن سستی ورزد، رخوت او افزایش می یابد.

در پرتو این نگرش، دست کشیدن از کار و کم کاری به رخوت و سستی بدن خواهد انجامید. برعکس، پرکاری سبب می شود نیروهای آدمی و توانایی های جسمی او از مرحله قوت به مرحله فعلیت برسد و آشکار شود.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۸، کتاب العقود والایقاعات، باب ۱، ح ۳۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه. ش. از یک جلدی، ص ۱۵۳، ح ۲۸۰۲.

۳- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد آمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه. ش. از یک جلدی، ص ۱۵۸، ح ۳۰۰۸.

به دیگر سخن، به همان اندازه که شخصی به خوراک نیاز دارد، به کار نیز نیازمند است و ارزش کار برای بدن آدمی هم چون آب برای گیاه به شمار می رود.

## ۲. روحی

تأثیر کار به جنبه های جسمانی و بدنی منحصر نیست، بلکه پی آمدهای روحی و معنوی دراز مدتی دارد. کار، روح آدمی را تصفیه می کند، باطن انسان را جلا می دهد و مایه تقویت روحیه و ایجاد نشاط و شادابی است. افزون بر آن، کار، روان آدمی را می سازد و هستی معنوی وی را استحکام می بخشد. در مقابل، بی کاری به افسردگی می انجامد و مایه عذاب روح و روان آدمی است.

## ۳. حیاتی

انسان در زندگی خویش، به طور قهری نیازمند کار و عمل است و حتی باید گفت زندگی به کار و فعالیت، وابسته است. بنابراین، کار یک ضرورت حیاتی و حقیقتی است که دوام زندگی به آن بستگی دارد.

## ۴. تربیتی

کار، پی آمدهای مثبتی نیز برای انسان پدید می آورد که به گسترش افق های وجودی انسان و تجربه های او می انجامد. آری، انسان با پرداختن به کار تهذیب پیدا می کند و نیروهای ادراکی او در میدان کوشش عملی افزایش می یابد، همان گونه که نیروهای ادراکی وی در میدان اندیشه و دانش چنین می شود.

## ۵. علمی

کار، آموزشگاه شناخت و تجربه است و چیزهایی را به انسان می آموزد که پیش تر هیچ گونه شناختی از آن نداشته است و چیزهایی را کشف می کند که پیش از آن برای وی پوشیده بوده است. انسان با کار و فعالیت بر آفاق تسلط پیدا می کند. بدین گونه، اسرار پیچیده جهان آفرینش برای انسان آشکار

می گردد که چه بسا بدون پرداختن به کار، اکتشاف آن ها ناممکن است.

بنابراین، علم و تجربه که از راه کار و کوشش پدید می آید و پی آمدهای عجیب آن در سیر تکاملی بشر، امری انکارناپذیر است.

## ۶. اخلاقی

کار در تقویت و تهذیب خلق و خوی انسان نیز مؤثر است؛ زیرا انسان را از بی مبالاتی دور نگاه می دارد و از مفاسد فراغت و پرداختن به لهو و لعب و زیان های اخلاقی آن محافظت می کند. بدین گونه استعداد های اخلاقی او شکوفا می شود و نفس آگاه به مسؤولیت وی که برای انجام دادن آن تلاش می کند، مهذب می گردد. زیان های اخلاقی بی کاری آشکار است، چنان که امام صادق علیه السلام به آن چنین اشاره فرموده است:

... وَ كَانَ النَّاسُ أَيْضًا يَصِيرُونَ بِالْفَرَاغِ إِلَى غَايَةِ الْأَشْرِ وَالْبَطْرِ حَتَّى يَكْثُرَ الْفَسَادُ وَيُظْهِرَ الْفَوَاحِشَ ... (۱)

(اگر کار نمی بود و ضرورت نمی داشت) آدمی با فراغتی (بی کاری) که برایشان پیش می آمد، به ناسپاسی و سرمستی گرفتار می شد و تباهی و زشت کاری، همه جا را فرا می گرفت.

## ۷. اجتماعی

کار یک ضرورت اجتماعی است که نمی توان از کنار آن بی اعتنا گذشت. بنابر ضرورت زندگی اجتماعی، واجب است هر یک از افراد جامعه انسانی به کاری پردازند و با دیگر مردمان در برآوردن نیازمندی های مردم \_ که خود نیز یکی از آنان است \_ شریک شود. هر فرد باید با کار و تولید، چهره زندگی خود را دگرگون سازد و با تولید خویش به اجتماع سود رساند، چنان که خود نیز از کار و تولید دیگران سود می برد. پس او هم تولید کننده است و هم مصرف

۱- توحید مفضل، مفضل بن عمر جعفری کوفی، قم، مکتبه الداوری، ۱۹۶۹ م، ص ۱۱۹.

کننده و همواره در حال داد و ستد با مردم است. بدین گونه از رکود و سکون بیرون می آید و به حرکت و فعّالیت روی آورد.

چنین انسانی، بار خود را بر دوش دیگران نمی گذارد و از مردمان جدا نمی ماند، بلکه در پیش راندن چرخ زندگی اجتماعی با ایشان شریک خواهد شد. چنین فردی از احساس امید سرشار است و به آینده با خوش بینی می نگرد و از چنگال نومیدی، بیهودگی، تکرار ملال انگیز و دیگر پی آمدهای منفی بی کاری، رهایی می یابد. این همان چیزی است که امام صادق علیه السلام درباره آن می فرماید:

و هكذا الإنسان لو خلا من الشُّغل، لَخَرَجَ مِنَ الْأَشْرِ وَالْعَبَثِ وَالْبَطْرِ إِلَى مَا يَعْظُمُ ضَرْهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى مَنْ قَرَّبَ مِنْهُ؛ وَ اعْتَبِرْ ذَلِكَ بِمَنْ نَشَأَ فِي الْجِدَّةِ وَ رَفَاهِيهِ الْعَيْشِ وَ التَّرَفِّهِ وَ الْكَفَايَةِ، وَ مَا يُخْرِجُهُ ذَلِكَ إِلَيْهِ. (۱)

بدین گونه اگر انسان از پرداختن به کاری آسوده باشد (و زندگی او بدون کار تأمین شود)، از ناسپاسی و سرمستی به جایی می رسد که زیان آن برای او و نزدیکان بس بزرگ خواهد بود. مثلاً به کسی بنگرید که در وفور دارایی و ناز و نعمت و رفاه زدگی و دسترسی داشتن به همه چیز بزرگ شده است و سرانجام کارش به کجا کشیده است.

## ۸. محیطی و خانوادگی

یکی از مهم ترین پی آمدهای مثبت کار کردن، سر فرود آوردن نفس انسان در برابر تکالیف خویش است. در نتیجه، به کار کردن برمی خیزد و از آن شانه تهی نمی کند. در چنین حالتی، فرد برای خویش و خانواده اش، شخصیتی سودمند است و در اجتماع نیز از احترام و اعتبار برخوردار خواهد بود.

بدین ترتیب، فرد با برآوردن نیازمندی های خانواده خود و دیگران، نداری و خواری و پستی و حقارت را از شخصیت خویش دور نگاه می دارد. بنابراین، از رضای خداوند متعال، احترام خانواده و مردم، اعتماد به نفس، حیثیت خانوادگی و آرامش وجدان برخوردار می شود.

## ۹. اقتصادی

اقتصاد؛ یعنی تصرف در طبیعت و هر چیزی که در آن هست و این به دست نمی آید جز با کار؛ چون اقتصاد بدون کار و تلاش معنا ندارد. پس کار برای برآوردن نیازهای زندگی، امری ضروری و واجب است و به همین دلیل، خداوند نیروی کار کردن را در نهاد آدمی قرار داده است. به تعبیر امام سجاد علیه السلام:

رَكَبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَ أَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ. (۱)

در (بیکر) ما ابزار گشادن و گرفتن قرار داد و ما را از نیروهای حیاتی بهره مند ساخت و به ما اندام هایی (دست و پا) برای کار کردن داد.

آری، خداوند طبع آدمیان را مشتاق تلاش و کوشش آفرید و فکری بخشید که آنان را به سوی کار و عمل هدایت کند. هم چنین زمین و آن چه را در آن است، به گونه ای فراهم آورد که پرداختن به کار در آن برای آدمی میسر باشد. پس انسان نمی تواند برای رها کردن کار، عذری داشته باشد و بار خویشتن را بر دوش دیگران نهد.

اسلام، هر کس را که بار خویش را بر دوش دیگران گذارد، لعنت کرده و او را سربار اقتصاد اجتماعی و اموال عمومی شمرده است که از دسترنج دیگران تغذیه می کند. خداوند هر کس را موظف ساخته است به کار و پیشه ای

۱- صحیفه سجادیه، ص ۳۶ دعای ۱.

پپردازد و در کار خود کوشا، جدی، متعهد، امین و درستکار باشد تا چرخ زندگی بشری از راه تعاون و همکاری بچرخد و هر کس از ثمره کار خویش برخوردار شود.

### ۱۰. تشریحی

دین مبین اسلام با برشمردن فلسفه و پی آمدهای مثبت کار، توجه به عوامل وادارنده به کار را لازم شمرده و تأثیرپذیری از عوامل بازدارنده از کار را رد کرده است.

یکی از مهم ترین پیام های اسلام برای ایجاد انگیزه پرداختن به کار این است که دعای آدم بی کار مستجاب نمی شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ... وَ رَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَ يَقُولُ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي وَ لَا يَخْرُجُ وَ لَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ... (۱)

دسته هایی از امت من دعایشان مستجاب نمی شود... و یکی از آن ها مردی است که در خانه اش می نشیند و می گوید: پروردگارا! روزی مرا برسان، در حالی که از خانه خود بیرون نمی آید و دنبال به دست آوردن روزی نمی رود.

### ۱۱. فرهنگی

فرهنگ عبارت است از «اندیشه و کار و کار و اندیشه». بنابراین، هیچ فرهنگ پخته ای بدون کار وجود ندارد، همان گونه که هیچ فرهنگی بدون اندیشه پدید نمی آید. به راستی، کدام قوم در جهان توانسته اند بدون کار و کوشش و تحمل رنج و سختی به فرهنگی بلند مرتبه دست یابند؟

بی گمان اگر افراد ملتی \_ هر کس در رشته خویش \_ اهل کار و کوشش باشند و وظیفه ای را که برعهده دارند، به خوبی و با تعهد انجام دهند، از

---

۱- الفروع من الکافی، شیخ ابی جعفر بن یعقوب الكلینی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، نوبت چهارم، ۱۳۶۵ ه. ش، ج ۵، ص ۶۷، کتاب المعیشه، ح ۱.

هر گونه بیهودگی، مهمل بافی و تنبلی دوری خواهند جست و به رشد فرهنگی دست خواهند یافت. در مقابل، اگر آگاهی و تعهد در میان قوم و ملتی رسوخ نکند و بی کاری، بیهوده گذرانی و فروگذاری کار از سوی افراد به آسانی صورت بگیرد، چنین ملتی به جایی نخواهد رسید.

## ۱۲. سیاسی

اشتغال به کار از نظر سیاسی نیز بسیار با اهمیت است. یک جامعه متعهد و امانت دار می تواند با تحمل رنج ها و محنت ها، تحولی بزرگ در جامعه پدید آورد و با کار و تلاش خود بر سرمایه ملی کشور بیافزاید. افزون بر آن، در امور اقتصادی، صنعتی، نظامی و نشر فرهنگ و... می تواند به تکنولوژی پیشرفته و روزآمد دست یابد و بدین وسیله با از بین بردن فقر و وابستگی، کشور به یک قطب اقتصادی تبدیل می شود. با چنین وضعی می توان اجتماع را ساخت و وضع سیاسی جامعه را به ویژه در نظر بیگانگان بهبود بخشید. در نتیجه، ملت می تواند با کار و تلاش، استقلال خود و کشورش را حفظ کند و در جهان به نامی نیک و موقعیتی به دور از تزلزل دست یابد.

## ۱۳. دفاعی

بی شک، همه می دانند که حفظ و دفاع از کیان اسلام و وطن، از عهده قومی بی کار، سرگردان و بی اراده بر نمی آید. استواری در دفاع از سرزمین و دین و آبرو و اموال تنها از اراده راسخ و بازوهای پرورده از کار و تلاش برمی آید و بس. از این رو، موفقیت در عرصه دفاع به دو عامل بستگی دارد:

۱. نیروهای دفاعی: وجود نیروی انسانی برای دفاع و بهره گیری آنان از ابزارهای دقیق دفاعی یکی از ضرورت های انکارناپذیر است که این ضرورت، جز با کار و تولید، به ویژه فعالیت مداوم و فنی در کارخانه های «صنایع نظامی» فراهم نخواهد آمد.

۲. استقلال اقتصادی: بر خورداری اجتماع از بنیه نیرومند اقتصادی، عاملی



است که جامعه را در برابر هجوم دشمن حفظ می کند. استقلال اقتصادی که از مهم ترین توانایی های یک کشور به شمار می رود جز با کار و تلاش درست و تولید پیشرفته و پایدار در میدان های گوناگون اقتصادی، امکان پذیر نیست.

#### ۱۴. هنری

هنر در تکامل زندگی مادی و معنوی، فردی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بشر، نقش مهمی دارد. آثار هنری تنها در پرتو کار و تلاش پدیدار می شود. هنر، جوهر کار است، چنان که کار، کلید هنر است. هیچ هنرمندی بدون کار شبانه روزی نمی تواند هنر خود را به کمال برساند. پس کار امری است که ناگزیر در همه مظاهر زندگی انسانی، دخالت دارد.

#### ۱۵. پیشرفتی

پیشرفت جامعه به کار منظم و جدی وابسته است. انگیزه ای که به تکامل زندگی آدمی می انجامد و زندگی او را از دیگر جانوران متمایز می سازد، همان اندیشه جولانگری است که خداوند متعال به وی ارزانی داشته است. البته در کنار این اندیشه، دست کارآفرین، حضور دارد. انسان می تواند با برقراری پیوند محکمی میان کار دستی و کار فکری، این دو ابزار طبیعت را مسخر خویش سازد.

بدین ترتیب، انسان نخست می اندیشد، سپس به کار برمی خیزد و به اندیشه خود، جامه عمل می پوشاند و به خواسته خود که به خدمت گرفتن طبیعت و قوانین آن است، می رسد. اختراع و اکتشاف های بشری نیز که سبب پیدایش تمدن های بزرگ جهانی شده؛ ره آورد کار و تلاش انسانی است.

#### ۱۶. صنعتی

آشکار است که کار، رکن اساسی ارکان صنایع بشری است. انواع صنعت ها، از دورترین زمان های تاریخی تاکنون، به مدد کار اندیشمندان، کارگران و سازندگان گوناگون پدید آمده است. برای درک اهمیت کار در صنایع و نقش اساسی آن در زندگی و جامعه انسانی، کافی است به کارگاه ها و

کارخانه های بزرگ و کوچک در نواحی گوناگون جهان نگاهی بیافکنیم. به یقین، خواهیم دید که کارکنان آن ها در پیشرفت صنعت جامعه، چه نقشی بر عهده داشته و دارند.

## ۱۷. رفاهی

برخورداری هر ملت از امکانات رفاهی در پرتو کار و کوشش و تجربه های عملی کارورزان صنعتی پدید آمده است.

انسان بی کار و بی هنر چگونه می تواند رفاه فردی و عمومی را برای خود، خانواده یا جامعه فراهم سازد؟ (۱)

## ۲. حسن تدبیر در زندگی

### ۲. حسن تدبیر در زندگی

لازم است هر انسانی با اندیشه و تدبیر، برنامه ریزی مناسبی را در زندگی فردی و اجتماعی خود اجرا کند؛ زیرا در یک نگاه، فقر زائیده، مدیریت ناکارآمد و متعادل نبودن درآمد و مصرف است. در این زمینه، روایات فراوانی وارد شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا وَحْدَهُ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ وَلَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ... (۲)

هیچ مالی پر درآمدتر از عقل، هیچ تنهایی وحشتناک تر از خودبینی و هیچ تدبیری هم چون عاقبت اندیشی نیست.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

حُسْنُ التَّدْبِيرِ يُنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ، وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يُفْنِي كَثِيرَهُ. (۳)

۱- نک: الحياه، ج ۵، صص ۴۴۵ \_ ۴۵۶.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۱۱۳.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۷۷، فصل ۲۷، ح ۳۰.

برنامه ریزی درست (اقتصادی) مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست، مال فراوان را نابود می کند.

هم چنین از ایشان نقل شده است:

أَيُّهَا النَّاسُ لَا خَيْرَ فِي دُنْيَا لَا تَدْبِيرَ فِيهَا. (۱)

ای مردم! دنیایی که تدبیری در آن نباشد، خیری ندارد.

التَّدْبِيرُ نِصْفُ الْمُعُونَةِ. (۲)

تدبیر (در امور معاش) نیمی از یاری رساندن به زندگی است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخن دیگری می فرماید:

لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُرْمُ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَمَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ. وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَهُ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَهُ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (۳)

انسان مؤمن، ساعت های زندگی خود را به سه بخش تقسیم می کند: قسمتی را به مناجات با پروردگارش می پردازد. بخش دیگری را برای اصلاح زندگی به کار می گیرد و بخش سوم آن برای بهره گیری از لذت های حلال و دل پسند است. درست نیست که حرکت خردمند جز در یکی از این سه زمینه باشد: اصلاح امور زندگی یا در راه آخرت یا در لذت حلال.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۷، کتاب الایمان والکفر، باب ۵۷، ح ۳۴.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۲، فصل ۱، ح ۶۱۶.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۳۹۰.

### مِنَ الدِّينِ التَّدْبِيرُ فِي المَعِيشَةِ (۱)

از (جمله وظایف) دین داری، تدبیر (عاقبت اندیشی، نظم و برنامه ریزی) در زندگی است.

از این روایت به دست می آید که تعقل، تدبّر و عاقبت اندیشی، سبب سود فراوان، خیر و برکت، افزایش اموال و موفقیت در امور مادی و معنوی است.

### ۳. میانه روی در هزینه ها

۳. میانه روی در هزینه ها

بی تردید، میانه روی در زندگی یکی از عوامل مهم در کاهش فقر و نیاز مستمندان است؛ زیرا با محاسبه درآمد و خرج معقول و پیش گیری از ریختن پاش های ناپسند و انتخاب وسایل زندگی براساس امکانات موجود، می توان نیازهای خود را به درستی برطرف کرد. در این باره، روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام وارد شده است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَمَا عَالَ امْرُؤٌ فِي اِقْتِصَادٍ (۲)

هیچ کس با میانه روی گرفتار فقر نشده است.

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در جای دیگر می فرماید:

التَّقْدِيرُ نِصْفُ المَعِيشَةِ (۳)

اندازه نگاه داشتن، نیمی از زندگی کردن است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- الامالی، شیخ ابی جعفر محمد بن حسن الطوسی، قم، دارالثقافه للنشر، ۱۴۱۴ هـ . ق، ص ۶۷۰، مجلس ۳۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۰، باب ۱۹، ح ۱.

۳- کنزالفوائد، ابوالفتح کراجکی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ هـ . ق، ج ۲، ص ۱۹۰، فصل مآورد فی ذکر النصف.

الإِقْتِصَادُ يُنْمِي الْقَلِيلَ، (۱) الإِسْرَافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ. (۲)

میانہ روی، کم را زیاد می کند و اسراف فراوان را نابود می گرداند.

آن حضرت در روایت دیگر فرموده است:

لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اقْتَصَدَ. (۳)

هر کس (در مخارج زندگی) میانہ روی کند، هرگز تباہ نمی شود.

هم چنین از ایشان روایت شده است:

مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ. (۴)

کسی که در خرج کردن، میانہ روی کند هرگز نیازمند نخواهد شد.

و نیز می فرماید:

مَنْ صَحِبَ الإِقْتِصَادَ دَامَتْ صُحْبُهُ الْغِنَى لَهُ، وَ جَبَرَ الإِقْتِصَادُ فَقْرَهُ وَ خَلَّلَهُ. (۵)

هر کس در مخارج زندگی، میانہ رو باشد، همواره بی نیازی همراه او است و میانہ روی، فقر و پریشانی او را جبران خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ. (۶)

من ضمانت می کنم که هر کس در خرج کردن میانہ روی کند، فقیر نشود.

همین جمله از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است. (۷)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۴، باب ۱۹، ح ۱۳.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، فصل ۱، ح ۸۱۱۸.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۵۹۲، فصل ۷۲، ح ۴۴.

۴- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۱۴۰.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، فصل ۷۷، ح ۱۴۶۳.

٦- الفروع من الكافي، ج ٤، ص ٥٣، باب فضل القصد، ح ٦.

٧- الخصال، ج ١، باب ١، ح ٢٧.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

مَنْ أَقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ زَوَّقَهُ اللَّهُ... (۱).

هر کس در زندگی خود، میانه روی و صرفه جویی کند، خدا روزی او را می رساند....

نتیجه سخن این که میانه روی در مخارج زندگی، پی آمدهای زیر را به همراه دارد:

الف \_ رفع گرفتاری فقیران؛

ب \_ نابودی اسراف؛

ج \_ پیش گیری از تباهی زندگی؛

د \_ جبران فقر و پریشانی؛

ه \_ جلوگیری از گرفتار شدن به فقر؛

ز \_ برکت و افزایش روزی.

#### ۴. اهمیت کار کشاورزی

۴. اهمیت کار کشاورزی

کشاورزی در فقرزدایی اهمیت خاصی دارد؛ زیرا اساسی ترین نیاز انسان ها (مواد غذایی) با کشت و کار به دست می آید. این کار یکی از پسندیده ترین کارها و عامل مهمی برای از بین بردن فقر و نداری است. به همین دلیل، اسلام با توجه خاص به آن، مردم را به کشاورزی تشویق کرده است. روایات فراوانی نیز از معصومین علیهم السلام درباره اهمیت کشاورزی نقل شده است که به چند نمونه بسنده می کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

... مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ

طَيْرٌ بِهِمَّةٌ، إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. (۱)

هیچ مسلمانی نیست که درختی را در زمین بنشانند یا زراعتی را کشت کند و انسان یا پرنده یا چرنده ای از آن بخورد جز این که برای او صدقه شمرده می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایت دیگری می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ أَمَرَهُ أَنْ يَحْرُثَ... (۲)

چون حضرت آدم علیه السلام به زمین هبوط کرد، خداوند به ایشان دستور داد که کشاورزی کند.

این روایت نشان می دهد که نخستین وسیله ارتزاق انسان، کشاورزی است.

امام علی علیه السلام با اشاره به اهمیت کشاورزی می فرماید:

مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ أَبْعَدَهُ اللَّهُ. (۳)

نفرین خدا بر کسی که آب و خاک در اختیار دارد و نیروی خود را برای بهره برداری از آن به کار نمی بندد و روزگار خود را با فقر و گدایی می گذراند.

امام در این روایت، یکی از راه های مبارزه با فقر و شکوفایی اقتصادی را بهره برداری از امکاناتی دانسته است که در اختیار داریم و زمینه رشد و فعالیت اقتصادی را برای ما ایجاد می کند.

امام سجاد علیه السلام فرمود:

خَيْرُ الْأَعْمَالِ زَرْعٌ يَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ... (۴)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰، باب استحباب الغرس و شراء العقار، باب ۹، ح ۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۶، کتاب المزارعه و المساقاه، باب ۴، ح ۲.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۶۵، باب ۱۰، ح ۱۰.

۴- سفینه البحار، الشیخ عباس القمی، قم، دارالاسوه، الطبعة الثانية، ۱۴۱۶ هـ. ش، ج ۳، ص ۴۶۴، باب الزای بعده الراء.



بهترین و نیکوترین کارها کشاورزی است که نیکوکاران و بدکاران از آن ارتزاق می کنند.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

إِزْرَعُوا، فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَأَطْيَبَ مِنْهُ... (۱).

کشاورزی کنید و درخت بکارید. به خدا سوگند! مردمان هیچ کاری حلال تر و پاکیزه تر از این ندارند.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا، إِلَّا إِدْرِيسَ فَإِنَّهُ كَانَ خَيْطًا. (۲)

پدر میان کارها چیزی نزد خداوند محبوب تر از کشاورزی نیست. خدا هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که کشاورز بود، جز ادریس که خیاط بود.

از آن حضرت نقل شده است:

الْكِيمَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرْعُ. (۳)

کشاورزی، کیمیایی بزرگ است.

در روایت دیگری می خوانیم

الزَّارِعُونَ كُنُوزَ الْأَنْامِ، يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مَعَزَّوَجَلَّ، وَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ مَقَامًا، وَأَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً، يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ. (۴)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۳، کتاب المزارعه و المساقاه، باب ۳، ح ۱.

۲- سفینه البحار، ج ۳، ص ۴۶۴.

۳- وسائل الشیعه، باب ۳، ح ۸.

۴- وسائل الشیعه، باب ۳، ح ۷.

کشاورزان، گنج های آفرینش اند. چیزی پاکیزه می کارند و خداوند بزرگ، آن را از زمین برمی آورد. آنان در روز قیامت بهترین مقام را دارند و در نزدیک ترین جایگاه قرار می گیرند که مبارکین (فرخندگان و برکت داران) خوانده می شوند.

از این روایات چنین برمی آید:

۱. کشاورزی، برطرف کننده فقر و عامل مهم در به دست آوردن روزی است.

۲. کشاورزی، نخستین کاری است که خداوند به بشر دستور داد تا برای رفاه زندگی و به دست آوردن روزی به آن متوسل شود.

۳. کشاورزی؛ حلال ترین، پاکیزه ترین و محبوب ترین کار نزد پروردگار متعال است.

۴. کشاورزی، کار پیامبران است.

۵. کشاورزی، کیمیای بزرگ و گنج آفرینش است.

گفتنی است کارهایی مانند دامداری، بازرگانی، صنعت گری، دریانوردی و صیادی نیز از جمله کارهای بسیار ارزشمند و مورد تأکید اسلام است که در فقرزدایی نقش بسیار مهمی دارند. هر چند در روایات تصریح نشده است که این کارها، فقر و نداری را از بین می برند؛ ولی ماهیت و فلسفه این کارها برای همین است و عامل مهمی در مبارزه با فقر و گسترش مال و دارایی است و نیازی به تصریح ندارد.

## **۵. غنیمت شمردن فرصت ها**

۵. غنیمت شمردن فرصت ها

زندگی انسان، مجموعه ای از فرصت ها است که هر کس آن را غنیمت نشمارد و از آن بهره نبرد، دچار مشکل می شود؛ زیرا از دست دادن یک فرصت ممکن است خسارت جبران ناپذیری به بار آورد که تا آخر عمر نتوان برای آن درمانی جست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ. (۱)

درباره عمر بخیل تر از پول و ثروت خود باش.

و نیز می فرماید:

إِغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ! حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ، وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ فِرَاعَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَ غِنَاءَكَ قَبْلَ فَقْرِكَ. (۲)

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار: زندگی را پیش از مرگ، سلامتی را پیش از بیماری، فراغت را پیش از اشتغال به کار، جوانی را پیش از پیری و بی نیازی را پیش از فقر و نداری.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ. (۳)

فرصت ها هم چون ابرها می گذرند. بنابراین، فرصت های نیک را غنیمت بشمارید.

ایشان در روایت دیگر می فرماید:

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. (۴)

از دست دادن فرصت، غصه است.

یا می فرماید:

أَشَدُّ الْغُصَصِ فَوْتُ الْفُرْصِ. (۵)

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۸، باب ۴، ح ۲.

۲- کنز العمال، ج ۱۵، ح ۴۳۴۹۰.

۳- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۲۱.

۴- نهج البلاغه دشتی، کلمات قصار ۱۱۸.

۵- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۹۸، فصل ۸، ح ۳۹۱.

سخت ترین غصه ها، از دست دادن فرصت ها است.

نیز می فرماید:

بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَةً. (۱)

فرصت را غنیمت شمار پیش از آن که غصه ای گلوگیر شود.

این دو روایت نیز از ایشان است:

تَزَوَّدْ مِنْ يَوْمِكَ لِغَدِكَ، وَ اغْنِمِ عَفْوَ الزَّمَانِ، وَ انْتَهِزْ فُرْصَةَ الْإِمْكَانِ. (۲)

از امروزت برای فردا توشه برگیر و گذشت زمان را غنیمت شمار و از فرصت و امکان استفاده کن.

إِنَّ أَوْقَاتَكَ أَجْزَاءُ عُمُرِكَ، فَلَا تَتَفَدَّلَكَ وَقْتًا إِلَّا فِيمَا يُنْجِيكَ. (۳)

همانا وقت های تو جزء جزء عمر تو است. پس بکوش که وقت و زمانی از تو تلف نشود جز در مواردی که موجب نجاتت شود.

چه بسا فرصت هایی برای انسان فقیر پیش می آید، ولی او از آن استفاده نمی کند، گو این که فرصتی پیش نیامده است. در نتیجه، هم چنان در فقر و نداری باقی می ماند. هم چنین چه بسیارند فقیرانی که با استفاده بهینه از فرصت های به دست آمده و بهره برداری به هنگام، از زندگی خوبی برخوردار شده و از فقر و تنگ دستی به ثروت و توانگری رسیده اند.

## ۶. پرداخت وجوهات (زکات و خمس)

۶. پرداخت وجوهات (زکات و خمس)

پرداختن خمس و زکات یکی از راه هایی است که با آن می توان جامعه

۱- نهج البلاغه دشتی، نامه ۳۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۴۹، فصل ۳، ح ۲۷۲۳.

۳- غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۵۹، فصل ۵، ح ۳۰۲۵.

انسانی را از فقر و فلاکت نجات داد. اصولاً فلسفه پرداخت خمس و زکات، بر آوردن نیاز فقیران و زدودن فقر و تنگ دستی از چهره جامعه اسلامی است آیات و روایات فراوانی نیز بر این امر تأکید کرده است و برای نمونه، خداوند متعال در قرآن شریف می فرماید:

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ. (۱)

زکات مخصوص فقیران و مسکینان و کارکنانی است که برای آن کار می کنند و کسانی که باید برای جلب محبت شان اقدام شود و برای (آزادی) بردگان و بدهکاران و در راه خدا و واماندگان در راه. این یک واجب الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

خداوند در آیه دیگر می فرماید:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ مَعَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (۲)

و بدانید هر گونه غنیمتی به شما رسد، خمس آن برای خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است. اگر شما به خدا و آن چه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل و روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان؛ یعنی روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده اید و خداوند بر هر چیز توانا است.

۱- توبه، ۶۰.

۲- انفال، ۴۱.

روایات فراوانی نیز در این باره وارد شده است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام درباره فلسفه وجوب زکات می فرماید:

إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ إِحْتِيَاءً لِلْأَغْيَاءِ وَمَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا زَكْوَةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَلَا سَيِّئَةً تَغْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اجْتَأَوْا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْيَاءِ... (۱)

همانا زکات برای آزمایش ثروت مندان و کمک به فقیران مقرر شده است. اگر مردم زکات اموال شان را می پرداختند، فقیر و نیازمندی باقی نمی ماند و به وسیله آن چه خداوند برای او واجب کرده است، بی نیاز می شد. همانا مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نمی شوند مگر به دلیل گناه توانگران و ثروت مندان.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است:

إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ... (۲)

همانا زکات برای تأمین روزی فقیران و فراوانی آن مقدر شده است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با اشاره به آثار زکات می فرماید:

سُوسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ، وَادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالذُّعَاءِ. (۳)

ایمانتان را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگهدارید و امواج بلا را با دعا دور سازید.

- ۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴، کتاب الزکاه، ابواب ما تجب فيه الزکاه و ما تستحب فيه، باب ۱، ح ۶.
- ۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴، کتاب الزکاه، ابواب ما تجب فيه الزکاه و ما تستحب فيه، باب ۱، ح ۴.
- ۳- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۱۴۶.

ایشان در روایت دیگری می فرماید:

فَرَضَ اللَّهُ... الزَّكَاةَ تَشْبِيهَا لِلرِّزْقِ. (۱)

خداوند، زکات را برای رسیدن روزی واجب کرد.

از این آیات و روایات برمی آید که فلسفه وجوب خمس و زکات، زدودن فقر از جامعه و رسیدگی به امور فقران، مستمندان، و مسکینان جامعه اسلامی است. از این رو، برای بیان اهمیت مسأله در بعضی روایات، آثاری نیز برای پرداخت زکات مطرح شده است. از جمله آن که پرداخت زکات مایه حفظ ایمان، بیمه اموال و دفع بلا است.

---

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۸۶ ح ۲۴۹.

## وظایف اجتماعی در مبارزه با فقر

### اشاره

وظایف اجتماعی در مبارزه با فقر

اسلام افزون بر این که به خاستگاه های فردی فقر توجه دارد و آن ها را به خوبی تبیین کرده است، به خاستگاه های اجتماعی فقر نیز توجه دارد و آن ها را آشکار می سازد تا مردم با شناخت آن ها بتوانند برای فقرزدایی از جامعه بکوشند. بر اساس سخنان ائمه معصومین علیهم السلام، مهم ترین وظایف اجتماعی مردم برای مبارزه با فقر عبارت است از: تعاون و همیاری اجتماعی، پرداخت قرض الحسنه و نظارت بر کار دولت.

### ۱. تعاون و همیاری اجتماعی

#### اشاره

۱. تعاون و همیاری اجتماعی

فطرت انسان ها بر زندگی اجتماعی سرشته شده است و آنان بدون زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری یکدیگر نمی توانند آن گونه که بایسته است، به زندگی خود ادامه دهند. اسلام نیز زندگی اجتماعی را بر اساس اصل تعاون و همکاری پایه گذاری کرده و با استفاده از ارزش هایی مانند: ایثار و بذل و بخشش در جامعه، استواری بنیان های آن را فراهم آورده است.

دین اسلام بسیاری از احکام اقتصادی خود را بر اساس ارزش های مبتنی بر تعاون برپا کرده است که اگر آن ارزش ها نبود، قوانین اقتصادی در اجرا با مشکل روبه رو می شد. از میان این موارد به مسابقات، مزارعه، مضاربه و



شرکت می توان اشاره کرد که مبتنی بر همکاری و مشارکت دو جانبه است. در مشارکت، سرمایه و کار و سود و زیان حاصل از آن متوجه هر دو طرف خواهد بود. اسلام در پرتو نهادینه کردن این روحیه اجتماعی، مسؤولیت های سنگینی را برای به حرکت در آوردن چرخ های اقتصادی بر عهده جامعه می گذارد. (۱) آیات و روایات متعدد همواره مسلمانان را به امر تعاون و همکاری برای رشد اقتصادی و از بین بردن غبار فقر از جامعه، تشویق می کنند که اینک به آن ها می پردازیم:

## الف \_ آیات

خداوند فرموده است:

...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ - إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (۲)

در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری نکنید و از خدا پرهیزید که مجازاتش شدید است.

هم چنین در قرآن آمده است:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. (۳)

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند. خداوند به شما اندرز می دهد شاید پند گیرید.

۱- نک: اندیشه اقتصادی در نهج البلاغه، ص ۱۲۸.

۲- مائده، ۲.

۳- نحل، ۹۰.

خداوند در جای دیگری می فرماید:

لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصِدْقِهِ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. (۱)

در بسیاری از سخنان درگوشی (و جلسه های محرمانه) آنان خیر و سودی نیست مگر کسی که (به این وسیله) به یاری دیگران یا کار نیک یا اصلاح مردم اقدام کند و هر کس برای خشنودی خدا چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

## ب \_ روایات

### اشاره

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بر هر مسلمانی لازم است صدقه بدهد. گفتند: اگر نداشته باشد، چه کند؟ فرمود: باید کار کند و بدین وسیله به خودش سود برساند و صدقه دهد. گفتند: اگر قدرت بر کار نداشته باشد، چه کند؟ فرمود: باید نیازمند و فقیر غم دیده ای را یاری کند. گفتند: اگر آن کار را نکرد، چه کند؟ فرمود: به کار خیر فراخواند. گفتند: اگر این کار را انجام نداد، چه کند؟ فرمود: خود را از شر نگهدارد و این برای او، صدقه است. (۲)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

لَا تَدْعُ اللَّهُ أَنْ يُغْنِيكَ عَنِ النَّاسِ فَإِنَّ حَاجَاتِ النَّاسِ بَعْضُهُمْ إِلَى

۱- نساء، ۱۱۴.

۲- «عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ صِدْقَةٌ: قَالَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَجِدْهُ بِيَدِهِ فَيَنْفَعْ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ. قَالَ: أَفَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَسِدِّ تَطْعُ؟ قَالَ فَيُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفِ، قَالَ أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: يَا أُمَّرُ بِالْخَيْرِ قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْ؟ قَالَ: يُمْسِكُكَ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهُ لَهُ صِدْقَةٌ». میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۲۵، ح ۱۰۳۸۵.

بعض متصله کاتصال الأعضاء، فمتی یستغنی المرء عن یده أو رجلیه ولكن ادع الله أن یغنیک عن شرارهم. (۱)

از خداوند مخواه که تو را از مردم بی نیاز کند؛ زیرا انسان ها هم چون اعضای بدن به یکدیگر وابسته اند. چه وقت انسان از دستش یا پایش بی نیاز می شود؟ از خداوند بخواه که تو را نیازمند مردمان شرور نسازد.

بر اساس این سخن، همه به یکدیگر نیازمندند و نمی توان از آن ها دوری گزید. بنابراین، هر چه خواسته های انسان متنوع تر باشد، نیازش به افراد جامعه بیشتر خواهد بود.

از این روایت برمی آید که مسلمان نباید منتظر درخواست کمک کسی بماند. بلکه باید همواره در پی آن باشد که به دیگران کمک کند.

هم چنین آن حضرت می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ. (۲)

خداوند سبحان، روزی فقیران را در اموال توانگران مقرر داشته است. پس هیچ فقیری گرسنه نماند، مگر آن که توانگری، حق او را باز داشته است و خدای تعالی، توانگران را بدین سبب باز خواست می کند.

بنابراین، وجود فقیر و محروم در یک جامعه دلیل بر جنایت ثروت مندان آن جامعه است.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۲، ح ۶۹۵.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۳۲۸.

در روایت دیگری از ایشان آمده است:

أَنْعَمُ النَّاسِ عَيْشًا مَنْ عَاشَ فِي عَيْشِهِ غَيْرُهُ. (۱)

بخشنده ترین مردمان کسی است که دیگران از نعمت او بهره مند شوند.

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به حارث همدانی چنین می فرماید:

... وَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ... (۲)

همانا بهترین مؤمنان، کسانی هستند که جان و مال خود را پیشاپیش در راه خدا تقدیم کنند... .

گفته اند: «گروهی به محضر امام باقر علیه السلام رسیدند. حضرت با اشاره به ویژگی های یک شیعه، از آنان پرسید: آیا ثروت مندان تان به فقیران رسیدگی می کنند؟ آیا افراد سالم از بیماران عیادت می کنند؟ آیا افراد ضعیف تان را می شناسید؟ آیا به دیدار یکدیگر می روید؟ آیا نسبت به همدیگر مهربان هستید؟ آیا یکدیگر را نصیحت می کنید؟ آنان پاسخ دادند: از این مطالب و سخنان در میان ما خبری نیست و کسی این چنین رفتار نمی کند. حضرت فرمود: اگر این چنین نیستند، ارزشی ندارند.» (۳)

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۰۰، ح ۴۳۲.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۶۹.

۳- «عَنْ جَابِرٍ قَالَ: إِنَّ أُنَاسًا أَتَوْا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلُوهُمَ عَنِ الشَّيْعَةِ هَلْ يَعُودُ عَيْبُهُمْ عَلَى فَقِيرِهِمْ؟ وَ هَلْ يَعُودُ صَحِيحُهُمْ عَلَى مَرِيضِهِمْ؟ وَ هَلْ يَعْرِفُونَ ضَعْفَهُمْ؟ وَ هَلْ يَتَزَاوَرُونَ؟ وَ هَلْ يَتَحَابُّونَ؟ وَ هَلْ يَتَنَاصِحُونَ؟ فَقَالَ الْقَوْمُ: وَ مَا هُمْ الْيَوْمَ كَذَلِكَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ هُمْ بِشَيْءٍ حَتَّى يَكُونُوا كَذَلِكَ». مستدرک الوسائل، ج ۸، صص ۳۰۹ - ۳۱۰، أبواب احكام العشره في السفر و الحضر، باب ۱، ح ۲ ۹۵۲۰.

سماعه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قومی پرسیدم که ثروت زیاد دارند، ولی برادران دینی شان به کمک آنان نیازمند هستند. آن حضرت فرمود:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَحْرُمُهُ فَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِيهِ وَالتَّوَاصُلُ وَالتَّعَاوُنُ عَلَيْهِ وَالمُؤَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْعَطْفُ مِنْكُمْ تَكُونُونَ عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهِمْ رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ مُتْرَاحِمِينَ. (۱)

مسلمانان با همدیگر برادرند؛ مسلمان نه به برادر خود ستم می کند و نه او را خوار می سازد و نه از حقوقش محروم می کند. پس مسلمان باید برای برادر مسلمان خویش به تلاش برخیزد، با او پیوند برقرار کند و به یاری او بشتابد. هم چنین با نیازمندان و فقیران همدردی کند و به آن ها مهربانی ورزد. اگر این چنین باشید، موافق دستور خدا رفتار کرده اید و نسبت به یکدیگر رحمت به خرج داده اید.

### پی آمدهای مادی و معنوی تعاون و همیاری

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْخُضْرِ (وَقَالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ): لَا يَزَالُ فِي ضَمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَيْهِ سَأْلُكَ. (۲)

هر کس، مؤمنی را بپوشاند، خداوند لباس های سبز (بهشتی) به او می پوشاند. (در حدیث دیگر می فرماید:) تا زمانی که نخی از آن لباس باقی است، در ضمانت پروردگار است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹۷، باب ۳۷، ح ۱.

۲- اصول کافی، ج ۳، باب مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا، ح ۴.

در روایتی دیگر آمده است:

لَا نَأْمُرُ أَهْلَ بَيْتِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَشْبَعَ جُوعَتَهُمْ وَأَكْسُو عَوْرَتَهُمْ وَأَكْفَ وُجُوهُهُمْ عَنِ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَجِجَ حِجَّهَ وَحِجَّهَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى عَشْرِ وَعَشْرٍ وَ مِثْلَهَا وَ مِثْلَهَا حَتَّى انْتَهَى إِلَى السَّبْعِينَ. (۱)

اگر خانواده ای از مسلمانان را سرپرستی کنم و گرسنگی آنان را رفع سازم و برهنگی شان را بپوشانم و آنان را از مردم بی نیاز کنم، نزد من محبوب تر است از این که حجی به جای آورم و حجی دیگر و حجی دیگر تا به ده حج برسد و همین گونه حج به جای آورم تا به هفتاد حج برسد.

### پی آمدهای یاری رساندن به دیگران

امام باقر علیه السلام در اهمیت کمک رسانی به فقیران و هم دردی با آنان و پی آمدهای یاری رساندن به دیگران می فرماید:

مَنْ بَخَلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ وَالْقِيَامَ لَهُ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا ابْتَلَى بِمَعُونَةِ مَنْ يَأْتِيهِمْ وَلَا يُوجِرُهُ. (۲)

هرکس از یاری رساندن به برادر مسلمان خویش کوتاهی ورزد و برای برطرف ساختن نیاز او اقدامی نکند، خداوند او را به یاری گناه کار گرفتار می سازد که برای این کار به او پاداش نمی رسد.

آن حضرت در روایت دیگری می فرماید:

مَنْ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتِاجَ مُؤْمِنٍ إِلَى سُكْنَاهَا فَمَنْعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا مَلَأْتُكَ بِأَبْخَلٍ عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنِي الدَّارِ الدُّنْيَا وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا. (۳)

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۹، کتاب الزکاه، أبواب الصدقه، باب ۲، ح ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹۷، باب ۳۷، ح ۲.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۳.

کسی که خانه ای داشته باشد و مؤمنی به سکونت در آن نیاز داشته باشد، ولی آن را در اختیار او نگذارد، خداوند عزوجل می فرماید: ای فرشتگانم! یکی از بندگان با سکونت در خانه دنیا، بر بنده دیگرم بخل ورزید. به عزت و جلالم سوگند! هرگز در بهشت من ساکن نخواهد شد.

با عنایت به این حدیث شریف، می توان تصور کرد اگر این گونه آموزه های نورانی در ژرفای جان افراد جامعه نفوذ کند، دیگر مشکل مسکن، معمای بی پاسخ نخواهد بود. در این صورت، آیا می توان پنداشت که عده ای هم چنان در خانه های وسیع، ساکن باشند و برخی دیگر به دلیل نداشتن مسکن، رنجور باشند؟

امام صادق علیه السلام فرموده است:

هر مؤمن که نیاز مؤمنی را پاسخ نگوید، در حالی که می تواند به وسیله خود یا دیگری، نیاز او را رفع کند، خداوند در روز قیامت چنین کسی را با صورت سیاه و چشمان بهت زده و دست بسته به گردن محشور خواهد کرد. آن گاه می فرماید: این همان کسی است که به خدا و رسول او خیانت کرده است و دستور می دهد او را به جهنم ببرند. (۱)

خلاصه سخن این که کمک به فقیران و هم دردی با آنان در حفظ نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی و ایجاد فضای تفاهم و فقرزدایی، بسیار اساسی و ضروری است.

---

۱- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ غَيْرِهِ، أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَجْهَهُ مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ، مَعْلُوقَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ - وَرَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ». بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۴، باب ۵۸، ح ۴.

چکیده روایات بالا به این شرح است:

۱. انسان ها هم چون اعضای بدن به یکدیگر وابسته اند. بنابراین، رسیدگی به نیازمندان جامعه همانند مداوا کردن اعضای آسیب دیده، لازم و ضروری است.
۲. بر هر مسلمانی لازم است به نیازمندان جامعه یاری رساند و با آنان همدردی کند و منتظر درخواست آنان نماند.
۳. توانگران و ثروت مندان جامعه باید بدانند که فقیران در اموال آنان شریکند. بنابراین، باید حقوق آنان را پردازند؛ زیرا خداوند، توانگران را بدین جهت بازخواست خواهد کرد.
۴. بخشنده ترین مردم کسی است که دیگران از نعمت او بهره مند شوند.
۵. بهترین مؤمن کسی است که جان و مال خود را پیشاپیش در راه خدا تقدیم بدارد و کمک به فقیران، تقدیم مال در راه خداست.
۶. هر کس، مؤمن فقیری را بپوشاند، خداوند در روز رستاخیز به او لباس بهشتی می پوشاند و تا زمانی که نخی از آن لباس باقی است، در ضمانت پروردگار قرار دارد.
۷. کمک به فقیران و برآوردن نیاز آنان از به جا آوردن هفتاد حج بهتر است.
۸. هر کس از یاری رساندن به برادر دینی خود کوتاهی ورزد، به یاری گناه کار مبتلا می شود که برای او هیچ گونه پاداشی ندارد.
۹. خداوند کسانی را که می توانند به نیازمندان جامعه یاری برسانند، ولی از کمک کردن به آنان سربیزی می کنند، از بهشت محروم می دارد. خداوند در روز قیامت چنین کسی را با چهره ای سیاه و چشمان بهت زده و دست به گردن بسته، محشور خواهد کرد.



## ۲. پرداخت قرض الحسنه

### اشاره

#### ۲. پرداخت قرض الحسنه

ایجاد تعاونی و پرداخت قرض الحسنه از جمله وظایف اجتماعی در مبارزه با فقر است که دین مقدس اسلام با تکیه بر معنویات و ایمان مردم برای رفع نیازهای یکدیگر، وام بدون بهره (قرض الحسنه) را مطرح و بر گسترش آن، تأکید فراوان کرده است. این کار می تواند تا حدود زیادی برای رفع مشکلات اقتصادی افراد جامعه، کارساز باشد.

آیات و روایات فراوانی درباره اهمیت مسأله قرض الحسنه وارد شده است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

### الف \_ آیات

#### الف \_ آیات

خداوند می فرماید:

... وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا كُفْرَٓنَ عَنْكُم مَّيِّتَاتِكُمْ وَأَلْذَخِلْنٰكُمْ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. (۱)

اگر نماز به پا دارید و زکات بدهید و به رسولانم ایمان بیاورید و آنان را یاری کنید و قرض الحسنه به خدا بدهید، گناهان شما را می زدایم و شما را در باغ هایی از بهشت وارد می کنم که از زیر درختانش نهرها جاری است.

خداوند در قرآن می فرماید:

... وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا. (۲)

و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و به خداوند قرض الحسنه دهید.

۱- مائده، ۱۲.

۲- مزمل، ۲۰.

هم چنین در قرآن آمده است:

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ. (۱)

اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما چند برابر می سازد و شما را می بخشد. خداوند، تشکر کننده و بردبار است.

## ب \_ روایات

ب \_ روایات

رسول خدا علیه السلام فرمود:

مَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزَنْ جَبَلٍ أَحْمَدٍ مِنْ جِبَالِ رَضْوَى وَطُورِ سَيْنَاءَ حَسَنَاتٍ، وَإِنْ رَفِقَ بِهِ فِي طَلْبِهِ، تَعَدَّى بِهِ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ. (۲)

کسی که به برادر مسلمانش قرض بدهد، به اندازه هر درهمی که به او می دهد، به بزرگی کوه احد از کوه های رضوی و طور سینا، به او پاداش هایی می رسد و اگر در گرفتن طلب خود، با آن مؤمن مدارا و رفاقت کند، همانند برق خیره کننده و درخشان بدون حساب از روی پل صراط می گذرد.

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا قَرْضًا يَنْتَظِرُ بِهِ مَيْسُورَهُ كَانَ مَالَهُ فِي زَكَاةٍ، وَكَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُؤَدِّيَهُ. (۳)

کسی که به مؤمنی قرض بدهد تا مدتی که او توان ادای آن را داشته باشد، مال او به عنوان زکات است (و ثواب زکات را دارد) و قرض دهنده تا هنگام ادای قرض، در پرتو درود فرشتگان قرار دارد.

۱- تغابن، ۱۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۸، کتاب التجاره، أبواب الدین و القرض، باب ۶، ح ۵۵.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۸، کتاب التجاره، أبواب الدین و القرض، باب ۶، ح ۳.

در برخی روایات به آنان که توان دادن قرض الحسنه به نیازمندان را دارند، ولی به عمد آن را ترک می کنند، هشدار داده شده است که به مجازات های سخت دچار خواهند شد. از جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری فرمود:

وَمَنْ شَكَأَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمَ فَلَمْ يُقْرِضْهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. (۱)

کسی که برادر مؤمنش بر اثر ناداری به او شکایت کند و او به آن برادر دینی قرض الحسنه ندهد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند.

نیز از آن حضرت روایت است:

مَنْ أَحْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ قَرْضٌ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ. (۲)

کسی که برادر مسلمانش بر اثر تهی دستی به قرض نیاز دارد و او با داشتن توانایی قرض دادن، قرض ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند.

در برخی روایات درباره مهلت دادن به بدهکار مستضعف و رعایت حال چنین فردی، سفارش فراوان شده است چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ بِمِثْلِ مَا لَهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَسْتَوْفَى حَقَّهُ. (۳)

کسی که بدهکار تهی دستی را مهلت دهد، خدا هر روز به اندازه آن قرض، پاداش صدقه به او می دهد تا آن هنگام که بدهکار، طلبش را پرداخت کند.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ أَقْرَضَ مُسْلِمًا قَرْضًا حَسَنًا يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۸، ح ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۸، کتاب العقود و الایقات، باب ۳۱، ح ۱.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۸، کتاب العقود و الایقات، باب ۳۴، ح ۲.

اللَّهُ لَهُ أَجْرُهَا كَحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَيْهِ. (۱)

هر مسلمانی که برای رضای خدا به مسلمانی قرض الحسنه بدهد، خداوند پاداش آن را مانند پاداش صدقه دادن حساب می کند تا هنگامی که آن قرض به او باز گردد.

هر چند در این آیات و روایات به طور صریح بیان نشده است که پرداخت قرض الحسنه سبب فقرزدایی از جامعه می شود، ولی ماهیت این کار به گونه ای است که به خودی خود در رفع نیاز مستمندان تأثیر بسزایی دارد. به همین دلیل، آیات و روایات، این کار را امری بسیار مبارک و دارای آثار مادی و معنوی فراوان دانسته اند.

### ۳. نظارت بر کار دولت

۳. نظارت بر کار دولت

از نظر اسلام، همان گونه که دولت در برابر ملت مسؤول است، مردم نیز بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر در مقابل دولت اسلامی مسؤول اند و بر یکایک افراد جامعه لازم است که هوشیارانه بر کارهای دولت نظارت کنند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه های نهج البلاغه به این امر اشاره کرده و حقوق متقابل مردم و زمام دار را بر شمرده است. برای نمونه، در خطبه ۲۱۶ بر اهمیت حفظ حقوق طرفین اشاره می کند و می فرماید:

فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بَوْلَايَةِ أَمْرِكُمْ، وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَأُصْفِ، وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ ... .

خداوند برای من، به دلیل سرپرستی امورتان، حقی بر گردن شما قرار داده و در مقابل، برای شما همانند آن حقی بر گردن من گذاشته است. بنابراین، دایره حق در مرحله سخن از هر چیز گسترده تر است، ولی هنگام عمل، کم وسعت ترین دایره هاست.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۷، کتاب التجاره، ابواب الدین و القرض، باب ۶، ح ۲.

ایشان درباره حق می فرماید:

أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَةِ، وَحَقُّ الرَّعِيَةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ، فَجَعَلَهَا نِظَامًا لِأَلْفَتِهِمْ، وَ عِزًّا لِدِينِهِمْ... (۱).

بزرگ ترین تکلیفی که خداوند سبحان در زمینه حقوق مقرر کرده، حق زمام دار بر ملت و حق ملت بر زمام دار است. این حقوق متقابل، اساس نظام اجتماعی و پیوند دهنده رابطه دولت و ملت و مایه عزت و عظمت دین آن هاست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره حقوق رهبر جامعه اسلامی در برابر ملت می فرماید:

وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ... النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْغَيْبِ... (۲).

خیرخواهی درباره زمام دار در حضور و غیاب (او از وظایف مردم است).

این حق از اهمیت بسزایی برخوردار است و براساس این بیان شریف، مردم وظیفه دارند هنگامی که سیاست ها و برنامه های دولت به گسترش فقر و از بین بردن تعادل جامعه می انجامد، به دولت هشدار دهند. یک جامعه انسانی تنها هنگامی می تواند از زندگی منطقی برخوردار باشد که مردم آن به کارهای دولت انتقاد کنند و در برابر سرنوشت خود، رفتاری صادقانه و خیرخواهانه داشته باشند.

امام علیه السلام در کلام دیگری با تبیین رابطه دولت و مردم، هرگونه رابطه ستایش گرانه میان مردم و حاکم جامعه را باطل و نادرست می شمارد:

من از شما می خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستایید تا بتوانم از عهده

۱- نهج البلاغه دشتی، خطبه ۲۱۶.

۲- نهج البلاغه دشتی، خطبه ۳۴.

وظایفی برآیم که نسبت به خدا و شما دارم و حقوقی را که مانده است، بپردازم و واجباتی را که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم. پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می گوید، حرف نزنید و چنان که از آدم های خشمگین کناره می گیرند، دوری نجوید و با ظاهرسازی، با من رفتار نکنید و گمان نکنید اگر حتی پیشنهادی به من دهید، بر من گران می آید یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه کردن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. بنابراین، از گفتن حق یا مشورت در زمینه عدالت خودداری نکنید. (۱)

بر اساس این سخن نورانی، امام علی علیه السلام حاکمان هواپرست، جاه طلب و خودکامه، رابطه ستایش گری میان خود و مردم را تبلیغ و به مردم تلقین می کنند تا بی تدبیری و بی لیاقتی خود را پوشانند. از میان رفتن حقوق ضعیفان، پنهان ماندن انحراف ها و نابسامانی های دولت مردان، نفوذ چاپلوسان و منافقان در اطراف طبقه حاکم و کنار رفتن دانایان، آگاهان و آزادگان، پی آمد گسترش چنین رابطه ای است.

انسان های دلسوز بر ضعف ها، نادانی ها، اسراف ها و حیف و میل های دولت، انگشت می گذارند و با آشکار کردن کاستی ها و نابسامانی ها، برای اصلاح این امور و تنبیه دولت مردان، زبان به نقد و انتقاد می گشایند. در مقابل، چاپلوسان چند چهره، زبان به ستایش های دروغین می گشایند و با پوشیده نگاه داشتن کژی ها و کاستی ها، بی ثباتی ساختار اجتماعی و سقوط آن را

---

۱- «فَلَا تُشْنُوا عَلَيَّ بِجَمِيلِ ثَنَاءٍ، لِإِخْرَاجِي نَفْسِي إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنَ التَّقِيهِ فِي حُقُوقٍ لَمْ أَفْرُغْ مِنْ آدَائِهَا، وَفَرَائِضَ لَا بُدَّ مِنْ إِمْضَائِهَا. فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَلَا تَحْفَظُوا مِنِّي بِمَا يَتَحَفَّظُ بِهِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَادِرَةِ وَلَا تُخَالِطُونِي بِالْمُصَانَعَةِ، وَلَا تَطْنُوبِي اسْتِثْقَالًا فِي حَقِّ قَيْلِ لِي، وَلَا التَّمَاسِ إِعْظَامَ لِنَفْسِي، فَإِنَّهُ مَنْ اسْتِثْقَلَ الْحَقَّ أَنْ يُقَالَ لَهُ أَوْ الْعَيْدَلُ أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهِ، كَانَ الْعَمَلُ بِهِمَا أَثْقَلَ عَلَيْهِ، فَلَا تَكْفُؤَا عَنْ مَقَالِهِ بِحَقِّ أَوْ مَسُورِهِ بَعْدَلٍ...». نهج البلاغه دشتی، خطبه ۲۱۶.

موجب می گردند. (۱)

از این رو، امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این سخن نورانی، مردم را از ستایش های دروغین و چاپلوسی برحذر می دارد و مردم را برای اصلاح امور، به گفتن سخن حق و اظهار نظر عادلانه فرامی خواند.

---

۱- معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۳۰۱.

## وظایف دولت در مبارزه با فقر

### اشاره

#### وظایف دولت در مبارزه با فقر

اسلام، حاکم اسلامی را موظف کرده است به امور تربیتی، بهداشتی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی جامعه، توجه ویژه ای داشته باشد و برای عملی ساختن برنامه های حکومتی و دینی خویش، از میان آگاه ترین و پرهیزگارترین مردم، کارگزارانی را برگزیند. هم چنین با مراقبت کامل از ساختار اداری کشور عدالت و برابری را سر لوحه کار خود قرار دهد و برای گسترش قانون گرایی و حفظ یکپارچگی سرزمین اسلامی، سپاهی نیرومند و مؤمن فراهم آورد. افزون بر آن باید با مردم همنشین باشد و از کسی دوری نگزیند.

یکی دیگر از وظایف حاکم اسلامی این است که با دفاع از حقوق زبردستان مانند کارگران، کشاورزان، پیشه وران و عامه مردم، حرمت انسان ها را پاس دارد. حکومت باید با جهل و بی سوادی مبارزه کند و از همه مهم تر، آموزه های دین و فرهنگ اسلامی را گسترش دهد. هم چنین باید نیازهای اجتماعی را در زمینه های گوناگون برآورده سازد و با فقر و محرومیت مبارزه کند و جلوی ستمگران مالی و تروریست های اقتصادی را بگیرد.

بنابراین، دولت در نظام اقتصادی اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و مسئولیت های سنگینی را برای رفع مشکلات اقتصادی و فقر به عهده دارد که می توان چنین برشمرد:



تأمین اجتماعی، فراهم آوردن زمینه های سرمایه گذاری و نظارت بر آن، توزیع عادلانه ثروت، گسترش عدالت اجتماعی، توجه به تولید و تشویق متولیان تولید برای سرمایه گذاری بیشتر، اهمیت دادن به کشاورزی، دامداری، بازرگانی و پیشه وری، کارآفرینی و مبارزه با بی کاری، نظارت بر بازار و کنترل قیمت ها، ایجاد امنیت اقتصادی، پشتیبانی از نوآوری ها، ایجاد صندوق تعاون برای کمک به افراد کم درآمد جامعه، دریافت مالیات و مصرف آن برای رفع نیازهای جامعه، گزینش افراد کارداران و متعهد در امور اقتصادی، مبارزه با احتکار، انحصار، رباخواری، اختلاس و هرگونه فساد مالی کارگزاران.

کوتاه سخن این که بر اساس وظایف دینی، دولت اسلامی موظف است همه فعالیت های اقتصادی را زیر نظر داشته باشد تا بتواند در مبارزه با فقر گام مثبت و مؤثری بردارد. اینک با الهام از کتاب و سنت، وظایف دولت اسلامی را در مبارزه با پدیده فقر بررسی می کنیم.

## ۱. تأمین اجتماعی

### ۱. تأمین اجتماعی

دولت اسلامی وظیفه دارد با فراهم کردن زمینه فعالیت های اقتصادی، معیشت شهروندان جامعه اسلامی را در سطح مناسب تأمین کند. مکتب جامع و کامل اسلام، از ابتدا این نیاز اساسی جامعه را تشخیص داده است. به همین دلیل، دولت اسلامی با استفاده از منابعی مانند: زکات، خمس، کفاره ها، فی و انفال (زمین هایی که بدون لشکرکشی به دست مسلمانان افتاده

است و در اختیار دولت اسلامی قرار می گیرد)، خراج (مالیات)، جزیه و... می تواند نیاز افراد زیرپوشش تأمین اجتماعی (۱) را برآورده سازد.

بر همین اساس امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه بسیار مهم خود به مالک اشتر می فرماید:

خدا را! خدا را! درباره طبقه پایین که راه چاره ندارند؛ یعنی مستمندان، نیازمندان، تهی دستان و از کارافتادگان. در این طبقه کسانی هستند که دست به گدایی برداشته اند و افرادی نیز وجود دارند که باید بدون پرسش به آن ها، بخشش شود. بنابراین، به آن چه خداوند درباره آنان به تو دستور داده است، عمل کن.

بخشی از بیت المال و غلامت خالصه جات اسلامی را در هر محل به آنان اختصاص ده. آنان که دورند همانند کسانی که نزدیک هستند، سهم دارند و باید حق همه آنان را مراعات کنی. بنابراین، هرگز نباید سرمستی زمام داری، تو را به خود مشغول سازد (و به آنان رسیدگی نکنی)؛ زیرا هرگز به خاطر کارهای فراوان و مهمی که انجام می دهی، از انجام نشدن کارهای کوچک معذور نیستی! نباید از آنان دل برگیری و چهره ات را برای آنان درهم کشی! در امور کسانی که به تو دسترسی ندارند و مردم به دیده تحقیر به آنان می نگرند، بررسی کن و فرد مورد اطمینانی را که خدا ترس و متواضع باشد، برای این کار برگزین تا وضع آنان را به تو گزارش دهد. سپس با آن گروه به

---

۱- کسانی باید زیر پوشش تأمین اجتماعی قرار گیرند که به هر دلیلی، از انجام کار ناتوان هستند یا قدرت تأمین زندگی مناسب خود را ندارند. این افراد عبارتند از: یتیمان، از کارافتادگان، معلولان، عقب ماندگان ذهنی، بیماران، ضعیفان افرادی که توان کسب و کار را ندارند، بی کاران (کسانی که قدرت کار دارند، ولی در حال حاضر به دلیل نبودن تقاضا برای کار، بی کار مانده اند یا شغل مناسب خویش را نیافته اند)، بدهکاران، در راه ماندگان، بردگان، و... .

گونه ای رفتار کن که هنگام دیدار پروردگار، عذرت پذیرفته باشد. (۱)

امام علی علیه السلام در بخش دیگری می فرماید:

ثُمَّ الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسِيكَةِ الَّذِينَ يَحِقُّ رِفْدُهُمْ وَمَعُونَتُهُمْ. وَفِي اللَّهِ لِكُلِّ سَاعَةٍ، وَ لِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصِيلُهُ، وَلَيْسَ يَخْرُجُ الْوَالِي مِنْ حَقِيقَتِهِ مَا أَلْزَمَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا بِالْإِهْتِمَامِ وَالِاسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ، وَ تَوْطِينِ نَفْسِهِ عَلَى لُزُومِ الْحَقِّ، وَالصَّبْرِ عَلَيْهِ فِيمَا خَفَّ عَلَيْهِ أَوْ ثَقُلَ ... (۲)

قشر دیگر، طبقه پایین نیازمندان و مستمندان هستند که باید به آنان بخشش و یاری کرد. برای همه قشرهای گوناگون یاد شده، در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به اندازه ای که امورشان اصلاح شود، حق مشخصی بر زمام دارشان دارند. زمام دار در انجام آن چه خداوند بر او واجب کرده است، نمی تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان کند و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارهای آسان یا دشوار، شکیبایی ورزد.

۱- «ثُمَّ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزُّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا وَاحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قَسِيمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقَسِيمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَذْنَى، وَ كُلُّ قَدِ اسْتُرْعِيَتْ حَقَّهُ... وَ تَعَهَّدَ أَهْلُ الْيُثْمِ وَ ذَوِي الرَّقَّةِ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ، وَ لَا- يَنْصَبُ لِلْمَسِيكَةِ نَفْسَهُ، وَ ذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ وَ الْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ... وَاجْعَلْ لِذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قَسِيمًا تُفَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَخْصِيَّكَ، وَ تَجْلِسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَ تَقْعُدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَ شُرَطِكَ حَيْثِي يُكَلِّمُكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَتَعِّعٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّهُ لَا- يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ... وَ نَحَّ عَنْهُمْ الضِّيْقَ وَ الْأَنْفَ يَبْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ، وَ يُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ، وَ أَعْطَى مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئًا وَ أَمْنًا فِي إِجْمَالٍ وَ إِعْذَارٍ.» نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۵۳.

سیاست ها و شیوه های تأمین اجتماعی

آن چه در بالا اشاره شد، مهم ترین منابع مالی است که در اختیار نظام اسلامی قرار می گیرد تا آن ها را برای برقراری تأمین اجتماعی، کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی گروه های کم درآمد و ضعیف جامعه به کار گیرد.

این سیاست ها را به گونه های مختلفی به شرح زیر می توان مطرح کرد:

۱. کمک های مستقیم به طبقه مستضعف و فقیر جامعه.

۲. کارآفرینی برای بی کاران توان مند.

۳. گسترش بیمه های اجتماعی مانند: بیمه درمانی، آموزش رایگان، وام های مسکن، کمک های عایله مندی و ... .

۴. برنامه ریزی دقیق و کارشناسی شده درباره قوانین کار.

۵. مبارزه با گسترش مفسد اقتصادی مانند: احتکار، انحصارگرایی، اختلاس و گران فروشی برای پیش گیری از وارد آمدن فشارهای اقتصادی به طبقه فقیر و کم درآمد جامعه.

## ۲. نظارت بر بازار و فعالیت های اقتصادی

۲. نظارت بر بازار و فعالیت های اقتصادی

برقراری توازن و تعادل اقتصادی، زمینه را برای رشد عقلی، تکامل علمی و قوام فرهنگی جامعه فراهم می آورد و هرگونه افراط و تفریط اقتصادی مانع رشد علمی و فرهنگی می شود. فقر، حد تفریط و سرمایه داری، حد افراط است و هر دو (فقر و تکاثر) خاستگاه اصلی ناآرامی، سرکشی و شورش های اجتماعی علیه نظام های حاکم است. فقر، طبقات محروم را به سرکشی، شورش و رویارویی وا می دارد. سرمایه دار نیز با نفوذ در هیأت حاکمه یا با در دست گرفتن حاکمیت، به فاصله طبقاتی و گسترش تهی دستی در جامعه دامن می زند. چنین گروهی همواره در مقام قانون گذاری و اجرا، جریان اقتصاد

جامعه را به سود خود می چرخاند و حقوق طبقات محروم را پایمال می کند. در نتیجه، نظام سیاسی حاکم را که باید به اتکای توده های مردم استوار باشد، به جانب داری خویش می کشاند و نارضایتی توده ها را برمی انگیزد. اوج گرفتن نارضایتی ها، شورش ها و عصیان های اجتماعی را پدید می آورد و آن گاه که درگیری و برخورد با نظام رخ دهد، ثبات نظام حاکم تهدید می شود. (۱) این مسأله، معلول نبود نظارت کافی بر بازار و پیدایش تورم است که در نتیجه، به متزلزل شدن پایه های اقتصادی جامعه می انجامد.

به گفته شهید صدر قدس سره، جانشینی در امور اقتصادی، مقامی است که به جامعه تعلق دارد و مالکیت خصوصی برای ایفای امور اجتماعی مقرر شده است. از این رو، به صرف آن که کسی، مالی را تصاحب کند، پیوند جامعه با آن مال قطع نمی شود، بلکه نظارت و مسؤولیت جامعه نسبت به آن هم چنان باقی خواهد ماند. برای نمونه، در مواردی مانند سفاهت مالک، جامعه مکلف است، مال را از پی آمدهای ناگوار تصرف مالک سفیه آن دور نگهدارد؛ زیرا سفیه نمی تواند نقش شایسته ای در امر جانشینی داشته باشد. جانشینی متعلق به جامعه است و اموال نیز از آن اوست، اگرچه به مالکیت خصوصی افراد درآید. فرد در تصرف های مالی، خود را در برابر خداوند مسؤول می بیند؛ زیرا خداوند، مالک حقیقی همه ثروت هاست. افزون بر آن، فرد در مقابل جامعه نیز که جانشین اصلی خداوند است، مسؤول است.

بنابراین، مالکیت خصوصی در مفهوم جانشینی، نوعی «وکالت» است، به این معنا که مالک به رسم امانت، از جانب خداوند \_ صاحب اصلی جهان \_

اموالی را در اختیار دارد که مکلف است براساس قواعدی از آن استفاده کند. اگر این فکر بر جامعه اسلامی حکومت کند، رفتار مردم را کنترل خواهد کرد و مانند قید محکمی، مالک را به رعایت مقررات الهی پای بند می گرداند، هم چنان که وکیل همواره ملزم به رعایت نظر موکل است. (۱)

در روایات نیز به این مسأله اشاره شده است، چنان که امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از اصحاب خود به نام عیسی بن موسی می فرماید:

ای عیسی! مال از آن خداست که آن را به امانت به بندگان خود سپرده و به ایشان فرمان داده است تا با میانه روی از آن بخورند و با میانه روی از آن بیاشامند و با میانه روی از آن بپوشند و با میانه روی از آن برای ازدواج هزینه کنند و با میانه روی از آن وسیله سواری بخرند و آن چه را باقی می ماند، به مؤمنان مستمند بدهند. پس هر کس از این روش (میانه روی) تجاوز کند؛ خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج کردن و خریدن وسیله سواری بر او حرام است. (۲)

آن حضرت در روایت دیگری می فرماید:

مال از آن خداست که آن را نزد ثروت مندان به امانت می گذارد و بر آنان روا می دارد که با میانه روی از این مال بخورند، بیاشامند، بپوشند، ازدواج کنند و از مرکب بهره مند شوند و آن چه را می ماند، به مؤمنان فقیر بدهند و

۱- اقتصاد ما، محمد باقر صدر، برگردان: ع، اسپهبدی، ج ۲، صص ۱۸۶ - ۱۹۰.

۲- «الإمام الصادق علیه السلام \_ فیما رواه عیسی بن موسی: یا عیسی! المالُ مالُ الله، جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ؛ وَ أَمَرَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَ يَشْرَبُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَ يَلْبَسُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَ يَنْكَحُوا مِنْهُ قَصْدًا، وَ يَرْكَبُوا مِنْهُ قَصْدًا؛ وَ يَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ. فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ أَكَلَهُ حَرَامًا، وَ مَيَّا شَرِبَ مِنْهُ حَرَامًا، وَ مَا لَبَسَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَ مَا نَكَحَهُ مِنْهُ حَرَامًا، وَ مَا رَكَبَهُ مِنْهُ حَرَامًا.» مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۲، باب ۱۹، ح ۹.

نابسامانی زندگی آنان را به سامان آورند. پس هر کس چنین کند، آن چه می خورد، می آشامد، بر آن سوار می شود و ازدواج می کند، بر وی حلال است و آن چه از این اندازه بگذرد، بر وی حرام است.

سپس امام با خواندن این آیه: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ اسراف مکنید؛ که خدا، اسراف کنندگان را دوست نمی دارد»،<sup>(۱)</sup> فرمود:

آیا می پندارید که خداوند، مردی را بر مالی که به او عطا کرده است، امین می داند و او برای خود اسبی به ده هزار درهم بخرد با این که اسب بیست درهمی برای او بس است... و در قرآن بگوید: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>(۲)</sup>

از صراحت این احادیث استفاده می شود که اموال مربوط به خداست و اگر به کسی عطا می فرماید، نزد او امانت است و حق اسراف و از بین بردن آن ها را ندارد. پس بر او واجب است نسبت به مال خداوند، امانت دار خوبی باشد و آن را در مواردی مصرف کند که رضایت خدا در آن است.

بنابراین، بر اساس نظر اسلام، اصل نظارت بر بازار و حتی مالکیت خصوصی مردم، حق حاکم اسلامی است و او وظیفه دارد برای ایجاد تعادل و توازن در اقتصاد کشور، رعایت عدالت اجتماعی و حفظ حقوق شهروندان،

۱- انعام، ۱۴۱.

۲- قال الإمام الصادق عليه السلام: المال مال الله، يَصْهَهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعِ، وَ جَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً، وَيَشْرَبُوا قَصْداً، وَيَلْبَسُوا قَصْداً، وَيَنْكَحُوا قَصْداً، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَزْمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلالاً، وَيَشْرَبُ حَلالاً، وَيَرْكَبُ حَلالاً، وَيَنْكَحُ حَلالاً؛ وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً. ثُمَّ قَالَ: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» أَتَرَى اللَّهَ- ائْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى مَالٍ يَقُولُ لَهُ، أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بَعَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ، وَيُجْزِيهِ فَرَسَ بَعَشْرِينَ دِرْهَمًا؟ ... ثُمَّ قَالَ: «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؟ وسائل الشيعه، ج ۱۱، ص ۵۰۱، باب ۲۳، ح ۱۵۳۷۰.

بر قیمت ها و واردات و صادرات کالا کاملاً نظارت کند. بدین گونه، حکومت اسلامی می تواند از احتکار، فساد مالی، گران فروشی، ربا، اسراف، تورم و پی آمدهای ناگوار آن مانند فقر و تهی دستی پیش گیری کند. حکومت اسلامی حتی در مواردی که لازم باشد، می تواند برای احیای حقوق عامه مردم، اموال اشخاص را مصادره کند.

اکنون با توجه به مطالب گذشته، به روایت هایی می پردازیم که بیانگر اهمیت و ضرورت نظارت بر فعالیت های اقتصادی است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به شریح قاضی می فرماید:

أَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ الْمَعَكِ وَالْمَطْلِ وَدَافِعِ حُقُوقِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْمَقْدَرِ وَالْيَسَارِ مِمَّنْ يُدْلِي بِأَمْوَالِ النَّاسِ إِلَى الْحُكَّامِ فَخُذْ لِلنَّاسِ بِحُقُوقِهِمْ مِنْهُمْ وَبِعِ فِيهِ الْعِقَارَ وَالِدِّيَارَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَطَّلُ الْمُسْلِمِ الْمُؤَسِّرِ ظُلْمٌ لِلْمُسْلِمِينَ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عِقَارٌ وَ لَا دَارٌ وَ لَا مَالٌ فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَحْمِلُ النَّاسَ عَلَى الْحَقِّ إِلَّا مَنْ رَدَعَهُمْ عَنِ الْبَاطِلِ ... (۱).

بر حال کسانی که با مردم مداخله می کنند (برای پرداخت حقوق مردم امروز و فردا می کنند) برای گرفتن حقوق مردم از توانگران، نظارت کن؛ همانان که اموال مردم را به حکام می دهند. پس حقوق مردم را از آنان بگیر و بدین منظور، خانه و باغ آنان را بفروش؛ زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: امروز و فردا کردن در حق مسلمانان تنگ دست، ستم به آنان است. پس بر کسی که مال و باغ و خانه ای ندارد، حرجی نیست. بدان که مردان را به سوی حق نمی کشاند مگر کسی که آنان را از باطل باز دارد.

۱- تهذیب الاحکام، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۶ ه ق، ج ۶، صص ۲۲۵ و ۲۲۶، باب ۸۸، ح ۱.



از این روایت برمی آید که نظام اقتصادی اسلام مانند نظام سرمایه داری نیست که فعالیت های اقتصادی را بدون هیچ قید و شرطی آزاد بگذارد. اسلام، قوانین نظارت را نه تنها در مرحله کسب درآمد، بلکه در مرحله توزیع و مصرف نیز ضروری می داند.

نامه امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر نیز به ضرورت نظارت بر امور مالی و اقتصادی دلالت دارد:

سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راست گو و وفا پیشه بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت داری و مهربانی با رعیت خواهد بود.

از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو نیز آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را با تازیانه، کیفر ده و اموالی را که در اختیار دارد، از او باز پس گیر. سپس او را خوار دار و خیانت کار بشمار و طوق بدنامی بر گردنش بیافکن. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

آیا می پنداری خداوند چون به هر کس (اموال و روزی فراوان) عطا فرموده، او را گرامی داشته است و از هر کس منع فرموده (و اموال کم عطا کرده است) برای خواری وی بوده است؟

۱- «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَ ابْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهِدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَيْدُوهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَتَحَفُّظِ مِنَ الْأَعْوَانِ؛ فَإِنْ أَحِيدَ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانِهِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَ قَلَّدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ». نهج البلاغه، نامه ۵۳.

نه، مال از آن خداست که نزد اشخاص به امانت سپرده شده و خداوند به آنان اجازه داده است با میانه روی، بخورند و بیاشامند و بپوشند و مرکب تهیه کنند. پس هر کس چنین کند آن چه را می خورد، حلال است و آن چه را می نوشد، گواراست. ازدواج و مرکب او نیز حلال است و در غیر این صورت، حرام است. (۱)

علامه طباطبایی در این باره می گوید:

اسلام، اصل مالکیت را محترم شمرده است و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خبر معروف «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ»، تسلط کامل آدمی را بر مال خود، تأیید فرموده است.

روی این اصل، انسان می تواند هر طور که بخواهد در اموال خود تصرف کند؛ نگهدارد، بخورد، بیاشامد، (صدقه بدهد، وقف کند، به فقرا کمک کند) هدیه کند، بفروشد یا دیگر تصرفات مشروع را بنماید. اما تصرفاتی که ممنوع و خلاف مصلحت اجتماعی است، هرگز مالک تسلط به آن ها ندارد و نمی تواند تصرفی را که به ضرر اسلام یا مسلمین است در مال خود بنماید یا مال خود را با اسراف و تبذیر و مانند آن نابود سازد یا طلا و نقره مسکوک خود را از جریان انداخته، به صورت گنج، اندوخته نماید. (۲)

۱- «اترى الله اعطى من كرامته عليه و منع من منع من هوان به عليه؟ كلاً- ولكن الميال مبال الله يرضه عند الرجل ودائع و جور لهم ان يأكلوا قصداً و يشربوا قصداً و يلبسوا قصداً و يزكبوا قصداً و يعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين و يزوموا به شعثهم فمن فعيل ذلك كان ما يأكل حلالاً و يشرب حلالاً و يزكب حلالاً و ينكح حلالاً و من عيدا ذلك كان عليه حراماً...». وسائل الشيعه، ج ۱۱، ص ۵۰۱، باب ۲۳، ح ۱۵۳۷۰.

۲- اسلام و اجتماع، علامه سيد محمدحسين طباطبائی، قم، انتشارات پیام اسلام، بی تا، ص ۴۶.

سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نظارت بر فعالیت های اقتصادی و بازار و حفظ آن از آلودگی به خطاها بسیار جالب توجه است. این رفتارها نشان می دهد که در چنین اموری خود حاکم باید پیش قدم باشد و اوضاع و احوال را از نزدیک کنترل کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «زمانی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه بود، هر روز صبح از دارالحکومه به بازارهای کوفه می رفت و در تک تک آن ها دور می زد، در حالی که تازیانه ای دو سر به دست داشت که سینه نامیده می شد... پس در هر بازار می ایستاد و فریاد می زد: ای بازرگانان! تقوای الهی را پیشه کنید.

هنگامی که بازاریان، صدای آن حضرت را می شنیدند، هرچه در دست داشتند، فرو می نهادند و به سخنانش گوش فرا می دادند. آن حضرت می فرمود: خیرخواهی پیشه کنید، به آسان گیری تبرک جویید، به خریداران نزدیک شوید، خود را به زینت بردباری بیارایید، از سوگند پرهیزید، از دروغ دوری جویید، از ستم بگریزید، با مظلومان مدارا کنید، به ربا نزدیک نشوید، پیمانہ و ترازو را کامل کنید، در اجناس مردم کم مگذارید و در زمین به فساد نپردازید. سپس در همه بازارهای کوفه می گشت و با مردم می نشست و به درخواست های آنان رسیدگی می کرد».<sup>(۱)</sup>

۱- «كَانَ اميرالمؤمنين عليه السلام عندكم بالكوفة يعتدي كل يوم بكرة من القصير فيطوف في أسواق الكوفة سوقاً، ومعه الدرّة على عاتقه و كان لها طرفان و كانت تسمى السبينة فيقف على أهل كل سوق فينادي: يا معشر التجار اتقوا الله، فإذا سمعوا صوته القوا ما بأيديهم و أزعوا إليه بقلوبهم و سمعوا بأذانهم فيقول: قدّموا الاستخاره و تبرّكوا بالشهولة، و افتربوا من المبتاعين، و تزيّنوا بالحلّم، و تناهوا عن اليمين و جائبوا الكذب، و تجافوا عن الظلم، و أنصّفوا المظلومين، و لا تقربوا الربا، و أوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس أشياءهم، و لا تعثوا في الأرض مفسدين فيطوف في جميع أسواق الكوفة ثم يرجع فيقعد للناس». وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۲۸۴، كتاب التجاره، باب ۲، ح ۱.

مردی از اهل بصره به نام ابومطر می گوید: «من شب ها در مسجد کوفه خوابیدم و برای قضای حاجت به رجه می رفتم و از بقال، نان می گرفتم. روزی از مسجد بیرون آمدم تا به یکی از بازارهای کوفه بروم. ناگاه کسی مرا صدا زد که: ای مرد! زیر پوش خود را بالا بکش تا جامه ات پاکیزه تر ماند و برای پروردگارت پرهیزگارتر باشی.

از مردم پرسیدم: این مرد کیست؟ گفتند: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. من به دنبال آن حضرت بیرون رفتم، در حالی که او به سوی بازار شترفروشان می رفت. چون به آن جا رسید، میان بازار ایستاد و فرمود: ای گروه بازرگانان! از سوگند دروغ پرهیزید؛ زیرا اگر کالا را با سوگند خوردن به فروش برسانید، برکت را از میان می برد... (۱).

### ۳. تلاش برای گسترش تجارت و صنعت

#### اشاره

یکی دیگر از وظایف دولت برای فقرزدایی، توجه به صنعت و تجارت و ایجاد رقابت سالم میان بازرگان و صنعت گران و حمایت از آنان است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید:

به بازرگانان و صاحبان صنایع توصیه کن و آنان را به خیر و نیکی سفارش کن (و در این سفارش، میان بازرگانانی که در شهر یا ده هستند (و مرکز ثابت و تجارت خانه دارند) و آنان که در گردشند و نیز صنعتگرانی که با نیروی جسمانی خویش به کار صنعت می پردازند، تفاوت مگذار؛ زیرا آنان، منابع اصلی منافع و اسباب آسایش جامعه به شمار می روند. آنان هستند که موارد مورد نیاز را از سرزمین های دور دست، پرتگاه ها، کوهستان ها، دریاها و

---

۱- الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، برگردان: عبدالمجید آیتی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش، چ ۱، ص ۴۴.

سرزمین های هموار و ناهموار، گرد می آورند؛ از مناطقی که بیشتر مردم با آن سر و کاری ندارند و جرأت رفتن به آن سامان را نمی کنند. (توجه داشته باش) بازرگانان و پیشه وران و صنعت گران، مردمی سالمند و از نیرنگ و شورش آنان بیم نداشته باش؛ زیرا آنان، صلح دوست و آرامش طلبند. البته باید همواره بر وضع آنان نظارت کنی؛ چه گروهی که در مرکز فرمانداری تو زندگی می کنند و چه کسانی که در گوشه و کنار هستند. کار مردمان جز با بازرگانان و صنعت گران \_ که هر صنفی امکاناتی فراهم می آورند و بازارها را برپا می دارند \_ استوار نشود. آنان چیزهایی را فراهم می سازند که مردم نمی توانند تهیه کنند و کار مردم را راه اندازی می کنند. (۱)

آن حضرت در روایت دیگری می فرماید:

تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ، الْمَغْبُونُ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ. (۲)

به انواع داد و ستد (تجارت) پردازید؛ زیرا از این راه، از مال و منال مردم بی نیاز می شوید. خداوند بزرگ، صاحب حرفه درستکار را دوست می دارد. مغبون (کسی که در زندگی فریب خورده و برای خود تلاشی نکرده است)، نکوهیده است و بی پاداش.

۱- «... ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا، الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِبِ بِمَالِهِ، وَ الْمِ تَرَفِّقِ بِيَدَيْهِ، فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ، وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جَلَابِئِهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ، وَ سَهْلِكَ وَ جَلَلِكَ، وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِسُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا، وَ لَا يَجْتَرِئُونَ عَلَيْهَا، فَإِنَّهُمْ سَلِمٌ لَا تُخَافُ بِأَيْدِيهِمْ وَ صَيْلُحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ... وَ لَا قِتْوَامَ لَهُمْ (أَصِيَنَافِ النَّاسِ مَرَاقِيهِمْ، وَ يُقِيمُونَ مِنْ أَسْوَأِهَا، وَ يَكُفُونَهُمْ مِنَ التَّرَفِّقِ بِأَيْدِيهِمْ، مِمَّا لَا يَبْلُغُهُ رَفَقٌ غَيْرِهِمْ.» نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۵۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱، ح ۶.

امام صادق علیه السلام در تفسیر صناعات و اهمیت آن می فرماید:

فَكُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يُعَلَّمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ صُنُوفِ الصَّنَاعَاتِ، مِثْلُ الْكِتَابَةِ وَالْحِسَابِ وَالتَّجَارَةِ وَالصِّيَاغَةِ وَالسَّرَاجَةِ وَالْبِنَاءِ وَالْحَيَاكَةِ وَالْقِصَارَةِ وَالْحِطَّاطَةَ، وَصَنَعَهُ صُنُوفِ التَّصَاوِيرِ مَا لَمْ يَكُنْ مِثْلَ الرُّوحَانِيِّ، وَأَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ، الَّتِي مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ، وَبِهَا قَوَامُهُمْ، وَفِيهَا بَلَّغُهُ جَمِيعَ حَوَائِجِهِمْ... (۱).

درباره صنعت ها (باید بگویم): صنعت هایی که مردم می آموزند یا آن ها را به دیگران تعلیم می دهند، مانند نوشتن، حسابداری، بازرگانی، زرگری، سراجی (زین سازی)، بنایی، بافندگی، گازی، دوزندگی، تصویرسازی غیر جاندار و انواع وسایل و ابزاری که مردمان به آن ها نیاز دارند و از آن ها استفاده می کنند، سامان یابی زندگی شان به آن هاست و نیازهای گوناگون شان با آن ها برآورده می شود.

### تشویق به تجارت و صنعت

معصومین علیهم السلام در روایات فراوانی با بیان اهمیت و آثار مادی و معنوی تجارت و صنعت، مردم را به انجام چنین کاری، تشویق می کنند که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ. (۲) قَالَ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً. (۳)

کسی که دنبال تجارت رود، از مردم بی نیاز می شود، هرچند عیالوار باشد.

آن حضرت در روایت دیگری با اشاره به راه و رسم زندگی دنیوی و

۱- تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۸۱.

۲- الفروع من الکافی، ج ۵، کتاب المعیشه، باب ۵۳، ح ۳.

۳- وسائل الشیعه، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۱، ح ۸.

چگونگی سامان بخشیدن به آن، «التصرّف فی الصناعات» یا صنعت گری را یکی از آن روش ها دانسته است. (۱)

راوی می گوید: «نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که علاء بن کامل وارد شد و رو به روی آن حضرت نشست و گفت: دعا کن تا خدا به من روزی فراخ بدهد. امام فرمود: من برای این دعا نمی کنم. برو کار کن، چنان که خدای بزرگ به تو امر کرده است (و از راه کار و کوشش به زندگی خود برس.)» (۲)

امام رضا علیه السلام هنگام اشاره به فلسفه حرمت دزدی، علت آن را متروک ماندن و نپرداختن مردم به تجارت و صنعت می داند و می فرماید:

...حَرَمَ السَّرِقَةَ لِمَا فِيهَا مِنْ فِسَادِ الْأَمْوَالِ وَقَتْلِ الْأَنْفُسِ لَوْ كَانَتْ مُبَاحَةً، وَلِمَا يَأْتِي التَّغَاصُّبُ مِنَ الْقَتْلِ وَالتَّنَازُعِ وَالتَّحَاسُّدِ، وَمَا يَدْعُو إِلَى تَرْكِ التَّجَارَاتِ وَالصَّنَاعَاتِ، فِي الْمَكَاسِبِ وَاقْتِنَاءِ الْأَمْوَالِ، إِذَا كَانَ الشَّيْءُ الْمُقْتَنَى لَا يَكُونُ أَحَدٌ أَحَقَّ بِهِ مِنْ أَحَدٍ. (۳)

خداوند بدان دلیل دزدی را حرام کرد که اگر جایز بود، اموال تباه می گشت و مردمان کشته می شدند. هم چنین به دلیل کشتار و نزاع و حسدورزی که در پی ربودن اموال از یکدیگر پیش می آمد، آن را حرام کرد. هم چنین دزدی سبب می شد مردمان، تجارت و پرداختن به صنعت را برای به دست آوردن مال و معاش ترک کنند؛ زیرا (در صورت جایز بودن دزدی) هر کس می تواند هر چه بخواهد، به دست آورد.

#### ۴. پشتیبانی از کشاورزی و دام داری

از جمله وظایف مهم دولت در برطرف ساختن فقر از جامعه، ایجاد رفاه

۱- بحار الانوار، ج ۳، ۸۳، کتاب التوحید.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، صص ۱۰ - ۱۱، کتاب التجاره، أبواب مقدماتها، باب ۴، ح ۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۸۲، کتاب الحدود و التعزیرات، أبواب حد السرقة، باب ۱، ح ۲.

عمومی، اهمیت دادن به بخش کشاورزی و دام داری و پشتیبانی مناسب مادی و معنوی و فراهم آوردن تسهیلات ویژه برای توسعه آن ها است. به همین دلیل، معصومین علیهم السلام در سخنان خود، حاکمان اسلامی را برای توجه به امور کشاورزی و دام داری سفارش کرده اند. چنان که امام علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید:

وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَنْبَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ؛ وَمَنْ طَلَبَ الْخَرَجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أُخْرِبَ الْبِلَادَ، وَأَهْلَمَكَ الْعِيَادَ... فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ، وَإِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابَ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَاذِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلَهَا لِأَنَّ شَرَفَ الْأَنْفُسِ الْوَلَاهِ عَلَى الْجَمْعِ، وَ سُوءَ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَقَلَّةَ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ... (۱)

باید بیش از به دست آوردن مالیات، در اندیشه آبادانی زمین باشی؛ زیرا خراج (مالیات) به دست نمی آید مگر به آبادانی زمین. هر که خراج بخواهد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است. آبادی، قدرت تحمل مردم را زیاد می کند و ویرانی زمین به جهت تنگ دستی کشاورزان است، و تنگدستی کشاورزان، به دلیل غارت اموال آنان از طرف زمام دارانی است که به آینده حکومت شان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان، پند نمی گیرند.



معصومین علیهم السلام در بعضی روایت ها به دلیل اهمیت امور کشاورزی، مردم را برای احیای زمین های موات تشویق می کنند، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ عَرَسَ شَجْرًا أَوْ حَفَرَ وَاِدِيًا بَدِيَا لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَيْهِ أَحَدٌ، أَوْ أَحْيَا أَرْضًا مِيتَةً فَهِيَ لَهُ قِضَاءٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولِهِ. (۱)

هر کس درختی بکارد یا زمین بایری را پیش از دیگران آباد کند یا زمین مواتی را احیا کند، زمین به دستور خدا و پیامبر از آن او خواهد بود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز کار کشاورزی را یکی از بهترین راه های تأمین نیازهای زندگی مردم می داند و می فرماید:

إِنَّ مَعَايِشَ الْخَلْقِ خَمْسَةٌ: الْإِمَارَةُ وَالْعِمَارَةُ وَالتَّجَارَةُ وَالْإِحْيَاءُ وَالصَّدَقَاتُ... وَأَمَّا وَجْهُ الْعِمَارَةِ فَقَوْلُهُ تَعَالَى: هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا. فَأَعْلَمْنَا أَنَّهُ سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَالتَّمْرَاتِ وَ مَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَايِشًا لِلْخَلْقِ. (۲)

مردم، زندگی خود را از چند راه تأمین می کنند: پُست های دولتی، کارهای عمرانی و کشاورزی، تجارت، اجاره و صدقات و... خداوند متعال، درباره کشاورزی می فرماید: اوست که شما را پدید آورد و به آبادانی دعوت کرد. خداوند متعال از آن رو انسان ها را به آبادانی زمین دستور داده است که بهترین راه، کشاورزی است تا از محصولات آن مانند غلات، حبوبات و میوه ها، زندگی شان را تأمین کنند.

۱- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن الحسن الطوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۰ هـ ق، ج ۳، ص ۱۰۷، باب ۷۲، ح ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۵، کتاب المزارعه و المساقات، باب ۳، ح ۱۰.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

أَيُّمَا قَوْمٍ أَحْيَا شَيْئًا مِنَ الْأَرْضِ وَعَمَّرُوهَا، فَهُمْ أَحَقُّ بِهَا وَهِيَ لَهُمْ. (۱)

هر گروهی که زمینی را احیا کند و آن را آبادان سازد، ملک اوست و او به آن سزاوارتر است.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مَنْ أَحْيَى أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ. (۲)

هر کس زمین بایری را احیا کند، آن زمین از آن اوست.

## ۵. کار آفرینی

یکی دیگر از وظایف دولت در تبیین سیاست های فقرزدایی، فراهم آوردن کار مشروع برای افراد بی کار است که بدین وسیله، زمینه رشد آنان از نظر مادی فراهم می آید و افق روشنی برای آینده کشور پدیدار می شود. پیش تر به پی آمدهای منفی بی کاری پرداختیم و گفتیم که یکی از آن ها، پی آمد فقر و فساد است. اسلام برای کار، اهمیت فراوانی قایل است و بی کاری را به شدت نکوهش می کند. به همین دلیل، کار آفرینی برای بی کاران در نگاه زمام داران اسلامی چنان با اهمیت بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از استقرار حکومت اسلامی در مدینه، برای کار آفرینی هر چه بیشتر مسلمانان، به برنامه ریزی پرداخت و کوشید تا با بهره گیری از حداکثر امکانات تولید و فعالیت های گوناگون اقتصادی، امت اسلامی را به کار و کوشش وادارد. بعضی از تلاش های ایشان بدین قرار است:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۵، کتاب المزرعه و المساقات، باب ۳، ح ۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۶، کتاب إحياء الموات، باب ۱، ح ۵.

الف \_ بستن قراردادهای مزارعه و مساقات میان مهاجران و انصار: این کار افزون بر آن که مهاجران بدون زمین را به کشاورزی واداشت، به افزایش نیروی کار مهاجران انجامید و بازدهی زمین های زیرکشت انصار را بالا برد.

ب \_ لغو انحصار تجارت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشه وران و کشاورزان مدینه را در فعالیت های اقتصادی شرکت داد و با بستن قرارداد مضاربه و تهیه سرمایه و امکانات حمل و نقل، تجارت را از انحصار گروهی خاص آزاد کرد. بدین ترتیب، افراد علاقه مند به تجارت را به این کار فراخواند و راه خودکفایی را برای مهاجر و انصار هموار ساخت.

ج \_ واگذاری املاک آباد یا بایر به مردم: این واگذاری که اقطاع نام داشت، برای آباد نگهداشتن یا آباد کردن زمین و با در نظر گرفتن شرایط ویژه ای واگذار می گردید. در پی این کار پیامبر صلی الله علیه و آله، فعالیت های اقتصادی بی شماری مانند: ساختن واحدهای مسکونی، حمام و بازار و احیای زمین های موات، رونقی خاص یافت و شمار زیادی از مردم مدینه به ویژه مهاجران به کار مشغول شدند.

د \_ قرار گرفتن منابع طبیعی در شمار انفال: این کار به پیدایش فعالیت های جدید در زمینه های تولید کشاورزی و صید ماهی انجامید.

ه \_ گسترش صنایع نظامی: به دلیل جنگ های همیشگی پیامبر با کافران و لزوم تهیه ابزار جنگی و رسیدن به خودکفایی در صنایع نظامی، مسلمانان براساس آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به صنایع نظامی و ساختن ابزار جنگی روی آوردند. استقبال مردم از ساختن ابزار جنگی به گونه ای بود که در مدت کوتاهی به حد خودکفایی رسیدند و از ورود کالاهای نظامی که تا پیش از ظهور اسلام در انحصار قریش بود، کاسته شد و زمینه کار بسیاری فراهم آمد.

و \_ تخصیص غنایم جنگی به مجاهدان پس از کسر خمس: آن چه مجاهدان اسلام در پیروزی های نظامی به دست می آوردند و به غنیمت می گرفتند، مستقیم یا غیر مستقیم در تدارک سرمایه و تهیه وسایل کار مؤثر بود.

ز \_ کمک های مالی مانند خمس، زکات یا انفاق: این کمک ها می توانست برای بی کاران، اعم از مهاجران و انصار، فرصتی به وجود آورد و به آنان امکان دهد تا وسیله کار فراهم آورند و به کار پردازند.

ح \_ ارث: سهمی که وارث از متوفی به ارث می برد، در تهیه وسایل کار و تجارت مؤثر بود و او می توانست به هر کاری که علاقه دارد، اشتغال ورزد.

ط \_ بستن عهد و پیمان اخوت و شرکت مهاجران در دارایی انصار: با این کار، کسانی که هستی خود را رها کرده و با دستی خالی به مدینه آمده بودند، می توانستند با استفاده از سرمایه های جدید و امکانات مالی برادران انصار خویش به فعالیت های اقتصادی پردازند و به این وسیله، سطح درآمد ملی و تولید را بالا ببرند.<sup>(۱)</sup>

امامان معصوم علیهم السلام نیز همواره با بیان آثار مادی و معنوی کار بر گسترش فرهنگ کار آفرینی تأکید می کردند.

## ۶. تشکیل صندوق های تعاونی

تعاون و پرداخت قرض الحسنه یکی از عوامل مؤثر و برطرف کننده فقر و تهی دستی است. دولت با این کار می تواند جریان ثروت و دارایی را از انحصار طبقات پردرآمد درآورد و با از میان بردن فقر مطلق، به طبقات کم

---

۱- طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مهدی بناء رضوی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ه. ش، صص ۶۱ و ۶۲.

درآمد کمک کند. صندوق تعاون یا قرض الحسنه به افراد عضو امکان می دهد تا از پس اندازهای کوچک خود، به طور پسندیده برای رفع نیازهای اساسی خویش بهره گیرند. طبقات کم درآمد با بهره گیری از چنین شیوه ای، توان استفاده بیش تر از امکانات موجود را می یابند و بدین ترتیب، فاصله میان فقیر و غنی کاهش پیدا می کند.

صندوق تعاون در تأمین اجتماعی مؤثر است و صندوق قرض الحسنه در فقرزدایی تأثیر دارد. جامعه با کمک این نهاد می تواند در هر موقعیتی، با هماهنگی و انعطاف کامل، در راه فقرزدایی گام بردارد. برتری قرض بر دیگر ابزارهای فقرزدایی آن است که انگیزه های کار کردن را در افراد افزایش می دهد؛ زیرا قرض گیرنده ملزم به باز پرداخت بدهی خویش است. این امر در کنار اهمیت باز پرداخت وام در فرهنگ اسلامی، انگیزه کار کردن را در وام گیرنده افزایش می دهد. از سوی دیگر، چون قرض دادن، داوطلبانه و با تضمین باز پرداخت تحقق می یابد، انگیزه کار و تعاون در قرض دهنده نیز هم چنان پایدار می ماند و تقویت می شود. (۱)

## ۷. ایجاد امنیت اقتصادی

دولت در راستای توسعه و رشد اقتصاد کشور، جذب سرمایه ها و امید بخشیدن به تولید کنندگان و سرمایه گذاران و... باید برای امنیت و آرامش جامعه، اهمیت ویژه ای قایل شود. دولت باید با بهره گیری از هر وسیله ای

---

۱- قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، علی اصغر هادی نیا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸ ه. ش، چ ۱، صص ۹۲ و ۹۳. توجه: پیش از این از نظر آیات و روایات درباره این موضوع به طور مفصل بحث شده است.

بکوشد جامعه را آرام کند و از هرگونه التهاب سیاسی و اخلاص گری دور نگهدارد؛ زیرا نبود امنیت، خواه ناخواه آثار ویران گری از خود برجا می گذارد. همه می دانیم که نبود امنیت به خروج سرمایه، جذب نشدن نیروهای مؤثر در فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری و از بین رفتن آرامش فکری می انجامد. بنابراین، ایجاد امنیت اقتصادی یکی از ضرورت های اصلی برای فقرزدایی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از ورود به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، برای استحکام بخشیدن به حاکمیت نوپای اسلام، ایجاد امنیت و آرامش و تنش زدایی میان گروه های مسلمان را در دستور کار خویش قرار داد. بر همین اساس، میان مهاجران و انصار، پیمان برادری بست و با یهودیان، پیمان عدم تعرض امضا کرد. درون مایه این قرارداد نشان می دهد که دو طرف می توانند با کمال آرامش و امنیت مانند یک ملت در کنار مسلمانان زندگی کنند و هنگام رویارویی با مشکلات، به یاری همدیگر بشتابند و خیرخواه و یار و مددکار یکدیگر باشند. مواد این قرار داد به شرح زیر است:

۱. مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی خواهند کرد.
۲. مسلمانان و یهودیان در اجرای مراسم دینی خود آزاد خواهند بود.
۳. هنگام جنگ، هر کدام از دو طرف، دیگری را \_ اگر متجاوز نباشند \_ یاری خواهد داد.
۴. اگر مدینه مورد تاخت و تاز دشمن قرار گیرد، هر دو طرف با هم از آن دفاع خواهند کرد.
۵. پیمان صلح با دشمن با مشورت هر دو طرف، امضا خواهد شد.
۶. چون مدینه، شهری مقدس است، هر دو طرف به آن احترام می گذارند و خون ریزی در آن حرام است.

۷. هنگام بروز اختلاف و نزاع، آخرین داور برای رفع اختلاف، شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود.

۸. امضا کنندگان این پیمان با خیرخواهی و نیکی با هم رفتار خواهند کرد. (۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در دوران خلافت خویش، به شکوفایی اقتصادی و جذب سرمایه های کشور برای حفظ امنیت اقتصادی، توجه خاصی داشت. به همین دلیل، با توجه به امر مهم امنیت و اصل احترام به جان و مال مسلمانان، خطاب به کارگزاران مالیاتی خویش می فرماید:

هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته های مشروعش محروم نسازید. برای گرفتن مالیات از مردم، لباس های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید. به مال کسی که نماز گزار باشد یا غیر مسلمانی که در پناه اسلام است، دست اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه ای که برای تجاوز به مسلمانان به کار گرفته می شود؛ زیرا برای مسلمان جایز نیست آن ها را در اختیار دشمنان اسلام بگذارند، تا از سپاه اسلام نیرومندتر گردند. از پند دادن به نفس خویش هیچ گونه کوتاهی نداشته باشید و از خوش رفتاری با سپاهیان و کمک به مردم و تقویت دین خدا، غفلت نکنید و آن چه را در راه خدا بر شما واجب است، انجام دهید. همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته است که در شکرگزاری کوشا باشیم و با تمام توان، او را یاری کنیم و توانایی جز از جانب خدا نیست. (۲)

۱- تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ه. ش، چ ۲، صص ۲۱۵ - ۲۱۶، برگرفته از: سیره النبی صلی الله علیه و آله، ج ۲، صص ۱۱۹ - ۱۲۳.

۲- «وَلَا تُخَشِّمُوا أَحَدًا عَنْ حَاجَتِهِ، وَلَا تَحْبِسُوهُ عَنْ طَلَبَتِهِ، وَلَا تَبْيَعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخُرَاجِ كِسْوَةَ شَتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ، وَلَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا، وَلَا عَبْدًا، وَلَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سَوْطًا لِمَكَانٍ دَرَهُمْ وَلَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ، مُصَلًّا وَلَا مُعَاهِدًا، إِلَّا أَنْ تَجِدُوا فَرَسًا أَوْ سَبَاحًا يُعَدَى بِهِ عَلَى أَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَإِنَّهُ لَا يَتَّبَعِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَدَعَ ذَلِكَ فِي أَيْدِي أَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ فَيَكُونَ شَوْكَةً عَلَيْهِ. وَلَا تَدْخَرُوا أَنْفُسَكُمْ نَصِيحَةً، وَلَا الْجُنْدَ حُسْنَ سَيْرِهِ، وَلَا الرَّعِيَّةَ مَعُونَةً، وَلَا دِينَ اللَّهِ قُوَّةً، وَأَبْلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدِ اضْطَرَّعَ عِنْدَنَا وَعِنْدَكُمْ أَنْ تَشْكُرَهُ بِجُهْدِنَا، وَأَنْ نُنْصِرَهُ بِمَا بَلَّغَتْ قُوَّتُنَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.» نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۱.

ایشان در نامه دیگری می فرماید:

با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد، حرکت کن. در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان یا با زور از زمین او نگذر و افزون تر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی و وارد خانه کسی مشو. با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن تا در میان شان قرار گیری. به آنان سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن. سپس بگو:

ای بندگان خدا! مرا ولیّ خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست، تحویل گیرم. آیا در اموال شما حقی است که به نماینده او بپردازید؟

اگر کسی «نه» گفت: دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی «آری» پاسخ داد: همراهش برو، بدون آن که او را بترسانی یا تهدیدش کنی یا او را به کار مشکلی وادار سازی. هر چه از طلا و نقره به تو رساند، بردار و اگر گوسفند یا شتر داشت، بدون اجازه او داخل مشو؛ که بیشتر اموال از آن اوست. آن گاه که داخل شدی، مانند اشخاص سلطه گر و سخت گیر رفتار نکن؛ حیوانی رازم مده و هراسان مکن و دامدار را مرنجان. حیوانات را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند. پس از انتخاب نیز اعتراض نکن. (۱)

۱- «انْطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَلَا تُرَوِّعَنَّ مُسْلِمًا وَلَا تَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارَهَا، وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ، فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَانْزِلْ بِمِائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أَيْبَاتَهُمْ، ثُمَّ امْضِ إِلَيْهِمْ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ؛ حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ فَتَسَلِّمَ عَلَيْهِمْ وَلَا تُخَدِّجَ بِالتَّحِيَّةِ لَهُمْ، ثُمَّ تَقُولُ: عِبَادَ اللَّهِ، أَرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ وَلِيُّ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ، آخِذٌ مِنْكُمْ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ، فَهَلْ لِلَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقٍّ فَتَوَدُّوهُ إِلَى وَلِيِّهِ. فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: لَا، فَلَا تُرَاجِعْهُ، وَإِنْ أَنْعَمَ لَكَ مُنْعِمٌ فَانْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخِيفَهُ أَوْ تُوعِدَهُ أَوْ تَعَسِفَهُ أَوْ فَضِّهِ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَاشِيَةٌ أَوْ إِبِلٌ فَلَا تَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ أَكْثَرَهَا لَهُ. فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَلَا تَدْخُلْ عَلَيْهَا دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ وَ لَا عَنِيفٍ بِهِ. وَلَا تُنْفِرَنَّ بِهِمَهُ وَلَا تُفْرِعَنَّهَا، وَلَا تَسُوءَنَّ صَاحِبَهَا فِيهَا، وَاصْبِرْ عَنِ الْمَالِ صَدْعَيْنِ ثُمَّ خَيِّرْهُ، فَإِذَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضَنَّ لِمَا اخْتَارَهُ.» نهج البلاغه دشتی، نامه ۲۵.



از این مطالب استفاده می شود که ایجاد امنیت داخلی و خارجی برای استحکام پایه های اقتصاد کشور و برطرف ساختن فقر و تهی دستی (فقرزدایی) بسیار مؤثر و چاره ساز است. دولت موظف است برای پیشرفت اقتصادی، امنیت داخلی را فراهم آورد تا جذب سرمایه ها ممکن شود و امنیت خارجی را ایجاد کند تا بتواند این ها را برای بهبودی اقتصاد کشور به کار گیرد.

#### ۸. مبارزه با مفسد اقتصادی (محتکران، گران فروشان و...)

مبارزه با مفسد اقتصادی یکی از راه های اساسی برای پیش گیری از تورّم و حفظ ساختار نظام اقتصادی کشور است که دولت با برخورد جدّی با محتکران، گران فروشان، سودجویان و... می تواند توازن اقتصادی را در کشور حفظ کند. در غیر این صورت، فقر و فساد همه جا را در برمی گیرد. به همین دلیل، روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام درباره مبارزه با مفسد اقتصادی به ویژه گران فروشی و احتکار وارد شده است که در این جا به نمونه هایی از آن اشاره می شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مبارزه با احتکار را عامل ثبات اقتصادی کشور و احتکار را عامل پیدایش فقر و محرومیت و افزایش نرخ اجناس دانسته است.

... أَلَاخْتِكَارٌ دَاعِيَةُ الْجِرْمَانِ (۱)

احتکار عامل فقر و محرومیت است.

ایشان در نامه خود به مالک اشتر می فرماید:

بدان در میان بازرگانان نیز کسانی هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل و محتکرند و با زورگویی تنها به سود خود می اندیشند و کالا را به هر قیمتی که

بخواهند، می فروشند. این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه، زیان بار و عیب بزرگی بر زمام دار است. پس از احتکار جلوگیری کن؛ چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن منع کرده است. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت و با نرخ هایی انجام گیرد که به فروشنده و خریدار، زیانی نرساند. هر کس پس از منع شدن از احتکار، دوباره به این کار دست زند، او را کیفری ده که مایه عبرت دیگران باشد و با رعایت انصاف، او را به عقوبت برسان. (۱)

---

۱- «وَاعْلَمُ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَمِيمًا فَاحِشًا، وَشُحًّا، قَبِيحًا وَاحْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَذَلِكَ احْتِكَارٌ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاَمْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنَعَ مِنْهُ وَلِيَكُنَ الْبَيْعُ بَيْعًا سَدِّحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، وَاسْتِعَارًا لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالمُتَبَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَانْكُلْ بِهِ، وَعَاقِبُهُ فِي غَيْرِ اسْتِزَافٍ...». نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

براساس این بیان شریف، شایسته نیست در پرتو حکومت دینی، احتکار به آسانی انجام گیرد. وجود محتکر، مختل کننده در روند سالم زندگی اجتماعی و نشان دهنده ضعف مدیریتی کشور است. بنابراین، دولت باید با فساد اقتصادی به شدت مبارزه کند و کوتاهی دولت در مبارزه با مفساد اقتصادی، پذیرفتنی نیست. سهل انگاری در مبارزه با مفساد اقتصادی به منزله میدان دادن به مفسدان و اخلال گران است و این یعنی؛ خیانت به ملت.

امام علیه السلام در نامه ای به رفاعه بن شداد جبلی نوشت:

إِنَّهُ عَنِ الْحُكْمِ فَمَنْ رَكِبَ النَّهْيَ فَأَوْجِعُهُ، ثُمَّ عَاقِبَهُ بِإِظْهَارِ مَا اخْتَكِرَ. (۱)

از احتکار جلوگیری کن و هر کس احتکار کرد، او را به کیفر برسان. سپس با بیرون آوردن اجناس احتکار شده، محتکر را جزا ده.

در بعضی روایت ها آمده است که چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام، کالای احتکار شده را بیرون می آورد، آن را آتش می زد. ابن حزم اندلسی در کتاب الْمُحَلِّي از ابوالحکم روایت کرده است که: «علی بن ابی طالب علیه السلام، گندمی را که قیمت آن صد هزار درهم بود و احتکار شده بود، سوزانید.» (۲) هم چنین در روایت دیگری از حُبیش نقل شده است که: «علی بن ابی طالب علیه السلام، خرمن هایی را که در عراق احتکار کرده بودند، آتش زد.» (۳)

۱- دعائم الاسلام، نعمان بن محمد التمیمی المغربي، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۱ ه. ق، ج ۱، ج ۲، ص ۳۶، فصل ۶، ح ۸۰.

۲- المحلّی، ابی محمد علی بن أحمد سعید بن حزم، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، بی تا، ج ۹، ص ۶۳، ح ۱۵۶۷.

۳- المحلّی، ابی محمد علی بن أحمد سعید بن حزم، بیروت، دارالآفاق الجدیدة، بی تا، ج ۹، ص ۶۳، ح ۱۵۶۷.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مبارزه با مفسد اقتصادی آن چنان قاطعیت داشت که در موارد فراوانی، بی توجه به مقام و سمت افرادی که خلاف‌هایی مانند: رشوه خواری و احتکار کالا- را انجام داده بودند، آنان را بی درنگ به مجازات می‌رسانید. ایشان بدین وسیله، اوضاع اقتصادی جامعه را به دقت زیر نظر داشت و از بروز نابسامانی در آن پیش‌گیری می‌کرد.

براساس روایت‌های رسیده، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حالی که خود تازیانه به دست می‌گرفت، در بازار راه می‌رفت و کم‌فروشان و خلاف‌کاران را مجازات می‌کرد. هم‌چنین، مأمورانی را برای نظارت بر بازار انتخاب کرده بود تا از هرگونه اجحاف و گران‌فروشی، جلوگیری کنند.

آن چه از مجموع روایات به ویژه سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به دست می‌آید، این است که متولی بازار، وظایف زیر را برعهده داشت:

۱. پیش‌گیری از احتکار؛
۲. مراقبت و نظارت بر قیمت‌ها و جلوگیری از گران‌فروشی؛
۳. نظارت بر سالم وزن کردن؛
۴. جلوگیری از تجاوز به حریم بازار و تصرف غیر مجاز در آن‌ها؛
۵. بازرسی برای پیش‌گیری از تقلب و غش در معاملات؛
۶. دادن اجازه فعالیت به تاجران که شرایط و اوصاف لازم را برای فعالیت اقتصادی دارند؛
۷. حل مشکلات بازار؛
۸. راهنمایی گم‌شدگان؛
۹. یاری ناتوانان؛
۱۰. نظارت بر ذبح حیوانات و کیفر دادن تخلف‌کنندگان؛
۱۱. رسیدگی به امور بازرگانان و حفظ حرمت آنان؛

۱۲. برقراری امتیّت در راه های تجاری؛

۱۳. انفاق بر کسانی که مواد غذایی وارد می کنند؛

۱۴. جبران آن چه از بازرگانان تلف می شود (که امروزه به صورت بیمه مطرح است)؛

۱۵. جلوگیری از ورود اهل ذمّه به حرفه صرّافی؛

۱۶. جلوگیری از خرید و فروش در مکان های غیر مجاز و پیش گیری از سدّ معبر؛

۱۷. جلوگیری از تجارت و خرید و فروش اشیای ممنوعه، مانند: فروختن شراب، مردار و... (۱).

## ۹. مبارزه با فساد مالی کارگزاران (اختلاس، رشوه و...)

### اشاره

یکی دیگر از وظایف مهم دولت در مبارزه با فقر و اصلاح ساختار اقتصادی آن است که به صورت دقیق و با شیوه های گوناگون بر رفتار کارگزاران، نظارت داشته باشد و در صورت خیانت کردن آنان به بیت المال یا رشوه خواری و دیگر اعمال غیرقانونی، با قاطعیت با آنان برخورد کند. این چنین نظارتی، به مصلحت نظام است و از فساد مالی کارگزاران جلوگیری می کند.

در روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام بر حفظ ساختار نظام اقتصادی کشور، جلوگیری از پایمال شدن حق مستضعفان و برخورد قاطع با فساد مالی کارگزاران، تأکید شده است.

در این باره روایات فراوانی وارد شده است که در اینجا به نمونه های از آن اشاره می کنیم:

---

۱- السّوق فی ظلّ الدّوله الاسلامیه، سید جعفر مرتضی عاملی، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۰۸ ه. ق، چ ۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.

## الف \_ بازخواست از خیانت کاران

امام در نامه ای خطاب به یکی از کارگزاران خیانت کار می فرماید:

پس از یاد خدا و درود! همانا من تو را در امانت خود شرکت دادم و همراز خود گرفتم و هیچ یک از افراد خاندانم برای یاری و مددکاری و امانت داری، همانند تو مورد اعتماد نبودند. آن هنگام که دیدی روزگار بر پسر عمویت سخت گرفته، دشمن به او هجوم آورده، امانت مسلمانان تباه گردیده و امانت اختیار از دست داده و پراکنده شده است، پیمان خود را با پسر عمویت دگرگون ساختی و همراه با دیگرانی که از او جدا شدند، فاصله گرفتی. تو هماهنگ با دیگران، دست از یاریش کشیدی و همراه با دیگر خیانت کنندگان، خیانت کردی. نه پسر عمویت را یاری کردی و نه امانت ها را رساندی. گویا تو در راه خدا جهاد نکردی.

تو برهان روشنی از پروردگارت نداری و گویا برای تجاوز به دنیای این مردم، نیرنگ می زدی و هدف تو آن بود که آنان را بفریبی و غنایم و ثروت های آنان را در اختیارگیری. بنابراین، آن گاه که فرصت خیانت یافتی، شتابان حمله ور شدی و چونان گرگ گرسنه ای که گوسفند زخمی یا استخوان شکسته ای را می رباید، با تمام توان، اموال بیت المال را که سهم بیوه زنان و یتیمان بود، به یغما بردی و آن را با خاطری آسوده به سوی حجاز روانه کردی، بی آن که در این کار، احساس گناهی داشته باشی.

دشمنت بی پدر باد، گویا میراث پدر و مادرت را به خانه می بری! سبحان الله! آیا به معاد، ایمان نداری و از حساب رسی دقیق قیامت نمی ترسی؟

ای کسی که نزد ما از خردمندان به شمار می آمدی، چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا ساختی، در حالی که می دانی حرام می خوری و حرام می نوشی؟

چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می خری و با زنان ازدواج می کنی، در حالی که خدا این اموال را به آنان واگذاشته و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است؟

پس، از خدا بترس و اموال آنان را بازگردان؛ که اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد تا نزد خدا عذرخواه من باشد و تو را با شمشیری می زنم که به هر کس زده ام، وارد دوزخ شده است.

سوگند به خدا! اگر حسن و حسین چنان می کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی دیدند و به آرزوی خود نمی رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده بود، نابود سازم.

به خدای پروردگار جهانیان سوگند! اگر آن چه تو از اموال مسلمانان به ناحق بردی، بر من حلال بود، خوشنود نبودم که آن را میراث بازماندگانم قرار دهم. پس دست نگهدار و اندیشه کن که به پایان زندگی رسیده ای و زیر خروارها خاک پنهان شده ای و اعمال تو را بر تو عرضه کرده اند. آن جا که ستم کار با حسرت فریاد می زند و تباه کننده عمر و فرصت ها، آرزوی بازگشت دارد، ولی راه فرار و چاره مسدود است. (۱)

۱- «أَمَا بَعِيدُ، فَيَأْتِي كُنْتُ أَشْرَكَكَ فِي أَمِيَانِي، وَجَعَلْتُكَ شِعَارِي وَبَطَانِي، وَ لَمْ يَكُنْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِي أَوْثَقَ مِنْكَ فِي نَفْسِي وَ لِمَوَاسَاتِي وَ مُوَازَرَتِي وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَيَّ. فَلَمَّا رَأَيْتَ الزَّمَانَ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ قَدْ كَلَبَ، وَالْعِيدُ وَقَدْ حَرَبَ، وَ أَمَانَةَ النَّاسِ قَدْ خَزَيْتَ، وَ هَيْدَةَ الْأُمَّةِ قَدْ فَتَكْتَ وَ شَعَرْتَ، قَلَبْتَ لِابْنِ عَمِّكَ ظَهَرَ الْمَجَنُّ فَفَارَقْتَهُ مَعَ الْمَفَارِقِينَ، وَ خَذَلْتَهُ مَعَ الْخَاذِلِينَ، وَ خُنْتَهُ مَعَ الْخَائِنِينَ، فَلَا ابْنَ عَمِّكَ آسَيْتَ، وَ لَا الْأَمَانَةَ أَدَيْتَ. وَ كَأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ اللَّهُ - تَرِيدُ بِجِهَادِكَ، وَ كَأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَ كَأَنَّكَ إِنَّمَا كُنْتَ تَكِيدُ هَيْدَةَ الْأُمَّةِ عَنْ دُنْيَاهُمْ، وَ تَتَوَى غِرَّتَهُمْ عَنْ فَيْتِهِمْ، فَلَمَّا أَمَكَّنْتَكَ الشُّدَّةَ فِي خِيَانَةِ الْأُمَّةِ أَسْرَعْتَ الْكُرَّةَ، وَ عَاجَلْتَ الْوُثْبَةَ، وَ اخْتَطَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةَ لِأَرْامِلِهِمْ وَ أَيْتَامِهِمْ اخْتِطَافَ الذُّبِّ الْأَزْلُ دَامِيَةِ الْمِعْرَى الْكَسِيرَةِ، فَحَمَلْتَهُ إِلَى الْحِجَازِ رَحِيبَ الصَّدْرِ بِحَمْلِهِ، غَيْرَ مُتَأَثِّمٍ مِنْ أَخْذِهِ، كَأَنَّكَ - لَا أَبَا لِعَيْرِكَ - حَذَرْتَ إِلَى أَهْلِكَ تُرَاثَكَ مِنْ أَبِيكَ وَ أُمَّكَ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تُؤْمِنُ بِالْمَعَادِ؟ أَوْ مَا تَخَافُ نِقَاشَ الْحِسَابِ؟ أَيُّهَا الْمَعْدُودُ - كَانَ - عِنْدَنَا مِنْ أَوْلَى الْأَلْبَابِ، كَيْفَ تُسَبِّحُ شَرَابًا وَ طَعَامًا، وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْكُلُ حَرَامًا، وَ تَشْرَبُ حَرَامًا، وَ تَبْتَاعُ الْإِمَاءَ وَ تَتَكَبَّرُ النِّسَاءَ مِنْ أَمْوَالِ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ، الَّذِينَ أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ هَيْدَةَ الْأَمْوَالِ، وَ أَحْرَبَ بِهِمْ هَيْدَةَ الْبِلَادِ! فَاتَّقِ اللَّهَ - وَارْذُدْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ثُمَّ أَمَكَّنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَعْيُذَرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ، وَ لِأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ! وَ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ، وَ لَا ظَفِرًا مَنِي يَارَادَهُ، حَتَّى آخِذَ الْحَقِّ مِنْهُمَا، وَ أُزِيحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتَيْهِمَا. وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مَا يَسِّرُنِي أَنْ مَا أَخَذْتَهُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَلَالٌ لِي، أَنْ تُرَكَّهُ مِيرَاثًا لِمَنْ بَعِيدِي؛ فَضَحَّ رُوَيْدًا، فَكَأَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الْيَمْدَى، وَ دُفِنْتَ تَحْتَ الثَّرَى، وَ عُرِضْتَ عَلَيْكَ أَعْمَالُكَ بِالْمَحِلِّ الَّذِي يُبَادِي الظَّالِمَ فِيهِ بِالْحُسَيْرَةِ، وَ يَتَمَنَّى الْمُضَيِّعَ فِيهِ الرَّجْعَةَ، وَ لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ! نَهج البلاغه دشتی، نامه ۴۱.

**ب \_ برخورد با سودجویان**

حضرت علی علیه السلام با نظارت مستقیمی که به وسیله نیروهای اطلاعاتی خود بر امور کارگزاران داشت، در برابر هر گونه سوء استفاده آنان از بیت المال، واکنش نشان می داد.

روزی به امام علی علیه السلام گزارش دادند که یکی از فرمانداران، با پول بیت المال برای خود زمین و املاک تهیه کرده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه تندی به او نوشت:

أَمَّا بَعِيدُ، فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ، إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسِيخَطْتَ رَبَّكَ، وَ عَصَيْتَ إِمَامِيكَ، وَ أَخْزَيْتَ أَمَانَتِيكَ. بَلَغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ، وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ، فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ، وَ السَّلَامُ. (۱)

پس از درود خداوند؛ درباره تو، جریانی به من گزارش شده است که اگر آن را انجام داده باشی، پروردگارت را به خشم آورده ای، بر امامت شوریده ای



و امانت (فرمانداری) خود را به رسوایی کشانده ای. به من خبر رسیده است که زمین های آباد را ویران کرده ای و آن چه توانسته ای، به تصاحب خود در آورده ای و از بیت المال که زیر دستت بوده است، به خیانت خورده ای. بی درنگ، حساب خویش را برایم بفرست و بدان که حساب خداوند از حساب مردم سخت تر است! والسلام.

### ج \_ برخورد شدید با فرماندار خیانت کار

وقتی مَصِیْقَلَه بن هُبیره به اُمّت اسلامی و بیت المال مسلمانان خیانت کرد و دیون خود را نپرداخت، به سوی شام و نزد معاویه فرار کرد. حضرت علی علیه السلام نیز دستور داد خانه او را در کوفه خراب کنند تا مرکز توطئه گران و جاسوسان نشود. با وجود این، مصقله از شام به وسیله جاسوسی مسیحی، اخبار را به دست می آورد که آن شخص نیز دستگیر و مجازات شد. گفتنی است برادر او، نعیم بن هبیره از شیعیان مخلص امام علی علیه السلام بود. (۱)

### د \_ اعتراض شدید امام علیه السلام به شریح قاضی

روزی علی علیه السلام به شریح برخورد کرد و گفت: به من خبر داده اند که خانه ای به هشتاد دینار خریده ای و سندی برای آن نوشته ای و گواهانی، آن را امضا کرده اند.

شریح گفت: آری، ای امیرمؤمنان! امیرالمؤمنین علی علیه السلام نگاه خشم

آلودی به او کرد و فرمود:

ای شریح! به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند و از گواهانت نمی پرسد، بلکه تو را از آن خانه بیرون می کند و تنها به قبر می سپارد.

---

۱- منهاج البلاغه فی شرح نهج البلاغه، حبیب الله هاشمی الخویی، تهران، المکتبه الاسلامیه، بی تا، ج ۴، ص ۲۴۰.

ای شریح! اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام نخریده باشی؛ چون در این صورت، خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.

اگر هنگام خرید خانه، نزد من آمده بودی، برای تو سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر، رغبت نمی کردی. آن سند را چنین

می نوشتم:

این خانه ای است که بنده ای خوار شده و مرده ای آماده کوچ کردن، آن را خریده است. خانه ای از سرای غرور است که در محله نابودشدگان و کوچه هلاک شدگان قرار دارد. این خانه به چهار سو منتهی می شود: یک سوی آن به آفت ها و بلاها، سوی دوم آن به مصیبت ها و سوی سوم به هوا و هوس های سست کننده و سوی چهارم آن به شیطان گمراه کننده ختم می شود و در خانه به روی شیطان گشوده است.

این خانه را فریب خورده ای آزمند از کسی خریده است که خود به زودی از جهان رخت برمی بندد، به مبلغی که او را از عزت و قناعت، خارج کرده و به خواری و دنیا پرستی کشانده است.

هرگونه نقصی در این معامله باشد، بر عهده پروردگاری است که پیکر پادشاهان را پوشانده و جان جباران را گرفته و سلطنت فرعون هایی چون «کسری» و «قیصر» و «تبع» و «حمیر» را نابود کرده است. آنان که مال فراوان گرد آوردند و بر آن افزودند و آنان که قصرها ساختند و محکم کاری کردند، با طلا زینت دادند، فراوان اندوختند و نگهداری کردند و به گمان خود برای فرزندان خود گذاشتند، همگی به پای حساب رسی الهی و جایگاه پاداش و کیفر رانده می شوند. آن گاه که فرمان داوری نهایی صادر شود، «تبه کاران زیان

خواهند دید». (۱)

عقل به این واقعیت ها گواهی می دهد هر گاه که از اسارت هوای نفس نجات



یافته باشد و از دنیاپرستی به سلامت بگذرد. (۱)

## ه \_ برخورد شدید با رشوه خواری

ابن هرمه، متولی و مراقب بازار اهواز بود که رشوه خواری کرد. هنگامی که

این خبر به حضرت علی علیه السلام رسید، برای رفاعه بن شداد، حاکم اهواز نامه ای به

این مضمون نوشت:

وقتی نامه ام به دست رسید، بی درنگ ابن هرمه را از مسؤولیت بازار، عزل کن و به خاطر حقوق مردم، او را زندانی کن و همه را از این کار باخبر کن تا اگر شکایتی دارند، بگویند. این حکم را به همه کارمندان زیر دستت، گزارش کن تا نظر مرا بدانند. در این کار نسبت به ابن هرمه نباید غفلت و کوتاهی شود،

وگرنه نزد خدا هلاک خواهی شد و من نیز به بدترین صورت، تو را از کار

برکنار می کنم. تو را به خدا حواله می دهم از این که در این کار، کوتاهی کنی.

ای رفاعه! روزهای جمعه، او را از زندان خارج کن و سی و پنج تازیانه بر او

۱- «بَلَّغْنِي أَنَّكَ ابْتَعْتَ دَارًا بِنَمَانِينَ دِينَارًا، وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا، وَ أَشْهَدْتُ فِيهِ شُهُودًا. فَقَالَ لَهُ شَرِيحٌ: قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: فَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَ الْمَغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا سُورِيحُ، أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ، وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا، وَ يُسِيلُكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا. فَانْظُرْ يَا سُورِيحُ لَا تَكُونُ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ، أَوْ تَقَدَّتْ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ! فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ! أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ لَكَ كِتَابًا عَلَى هَذِهِ الشَّيْخَةِ، فَلَمْ تَزَعْزَعْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ بِدَرَاهِمٍ فَمَا فَوْقَ. وَالنَّسْخَةُ هَذِهِ: هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ، مِنْ مَيْتٍ قَدْ أُزْعِجَ لِلرَّحِيلِ، اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا مِنْ دَارِ الْعُرُورِ، مِنْ حَيَابِ الْفُتَّانِينَ، وَ خَطَّهَا الْهَمَّالِكِينَ. وَ تَجَمَّعَ هَذِهِ الدَّارَ حُدُودُ أَرْبَعَةٍ: الْحَيْدُ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَقْبَاتِ، وَ الْحَيْدُ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصَيَّبَاتِ، وَ الْحَيْدُ الثَّلَاثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَيُوعِ الْمُرْدِيِّ وَ الْحَيْدُ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي، وَ فِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ. اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَسِئُ بِالْأَمَلِ، مِنْ هَذَا الْمُزْعِجِ بِالْأَجْلِ، هَذِهِ الدَّارَ بِالْخُرُوجِ مِنْ عَزِّ الْقَنَاعَةِ، وَ الدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَ الضَّرَاعَةِ، فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي فِيمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ، فَعَلَى مُبْلَلِ أَجْسَامِ الْمُلُوكِ، وَ سَالِبِ نُفُوسِ الْجَبَابِرَةِ، وَ مُزِيلِ مُلْكِ الْفِرَاعَةِ، مِثْلِ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ، وَ تَبَعٍ وَ حَمِيرٍ. وَ مَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ، وَ مَنْ بَنَى وَ شَيْدَ، وَ زَخْرَفَ وَ نَجَّدَ، وَ أَدَخَرَ وَ اعْتَقَدَ، وَ نَظَرَ بَرَعِمَهُ لِلْوَلَدِ، إِشْحَاصِيَهُمْ جَمِيعًا إِلَى مَوْقِفِ الْعَرُضِ وَ الْحِسَابِ، وَ مَوْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ: إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ «وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ» شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ اشْتَرَى هَذَا الْمُفْتَرِّ إِذَا خَرَجَ مِنْ أُسْرِ الْهَيُوعِ،

وَسَلِمَ مِنْ عَلائِقِ الدُّنْيَا.» نهج البلاغه دشتی، نامه ۳.

بزن و او را در بازار بگردان. اگر کسی از او شکایتی با شاهی آورد، او و شاهدش را قسم بده، آن گاه حقّ او را از مال ابن هرمه بپرداز. سپس او را دست بسته و با خواری به زندان برگردان و بر پایش زنجیر بزن. تنها هنگام نماز، زنجیر را از پایش درآور و اگر برای او خوردنی و نوشیدنی و یا پوشیدنی آوردند، مانع نشو. به کسی اجازه نده که بر او داخل شود و راه مخصوصه و طریق نجات را به او بیاموز. اگر به تو گزارش رسید که کسی در زندان، چیزی به او یاد داده است که مسلمانی از آن زیان می بیند، آن شخص را بزن و زندانی کن تا توبه کند و از کردار خود پشیمان شود.

ای رفاعة! همه زندانیان را برای تفریح به حیاط زندان بیاور جز ابن هرمه، مگر آن که برای جانش بیمناک باشی. در این صورت، او را با زندانیان دیگر به

صحن زندان ببر. اگر قدرت بدنی دارد، هر ماه ۳۵ ضربه شلاق بر بدنش بزن و قضیه را برای من بنویس و نام جانشین او را نیز گزارش کن و حقوق ابن هرمه را قطع کن. (۱)

این گونه برخوردها نشان می دهد که امام علی علیه السلام با توجه به آثار ناپسند فساد مالی کارگزاران، نسبت به این امر حساسیت فوق العاده ای نشان می داد و پیوسته نظاره گر کارمندان دولتی بود تا به محض دیدن یا شنیدن گزارشی از خیانت کارگزاران، بدون از دست دادن وقت و بدون توجه به سمت و نسب

چنین اشخاصی، آنان را بازخواست و سرزنش کند. ایشان، حساب دقیق روز قیامت را به آنان یادآوری می کرد و اموال بیت المال را که بدان دست درازی کرده بودند، به حساب دولت برمی گرداند. افزون بر آن، با، بازداشت کارمند خیانت کار، وی را به سزای کردارش می رساند و حتی گاهی بعضی افراد را

برای همیشه از سمت شان عزل می کرد و از مجموعه کارهای دولتی، بیرون

می راند.

---

۱- دعائم الاسلام، ج ۲، صص ۵۳۲ و ۵۳۳، کتاب آداب القضاة، ح ۱۸۹۱.

## ۱۰. سپردن کار به دست افراد اصلاح (متعهد و کاردان)

### اشاره

یکی از راه کارهای موفقیت دولت این است که با گزینش درست کارگزاران، برنامه های دولت را به دست افراد کارشناس، متعهد و اصلاح بسپارد. اسلام برای گزینش افراد متعهد و کاردان، اهمیت ویژه ای قایل است و بر همین اساس، در روایات فراوانی بر این امر تأکید شده است. برای نمونه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه ای به کارمندان گردآوری زکات فرمود:

...وَلَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ، رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ، حَتَّى يُوَصَّلَهُ إِلَى وَلِيِّهِمْ، فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ؛ وَلَا تُؤَكَّلُ بِهَا إِلَّا نَاصِحًا شَفِيقًا، وَ أَمِينًا حَفِيزًا... (۱)

اموال مردم را به دست کسانی بسپارید که به دین داری آنان اعتماد داشته باشید و بدانید که اموال مسلمانان را با رفق (و سلامت) می آورند و به دست ولی ایشان می رسانند تا او میان همه تقسیم کند. این اموال را به دست کسانی بسپارید که خیرخواه و مهربان و امین و مراقب باشند. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت تعهد و تخصص در امور اجرایی می فرماید:

...إِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ، أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ. (۲)



یکی از عوامل نابودی اسلام و مسلمانان، آن است که اموال در اختیار کسانی قرار گیرد که حق را در آن‌ها تشخیص نمی‌دهند و با آن‌ها به انجام دادن کار نیک نمی‌پردازند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

---

۱- نهج البلاغه دشتی، نامه ۲۵.

۲- الفروع من الکافی، ج ۴، ص ۲۵، باب المعروف، ح ۱.

مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَوَلَّى رَجُلًا وَهُوَ يَجِدُ مَنْ هُوَ أَصْلَحُ  
لِلْمُسْلِمِينَ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ - وَرَسُولَهُ. (۱)

کسی که چیزی از امور مسلمانان را بر عهده گیرد، سپس فردی را عهده دار کار مهمی کند، در حالی که فردی شایسته تر از او را می یابد؛ به خدا و رسول او خیانت کرده است.

و در روایت دیگر می فرماید:

مَنْ قَلَدَ رَجُلًا عَمَلًا عَلَى عِصَابِهِ وَهُوَ يَجِدُ فِي تِلْكَ الْعِصَابَةِ أَزْضَى  
مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ - وَخَانَ رَسُولَهُ وَخَانَ الْمُؤْمِنِينَ.

کسی که کار گروهی را بر عهده کسی بگذارد که در میان آن گروه، فردی از او شایسته تر پیدا می شود، به خدا و رسول خدا و مؤمنان، خیانت کرده است. (۲)

مسأله گزینش افراد شایسته چنان با اهمیت است که در بعضی روایت ها،

یکی از نشانه های آخرالزمان و نابودی جامعه بشری، سپردن کار به دست

نااهلان (انسان های بی تعهد، بدون تخصص و ناشایسته) شمرده شده است.

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که امانت ضایع گردد، منتظر پایان

جهان باش! به آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا! منظور از ضایع کردن

امانت چیست؟ ایشان فرمود: هنگامی که کارها به دست غیر اهلس سپرده

شود، منتظر پایان جهان باش!» (۳)

انحراف، عقب ماندگی و فقر جهان اسلام در طول تاریخ به دلیل وجود

افراد ناشایست، بی تعهد و بی ایمانی بوده است که زمام داری جهان اسلام را

۱- مبانی حکومت اسلامی، جعفر سبحانی، برگردان: داوود الهامی، قم، انتشارات توحید، ۱۳۷۰ ه . ش، ص ۳۱۸، برگرفته از:  
السیاسه الشراعیه، ص ۶.

۲- مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۱۸.

۳- مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۱۸.

بر عهده داشته اند.

در این جا، معیارهای گزینش افراد برای خدمت در پست های دولتی را در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام جست و جو می کنیم.

### الف) معیارهای گزینش کارگزاران در آیات

با نگاهی به آیات قرآن کریم، به مواردی می توان دست یافت که از معیار گزینش افراد در مسؤولیت های گوناگون سخن می گوید.

در داستان حضرت موسی و شعیب، هنگامی که یکی از دختران شعیب به پدر خود پیشنهاد می دهد موسی را برای سرپرستی اموال خانواده خویش و چوپانی گوسفندان شان برگزیند، به «قوت» و «امانت» موسی اشاره می کند و می گوید:

يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. (۱)

ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، آن است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است).

هم چنین در داستان طالوت و جالوت، هنگام انتخاب طالوت از سوی

شموئیل \_ پیامبر آن زمان \_ به عنوان فرمانده بنی اسرائیل برای پیکار با جالوت

\_ سلطان جبار آن دوران \_ روی دو ویژگی مهم؛ یعنی گستردگی دانش و توانایی

بدنی طالوت تکیه شده است:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ

يُؤْتِي مَلِكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (۲)

خداوند، او (طالبوت) را بر شما برگزیده و به او توانایی جسمانی و علمی

بخشیده است و خداوند حکومت را به هر کس بخواهد، می بخشد و احسان

---

۱- قصص، ۲۶.

۲- بقره، ۲۴۷.

خداوند وسیع است؛ او (از شایستگی افراد برای منصب ها) آگاه است. و در داستان حضرت یوسف نیز می بینیم هنگامی که پیشنهاد سرپرستی خزانه داری مصر از سوی حضرت یوسف مطرح گشت، ایشان بر روی امانت داری و دانش و تخصص خویش تکیه کرد و گفت:

إِجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ. (۱)

مرا سرپرست سرزمین (مصر) قرار ده؛ که نگهدارنده و آگاهم.

این آیات، روی صفاتی متناسب با همان مسؤولیت و مقام تکیه کرده اند. برای نمونه، در زمینه فرماندهی بر دانش و توانایی بدنی تأکید شده است؛

«زَادَهُ سَيْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ». درباره کارگزاران و مدیریت اقتصادی و خزانه داری نیز به دانش، تخصص و امانت داری تأکید شده است: «الْقَوِيُّ»

«الْأَمِينُ» و «حَفِيظٌ عَلِيمٌ».

### (ب) معیارهای گزینش کارگزاران در روایات

در روایات معصومین علیهم السلام، شرایط فراوانی برای گزینش کارگزاران در پست های گوناگون دیده می شود که بدین قرار است:

#### ۱\_ امانت داری و درستکاری

در این باره، روایت فراوانی نقل شده است. برای نمونه؛ روزی یکی از

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: چرا یکی از پست های مهم دولتی را به من واگذار

نمی کنی؟

پیامبر صلی الله علیه و آله دست بر شانه او نهاد و فرمود:

إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ (وَالْأَمَانَةُ ثَقِيلَةٌ) وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَ

نَدَامَةٌ إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَ أَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا! (٢)

---

١- يوسف، ٥٥.

٢- الجامع الصحيح صحيح مسلم، ابن مسلم قشيري، بيروت، دارالجيل، بي تا، ج ٦، ص ٦.

تو ضعیف هستی و این پست ها، امانت است (و امانت الهی سنگین است) و روز قیامت، مایه رسوایی و پشیمانی می گردد، مگر کسی که آن را به حق بگیرد و وظیفه خود را درباره آن ادا کند!

ایشان در نکوهش مدیر خیانت کار می فرماید:

مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ فَكَتَمْنَا مَخِيطًا فَمَا فَوْقَهُ كَانَ غُلُوبًا

يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

اگر فردی را در پستی گماردیم و او یک نخ یا بالاتر از آن را از ما پنهان کند، خیانت کار است و مالی را که در آن خیانت کرده است، هم چون زنجیری در گردن او در قیامت خواهد بود.

امام علی علیه السلام در نامه خود به فرماندار آذربایجان می نویسد:

إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمِهِ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ... (۲)

پست و مقامی که به دست تو افتاده است، شکاری در چنگال تو نیست، بلکه امانتی است که بر گردنت سنگینی می کند.

۲\_ تجربه

۳\_ حیا

۴\_ اصالت خانوادگی

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ، وَ الْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَ

الْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُقَدَّمَةِ... (۳)



کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا از خاندان های پاکیزه و با

تقوا برگزین که در مسلمانی، سابقه درخشانی دارند.

---

۱- الجامع الصحیح صحیح مسلم، ابن مسلم قشیری، بیروت، دارالجیل، بی تا، ج ۶، ص ۱۲.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵.

۳- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

ایشان در بیان دیگری می فرماید:

ثُمَّ الصَّقُّ بِدَوَى الْمُرُوءَاتِ وَالْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الثِّيَبَاتِ الصَّالِحَةِ وَ

السَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ. (۱)

سپس به سراغ کسانی برو که از خانواده های اصیل، نجیب، با شخصیت مؤمن،

صالح و خوش سابقه اند.

۵\_ پرهیزگاری

۶\_ پیشینه نیک

داشتن حسن سابقه از شرایط مهمی است که امروزه مورد قبول همه

مجامع و محافل جهانی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در نامه خود خطاب

به مالک اشتر می فرماید:

إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا، وَ مَنْ شَرَّكَهُمْ فِي

الْأَثَامِ، فَلَا يَكُونَنَّ لَكَ بَطَانَةً، فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَثَمَةِ، وَإِخْوَانُ

الظَّلْمَةِ... (۲)

بدترین وزیران پیش از تو کسانی هستند که برای اشرار پیش از تو وزیر

بوده اند. کسی که با آن گنه کاران در کارهایشان شرکت داشته است، نباید

صاحب اسرار تو باشد؛ آن ها همکاران گنه کاران و برادران ستم کارانند.

۷\_ راستی و راست گویی

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ، وَ

طَنُطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَ لَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ. (۳)

(برای آزمایش مردم) به نماز و روزه و حج و نیکی کردن فراوان آنان به

---

۱- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه دشتی، نامه ۵۳.

۳- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۶۰، ماده «امن».

مردم و سر و صدای آنان در عبادت های شبانه منگرید، بلکه به راست گویی و امانت داری آنان نگاه کنید.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ مُؤَدَّاءَةً إِلَى

الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ. (۱)

خداوند هیچ پیامبری را بر نیانگیخت جز این که راست گویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار، در برنامه آموزه های او بود.

۸ \_ شجاعت و قاطعیت

۹ \_ پرهیز از پذیرش شفاعت و واسطه در استخدام کارکنان (خودداری از پارتی بازی)

امام علی علیه السلام فرموده است:

و لَا تَقْبَلَنَّ فِي إِسْتِعْمَالِ عُمَّالِكَ وَ أَمْرَائِكَ شَفَاعَةً إِلَّا شَفَاعَةَ

الْكَفَايَةِ وَ الْأَمَانَةِ. (۲)

در استخدام کارکنان و فرمانروایان، شفاعت و سفارش کسی را نپذیر، مگر

شفاعت آنان را برای شایستگی و امانت داری.

کوتاه سخن این که گزینش افراد صالح، متعهد و کاردان برای به دست

گرفتن امور دولتی از نظر معصومین علیهم السلام بسیار لازم و ضروری است و تساهل

و تخطی از آن، خیانت به اسلام و مسلمانان به شمار می رود. حضور افراد

بی تعهد و ناکارآمد در رده های بالای دولتی به شکست و ضعف برنامه های

دولت می انجامد و نابسامانی اقتصادی و فقر و گرانی را برای کشور به ارمغان

- ۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۶۰، ماده «امن».
- ۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۷۶، ح ۱۸۴.

## بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

### اشاره

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

نقش رسانه در مبارزه با فقر

پرسش های مردمی

پرسش های کارشناسی

## نقش رسانه در مبارزه با فقر

### نقش رسانه در مبارزه با فقر

بی شک، رسانه های جمعی مانند رادیو و تلویزیون در فرهنگ سازی و آگاهی بخشی به افراد جامعه، نقش بسیار ارزنده و مؤثری دارند، به ویژه آن که در این زمانه، بهره گیری مردم از رسانه یکی از نیازهای روزانه زندگی به شمار می رود.

در این میان، نقش بسیار مهم رسانه در مبارزه با فقر روشن است. رسانه برای پیشبرد این مبارزه می تواند راه کارهای گوناگون، حساسیت و اهمیت و حیاتی بودن مبارزه با فقر را در جامعه مطرح کند و با بیان آثار زیان بار مادی و معنوی آن در سطح خانواده و جامعه، مردم را از وضع زندگی بینوایان و تهی دستان آگاه سازد.

شیوه هایی که می توان با به کار بستن آن ها به توفیق این امر امیدوار بود، بدین قرار است:

۱. با تهیه برنامه های زنده مانند تهیه فیلم مستند و داستانی به ویژه فیلم هایی که آثار ویران گر و خردکننده بیدادهای اقتصادی و غیر اقتصادی را نشان دهد، می توان مردم را به یاری بینوایان فراخواند.

۲. انجام کارهای هنری و نمایشی.

۳. باید با برنامه های عادی مانند جشن عاطفه ها مردم را برای کمک به مستضعفان و تهی دستان جامعه فراخواند و این رفتار الهی و انسانی را به فرهنگ عمومی مبدل ساخت.
۴. توجه دادن مسئولین به شکاف های طبقاتی و افراد سودجو و فرصت طلب، برای مبارزه جدی تر با سودجویان و تعدیل ثروت عمومی بین قشرهای مختلف جامعه.
۵. بذل توجه بیشتر به جریان های واسطه گری و دلال بازی ها برای رهایی مصرف کنندگان از موانع و حیلله هایی که از این دسته گریبانگیر شده و باعث تورم های کذایی می گردد.
۶. تلاش در جهت ارتباط مستقیم بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان در جهت جلب رضایت نسبی آنان.
۷. برگزاری میز گرد ها، سخنرانی ها، سمینارها و... و نقد و بررسی سیاستگزاری های کلان .

### پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. فقر چیست؟
۲. از چه راه هایی می توان غبار فقر را از جامعه زدود؟
۳. فقر مادی و فقر معنوی کدام است؟ کدام یک سخت تر است؟ چرا؟
۴. چگونه می توان فرهنگ فقر زدایی فردی را در جامعه عملی ساخت؟
۵. ایمان و فرهنگ دینی در فقر زدایی چه نقشی دارد؟
۶. پی آمدهای فردی فقر و محرومیت کدامند؟
۷. چند نمونه از پی آمدهای اجتماعی فقر را برشمارید؟



۸. فقر چگونه پیدامی شود؟
۹. به چه کسانی فقیر می گویند؟
۱۰. به نظر شما از چه راه هایی می توان به فقیران کمک کرد؟
۱۱. چرا از نظر اسلام، گدایی ناپسند است؟
۱۲. تنبلی و بی کاری بر اقتصاد خانواده و جامعه چه تأثیری دارد؟
۱۳. آیا اسلام، مبارزه با فقر را لازم می شمارد؟ چگونه؟
۱۴. فقر در معنویت انسان چه تأثیری دارد؟
۱۵. کار و تلاش در فقرزدایی چه تأثیری دارد؟

### پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. حدود فقر چیست؟
۲. راه های مقابله با فقر چیست؟
۳. عوامل مؤثر در پیدایش فقر چیست؟
۴. شیوه های فقرزدایی را چگونه می توان به کار بست؟
۵. منظور از عدالت اجتماعی چیست؟
۶. سیاست های مؤثر در توزیع عادلانه ثروت چیست؟
۷. منظور از فقر عمومی و ملی چیست؟
۸. استراتژی توسعه در فقر زدایی چه نقشی ایفا خواهد کرد؟
۹. نقش و اهمیت کارآفرینی در فقرزدایی چیست؟

۱۰. درباره قرض الحسنه و میزان اهمیت و اثرگذاری آن در فقرزدایی توضیح دهید؟

۱۱. دولت در زمینه فقرزدایی چه وظایفی دارد؟

۱۲. وظایف مردم در زمینه فقرزدایی چیست؟
۱۳. مبارزه با فقر، امری فردی است یا اجتماعی؟
۱۴. فقر، تقدیر الهی است یا ستم اجتماعی و اقتصادی؟
۱۵. آیا فقرزدایی یک وظیفه دینی است؟
۱۶. آیا وجود فقر در جامعه نشانه بی عدالتی و جور و ستم در اجتماع است؟
۱۷. ثروت مندان در مبارزه با فقر چه وظایفی دارند؟
۱۸. آیا تنها مبارزه با فقر به عنوان یک معلول بسنده است یا مبارزه بر ضد عوامل پیدایش آن نیز ضرورت دارد؟
۱۹. انحصار ثروت در دست توانگران و طبقه خاصی از مردم بر پیدایش فقر در جامعه چه تأثیری دارد؟
۲۰. شیوه های عملی معصومین علیهم السلام در مبارزه با فقر چیست؟
۲۱. فساد مالی کارگزاران در پیدایش فقر چه تأثیری دارد؟

## معرفی کتاب

### الف \_ منابع فارسی

۱. الحیاه، نویسندگان: محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، برگردان: احمد آرام، ج ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶.
۲. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، محمد حکیمی.
۳. پدیده شناسی فقر و توسعه، چهار جلد، تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
۴. سیمای اقتصاد اسلامی، جعفر سبحانی.
۵. اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، سید محسن حایری.
۶. کلیات نظام اقتصادی اسلام، سید عباس موسویان.
۷. طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، دکتر مهدی بناء رضوی.
۸. مکتب و نظام اقتصادی اسلام، مهدی هادوی تهرانی.
۹. کلیات اقتصاد اسلامی، محمد رضا یوسفی.
۱۰. فقر از نظر اسلام، سید احمد طیبی شبستری.
۱۱. فقر از نظر اسلام (رقعی کم حجم)، علی صاد.
۱۲. اولین سمینار فقر و فقر زدایی، روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور.
۱۳. قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، علی اصغر هادوی نیا.
۱۴. تأمین اجتماعی در اسلام، مالک محمودی و ابراهیم بهادری.
۱۵. ترجمه اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳.
۱۶. امام علی علیه السلام و اقتصاد، محمد دشتی.

**ب \_ منابع عربى**

١٧. الاحياء العلوم، محمد غزالى، ج ٣ و ٤.
١٨. الفتوحات المكيه، ابن عربى، ج ٢.
١٩. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسى، ج ٧٢.
٢٠. المحججه البيضاء، فيض كاشانى، ج ٦.
٢١. ميزان الحكمه، محمد محمدى رى شهرى، ج ٧.
٢٢. سنن ابن ماجه، أبى عبدالله بن يزيد القزوينى، ج ٢.
٢٣. كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، على المتقى بن حسام الدين الهندى، ج ٦.
٢٤. سفينه البحار، شيخ عباس قمى، ج ٧.
٢٥. وسائل الشيعه، شيخ حر عاملى، ج ٦.
٢٦. آثار الصادقين، صادق احسان بخش، ج ١٦.
٢٧. لئالى الاخبار، محمد نبى تويسر كانى، ج ٢.

**کتاب نامه**

کتاب نامه

\* قرآن کریم.

۱. آمیدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی؛ غرالحکم و دررالکلم، برگردان: محمّد علی انصاری، قم، دارالکتاب، بی تا (دو جلدی).
۲. آمیدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی؛ غرالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه. ش (تک جلدی).
۳. آیتی، محمد ابراهیم؛ تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ه. ش.
۴. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم بیروت، لبنان، دار احیاء الکتب العربیه، الطبعة الثانية، ۱۳۷۸ ه. ق.
۵. ابن ابی فراس مالکی، أبی الحسن ورام؛ مجموعه ورام، بیروت، دار صعب و دار التعارف، بی تا.
۶. ابن حزم، أبی محمد علی بن أحمد بن سعید؛ المحلّی، بیروت، دارالآفاق الجدیده، بی تا.
۷. ابن حویزی، علی؛ تفسیر نور الثقلین، قم، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان، بی تا.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب، قم، المطبعه العلمیه، بی تا.
۹. ابن عیاش، ابی النصر محمد بن مسعود؛ التفسیر العیاشی، تصحیح و تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.
۱۰. ابن قشیری، ابن مسلم؛ الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، بیروت، دارالجمیل، بی تا.

۱۱. احسان بخش، صادق؛ آثار الصادقین، رشت، جاوید، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
۱۳. امین، سید حسن؛ اعیان الشیعہ، بیروت، دارالتعارف، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۸ ه. ق.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۵. بناء رضوی، مهدی؛ طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، مشهد، انتشارات آستانه قدس رضوی، ۱۳۶۸ ه. ش.
۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی؛ الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۷. تمیمی مغربی، قاضی أبی ضیفه النعمان بن محمد؛ دعائم الاسلام، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ ه. ق.
۱۸. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد؛ الغارات، برگردان: عبدالمجید آیتی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۹. جعفری کوفی، مفضل بن عمر؛ توحید المفضل، قم، مکتبه الداوری، ۱۹۶۹ م.
۲۰. جمعی از محققان؛ پدیده شناسی فقر و توسعه، تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه. ش.

۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ صحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ هـ ق.
۲۲. حائری، سید محسن؛ اندیشه اقتصادی در نهج البلاغه، برگردان: عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ ش.
۲۳. حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول، برگردان: احمد جنتی، قم، انتشارات علمیة اسلامیة، بی تا.
۲۴. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة، طهران، مکتبه الاسلامیه، الطبعة السادسة ۱۴۰۳ هـ ق.
۲۵. حکیمی، محمدرضا (و دیگران)؛ الحیاه، برگردان: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ ش.
۲۶. حکیمی، محمد؛ معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ ش.
۲۷. حلی، جعفر بن حسن؛ شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ هـ ق.
۲۸. حلی، رضی الدین علی بن یوسف، العدد القویة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ هـ ق.
۲۹. دشتی، محمد؛ امام علی و اقتصاد (الگوهای رفتاری)، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ ش.
۳۰. \_\_\_\_\_؛ نهج البلاغه، قم، انتشارات نسیم حیات، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ ش.
۳۱. دیلمی، حسن بن ابی حسن؛ إرشاد القلوب، قم، دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۱۵ هـ ق.



۳۲. دیلمی، حسن بن أبی حسن؛ أعلام الدین، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ هـ . ق.

۳۳. راغب الاصفهانی، أبی القاسم حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، تهران، المكتبة المرتضویه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ هـ . ش.

۳۴. سبحانی، جعفر؛ مبانی حکومت اسلامی، برگردان و نگارش: داود الهامی، قم، انتشارات توحید، ۱۳۷۰ هـ ش.

۳۵. شعیری، تاج الدین؛ جامع الأخبار، قم، دارالراضی للنشر، ۱۴۰۵ هـ . ق.

۳۶. شیخ مفید، الارشاد، برگردان: محمد باقر ساعدی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۴ هـ ش.

۳۷. صبحی صالح؛ نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۹۵ هـ . ق.

۳۸. صحیفه سجادیة، برگردان: جواد فاضل، تهران، چاپ سپهر، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۳ هـ ش.

۳۹. صدر، محمد باقر؛ اقتصاد ما، برگردان: ع . اسپهبدی، بی جا، بی تا.

۴۰. صدوق، شیخ ابی جعفر؛ الخصال، تهران، انتشارات اسلامیة، بی تا.

۴۱. \_\_\_\_\_؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۹۱ هـ . ق.

۴۲. \_\_\_\_\_؛ علل الشرایع، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ . ق.

۴۳. \_\_\_\_\_؛ معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی، الطبعة الاولى، ۱۳۶۱ هـ . ش.

۴۴. \_\_\_\_\_؛ من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، الطبعة السادسة، ۱۴۰۵ هـ . ق.

٤٥. صدوق، شيخ ابى جعفر؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، قم، چاپ زندگى، الطبعة الثالثة، ١٣٦٣ هـ ش.

٤٦. طباطبايى، علامه سيد محمد حسين؛ اسلام و اجتماع، قم، انتشارات پيام اسلام، بى تا.

٤٧. طبرسى، أبى فضل على؛ مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، قم، دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الثانية، ١٣٨٥ هـ ق.

٤٨. طبرسى، حسين نورى؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، الطبعة الثالثة، ١٤١١ هـ ق.

٤٩. طبرسى، شيخ أبى نصر حسن بن فضل؛ مكارم الاخلاق، ترجمه سيد ابراهيم ميرباقرى، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانى، بى تا.

٥٠. طرابلسى، عبدالعزيز بن البرّاح؛ المهذب، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، الطبعة الاولى، ١٤٠٦ هـ ق.

٥١. طريحي، فخرالدين؛ مجمع البحرين، تحقيق: احمد حسيني، بيروت، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ هـ ق.

٥٢. طوسى، ابى جعفر محمد بن حسن؛ تهذيب الاحكام، بيروت، دارالاضواء، الطبعة الثالثة، ١٤٠٦ هـ ق.

٥٣. \_\_\_\_\_؛ الأستبصار فيما اختلف من

الأخبار، تهران، دارالكتب الاسلاميه، الطبعة الثالثة، ١٣٩٠ هـ ق.

٥٤. \_\_\_\_\_؛ الامالى، قم، دارالثقافه للنشر،

١٤١٤ هـ ق.

٥٥. عبد الواحد بن محمد؛ تصنيف الغرر، تحقيق: مصطفى درايى، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، چاپ اول.

۵۶. قزوینی (ابن ماجه)، ابی عبداللہ بن یزید؛ سنن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۵۷. قمی، شیخ عباس؛ سفینه البحار، قم، دار الأسوه، الطبعة الثانية، ۱۴۱۶ هـ . ق.

۵۸. کراچکی، ابوالفتح، کنزالفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰ هـ . ق.

۵۹. کوفی، محمد بن اشعث، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.

۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، برگردان: سید جواد مصطفوی، قم، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.

۶۱. \_\_\_\_\_؛ الروضه من الکافی، برگردان: محمد باقر کمره ای، تهران، مکتبه الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۷ هـ . ق.

۶۲. \_\_\_\_\_؛ الفروع من الکافی، بیروت، دارالتعارف، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۱ هـ . ق.

۶۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار، طهران، المکتبه الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۹۷ هـ . ق.

۶۴. محمدی نیک، محمد؛ میزان الحکمه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱ هـ ش.

۶۵. مرتضی عاملی، سید جعفر؛ السوق فی ظلّ الدوله الاسلامیه، بیروت، الدار الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ ق.

۶۶. مطهری، مرتضی؛ بیست گفتار، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹ هـ ش.

۶۷. معلوف، لويس؛ المنجد فی اللغه، تهران، چاپخانه معراج، چاپ سوم، ۱۳۶۷ هـ ش.

۶۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۰ ه. ش.
۶۹. نهج الفصاحه، (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله)، تدوین و برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ پانزدهم، ۱۳۶۰ ه. ش.
۷۰. هادی نیا، علی اصغر؛ قرص الحسنه و آثار اقتصادی آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه. ش.
۷۱. هاشمی خوئی، حبیب الله؛ منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران، المكتبه الاسلامیه، الطبعة الرابعه، بی تا.
۷۲. هندی، علی المتقی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعة الخامسه، ۱۴۰۵ ه. ق.
۷۳. [امام] خمینی، روح الله؛ تحریر الوسيله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۲ ه. ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

